

علی‌ای حال از مجلس تقاضا می‌کنم که بمدی الموم امر شود که خودش رسیدگی کند تا معلوم شود که این حرف اتهام بوده است.

رئیس - آقای نصرت‌الدوله

(اجازه)

نصرت‌الدوله - بنده يك پیشنهاد داشتم تقدیم کردم.

رئیس - آقای معده‌هاشم میرزا

(اجازه)

محمد هاشم میرزا - عرایض بنده گفته شد.

رئیس - آقای مستشار السلطنة

(اجازه)

مستشار السلطنة - بنده عرض می‌ندارم

رئیس - آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

سلیمان میرزا - اگر اجازه بفرمائید پیشنهاد شاهزاده نصرت‌الدوله قرائت شود بعد بنده عرایض خود را عرض می‌کنم

رئیس - قرائت می‌شود.

شرح ذیل قرائت شد :

سلیمان میرزا - بنده صبر کردم که پیشنهاد قرائت شود شاید بطرفی نوشته باشند که مسئله حل شود ولی متأسفانه دیدم که باز اشکال باقی است بنابراین این پیشنهاد مجلس می‌خواهد به مقام اشرافی و باغی و بدد.

عدلیه يك محكمه عمومی است و فریاد همه ما این است که حکم بداد و مساوات بشود وزیر و عیله و شاهزاده و خان در حکم واحد باشند این واقعه يك چیز تازه نیست که ما بخواهیم شروع کنیم البته هر طوریکه قانون بنا دستور داده باید عمل کنیم اگر ما برای خودمان امتیازاتی قائل هستیم آن امتیازات را قانون اساسی معین کرده است و قسم خورده ایم مادامی که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق قانون اساسی محفوظ و معجز است تکالیف خودمان را ابراء کنیم و چیز دیگری برای خودمان قائل نشویم قانون اساسی يك تکلیفی در این موضوع برای ما معین کرده در اصل دوازدهم که خیلی مبهم و واضح است می‌نویسد (بهیچ عنوان و بهیچ دست آویز کسی بدون اطلاع و تصویب مجلس شورای ملی حق ندارد متعرض اعضاء آن بشود)

این يك قسمت يك قسمت دیگر هم دارد که می‌نویسد :

اگر احیاناً یکی از اعضاء علناً مرتکب جنحه و جنایت شود و در عین ارتکاب جنایت دستگیر گردد - باز باید اجرای سیاست درباره او باستحضار مجلس باشد این مصونیتی است که برای ما معین شده که کسی نمی‌تواند متعرض ما بشود مگر پس از تصویب مجلس شورای ملی بنده اول خیال نکردم آن فستی را که شاهزاده نصرت‌الدوله فرمودند

(که هرگاه امروزه و سندی در دست طرف باشد سلب مصونیت از وکیل می‌شود متعلق بقانون اساسی است حالا می‌بینیم در این لیا چون چیزی نیست شاید در قانون عدلیه باشد که بنده از آن مطلع نیستم و تقداً بآنهم کاری ندارم فقط چیزی را که می‌خواهم عرض کنم و قبل از سؤال کرده ام این است که ما بجه باید برای بدیم

حالا علت اینکه هیچکس نمی‌تواند متعرض وکیل بشود مگر با اجازه مجلس چیست و علت اینکه این را نوشته اند و این مصونیت را بکلاه داده اند برای چه دانه اند مقصود قانون گذار در آن موقع از این مصونیت چه بوده باینها کار ندارم هم تقدیر عرض می‌کنم که این مسئله در مجلس سابقه هم دارد بحال الموم در دوره اول وکیل بود و او را از مجلس بحکم فرستادند این مسئله تازه نیست چنانچه سابقه های گذشته را نگاه کنیم تکلیف معلوم خواهد شد .

مثلاً اگر فردا خبر دادند که بنده دزدی کرده ام و بگویند فلان کسی از دکان صرافان دزدی کرده است من بگویم چون مصون هستم باید مدعی -

الموم رسیدگی کند و پس از تحقیق اگر ظن قوی بمن بردند آن وقت احتضار مرا از مجلس اجازه بخواهند خیر چنین چیزی این جا نوشته نشده است بملازم کسی که این نسبت را داده است می‌گویند من

سندی از ذی امری دارم و کمسیون را برای محاکمه صالح نمی‌دانم در محكمه حاضر شود من سند خود را ارائه می‌دهم و کمسیون چون دیده است بموجب ماده ۱۲ قانون اساسی وکیل مصونیت دارد و عدلیه بدون اجازه مجلس نمی‌تواند او را جلب و محاکمه کند این است که این راپورت را نوشته و از مجلس اجازه خواسته است که سلب مصونیت از او بشود بنده که از راپورت کمسیون این طور می‌فهم حالا اگر اشتباه کرده باشم نمی‌دانم البته خود آقای آقا سید فاضل از همه بیشتر سعی دارند که هم حفظ حیثیت خودشان و هم سایر همکاران شان بشود چنانکه در اول وهله هم از مجلس تقاضا کردند که مسئله تعقیب و کشف شود

بنده نمی‌دانم چه اشکالی در بین هست که آن شخصی که سندی از ذی امری در دست دارد عریضه نمی‌دهد یا اینکه آقای آقا سید فاضل چرا نخواستند بعد عدلیه اظهار کنند علت را نمی‌دانم و اگر اختیاری در دست خودشان بود و فردای همان روز می‌توانستند عریضه بدهند بهر جهت تا بحال عریضه نداده اند حالا اگر وظیفه مدعی الموم است که اگر یک وکیل نسبتی داده شود او باید مداخله و رسیدگی کند.

آنها نمی‌دانم و گمان هم نمی‌کنم يك چنین چیزی باشد و اینکه مدعی خصوصی حاضر است و می‌گوید سند در دست دارم دیگر راه تحقیق مطلب مشکل نیست و از عدلیه هم تا اداره ستاره ایران آنقدر مسافتی نیست و ممکن است خود آقای آقا سید فاضل تشریف ببرند عدلیه و هر محال بدهند محكمه هم طرف را می‌خواهد

و در آنجا دیگر مدعی ستاره ایران نمی‌تواند بگوید محكمه صالح نیست ما هم زودتر خلاص می‌شویم که سه روز نمی‌گویند یکی از اعضاء مجلس طرف تهمت واقع شده و خودشان هم راحت میشوند آنوقت اگر خدای نکرده ایشان نتوانستند خود را بری الذمه کنند متأسفانه از یکطرف از خدمتشان محروم می‌شویم ولی از طرف دیگر هم بملکت ثابت نمی‌کنم که عدلیه ما این اندازه بی طرف است که وکیل هم اگر متضرر باشد تکلیف او را تعیین می‌کند اما اگر آنطرف محکوم شد (کما اینکه ظن غالب هم همین است) آنوقت او را مجازات خواهند کرد تا از نظایرش جلوگیری شود بهر جهت بنده با این پیشنهاد مخالف و خیال می‌کنم این پیشنهاد تولید صحبت های دیگری از برای آقایان و کلاه و شمش آقای آقا سید فاضل در خارج بکند حالا نمی‌خواهم داخل صحبت ها بشوم و علی افعال عرض می‌کنم باید رعایت اصل دوازدهم را که خیلی ساده نوشته شده کرد و اجازه داد که مشغول محاکمه شوند یعنی آقا خودشان عریضه بدهند و طرف را حاضر کنند البته در یکی دو جلسه کشف قضیه خواهد شد .

نصرت‌الدوله - اجازه بفرمائید راجع به پیشنهاد توضیحی بدهم .

رئیس - بفرمائید .

نصرت‌الدوله - بنده همانطوریکه عرض

کردم در عبارت این پیشنهاد يك نظر خاص نداشتم و دلالتی را که حضرت والا برای مخالفت با آن پیشنهاد فرمودند آن دلالت کافی نیست البته تصدیق می‌فرمائید اینجا بحث در قضیه خصوصی و شخصی نیست ما اینجا از نقطه نظر قانون گذاری بایست در موردی که مواد قانون باید رعایت شود حرف می‌زنیم ماده دوازدهم را که حضرت والا فرمودند همین ماده است که فقط مصونیت و کلاه را شامل است این ماده باین سهل و سادگی که در ظاهر معلوم است نیست برای اینکه اولاً باید دید در صورتیکه در همه جا برای حقوق افراد يك مملکت در مقابل قانون تساوی قائل هستند و هستیم چرا و از چه نقطه نظر برای و کلاه يك ترجیحی قائل شده اند و برای آنها يك مصونیتی برقرار شد این مصونیت در تمام ممالک برای نمایندگان هست و ما فقط يك تقلیدی از آنها می‌کنیم چرا برای هیچ يك از اعیان و بزرگان و هیچ صنفی از مردم در مقابل قانون این رجحان را قرار نداده اند دلیل این مسئله اینست اشخاصی که در معرض سیاست هستند (و اولین مرض سیاست مجلس است) چون همیشه در مقابل حمله و در معرض توهین هستند مقتضی خواسته است هم در مقابل تنقید و هم در مقابل افترا و تهمت افراد عادی و هم در مقابل تجاوزات محكمه متصوره از يك حکومت ناراضی وکیل را حفظ کند ولی از آنطرف هم نمی‌شود گفت که تجرد و کالت آنها را از محاکمه مصون می‌دارد و قانون این مسئله را پیش بینی کرده است حالا ملاحظه فرمائید اگر بنا باشد این ملاحظه را که قانون کرده و این استثنائی را که در مقابل تساوی حقوق قوی ترین و بزرگترین اصول دنیای مشرق

است قائل شده است اگر ممکن باشد از این استثناء به این سهولت یعنی بمجرد اظهار يك کسی که من يك سندی دارم و ارائه نمی‌دهم در صورتیکه معلوم نیست این مسئله که می‌گوید صحت دارد یا خیر بدون تحقیق و دیدن دلالتی که تا يك درجه ظن نزدیک به یقین حاصل شود که این امر صحیح است یا غیر صرف نظر شود البته مقصود قانون گذار بمل نمی‌آید باید در نظر داشت که مقصود قانون گذار و روح قانون همیشه معفوظ باشد ملاحظه فرمائید تا چه درجه قانون گذار در این قسمت ثانی غلو کرده است که می‌نویسد اگر احیاناً یکی از اعضاء مجلس علناً مرتکب جنحه و جنایتی شود و در حین ارتکاب جنایت دستگیر گردد باز باید اجرای سیاست درباره او باستحضار مجلس باشد دیگر از این بالاتر چه می‌شود يك آدمی که اسمش وکیل است وقتی که يك نفر را زد و کشت در موقعی که طایفه دست او است و بسینه کسی خالی کرده است و آن آدم افتاد و مرده است این دیگر بزرگترین جنایتی است نه دلیل می‌خواهد نه اثبات با این حال بدون استحضار اجازه مجلس نمی‌تواند او را جلب نمایند اینکه بنده عرض کردم ما هنوز در مرحله مقدماتی هستیم برای این بود که روح قانون حفظ شود اگر کمسیون موفق نشده بود باینکه يك تحقیقاتی بکند که آن تحقیقات يك نتیجه روشن و يك دلالت نزدیک به یقین برای کمسیون حاصل کند آنوقت می‌توانستیم بگوئیم که مجلس شورای ملی صلب مصونیت را بدون طی يك مرحله دیگر می‌تواند بکنند ولی مطابق همین راپورت و همین دلیلی که می‌گویند سند را ارائه نداده است و گفته است کمسیون صالح نیست تصدیق می‌فرمائید که تحقیق کمسیون کامل نشده بملازم نسبت دهده که مدعی خصوصی است تعقیب نمی‌کند در صورتیکه می‌تواند تعقیب کند و اگر گفته شود مصونیت از او جلوگیری می‌کند اشتباه است مصونیت يك وسیله ایست مانع نیست کسی برود در محكمه یا بار که از دست يك وکیل عریضه بدهد یا شکایت کند البته با کمال سهولت می‌توانست به بار که عریضه بدهد و دلالت خود را در آنجا ارائه دهد و از آنطرف هم وکیل محترم همانطور که حضرت والا فرمودند برای حفظ حیثیت خودش می‌توانست روز دوم عریضه جزائی بدهد و بمحكمه نظام کند ولی اینهم نشده است حالا به چه ملاحظه بوده است حکمت آن مربوط به بنده نیست بعضی از آقایان عقیده دارند که مجلس در این باب نباید دخالت کند زیرا قضیه خصوصی است بین دو فرد و آنها خودشان می‌دانند بلی اگر روز اول این عقیده اظهار شده بود در مجلس مذاکره نمی‌شد شاید بنده هم موافق نبودم ولی بعد از گذشتن يك مدتی که از طرف هیچکدام از این دو فرد اقدامی نشده و باز هم ممکن است تصور کنیم شاید باز يك مدتی بگذرد و قضیه به همین صورت باقی بماند بنابراین بنده متقدم همین امروز که این مسئله مطرح است باید وجه حلی برای این قضیه پیدا کرد تا وظیفه هر کسی معلوم شود خاطرم نیست کدام يك از آقایان گفتند بدون اینکه مدعی خصوصی اقامه دعوی کند بار که چه طور می‌تواند مداخله کند عرض می‌کنم همانطور که مدعی خصوصی

يك حقوقی دارم مدعیان عمومی هم يك حقوقی دارند و بار که می‌تواند دخالت کند در دست خاطر من نیست يك مواردی هست که یار که الزام نمی‌کنند و بار که بدون اینکه کسی اظهاری به او بکند خودش می‌تواند این کار را بکند و بنده تصور می‌کنم اگر تا امروز هم این کار از طرف بار که نشده است باین دلیل بوده است که مصونیت سوء تعبیر شده است در صورتیکه مدعی عمومی و بار که می‌تواند مطلب را تعقیب کند و فرضاً هم که بگوئیم يكطرف مصونیت داشت یار که می‌توانست طرف دیگر را که مصونیت نداشت او را جلب کند و به او بگوید اگر سندی داری باید ارائه بدهی و از راه مجبور می‌کرد که استناد خود را ارائه دهد و اگر استنادی نداشت آنوقت یار که می‌توانست بدون اینکه مدعی خصوصی عریضه دهد اقامه دعوی کند بهر جهت بنده در موضوع این پیشنهاد که کرده ام تعرض ندارم که حتماً تصویب شود فقط مقصودم این است بهر نحو که مجلس صلاح میدانند راه حلی برای این مسئله پیدا شود که مقصود بنده هم ادا شود .

رئیس - آقای آصف الممالک

(اجازه)

آصف الممالک - گمان می‌کنم جریان این مسئله دارد قدری از مجرای طبیعی منحرف می‌شود . در ابتدای امر اتهامی بطور مطلق یکی از نمایندگان مجلس وارد آورده و چیزی نوشته بودند و در آن موقع بای همه نمایندگان در بین بود و لازم بود مجلس این مسئله را تعقیب کند و راه تعقیب هم همانطور بود که کمسیون تعیین شده و تحقیقاتی بکند و مجلس راپورت بدهد حالا پس از اینکه کمسیون تحقیقات کرد مطابق این راپورتی که از کمسیون مجلس آمده معلوم شده است که طرف بگنفر واحداست و در این صورت خود آقای آقا سید فاضل که این نسبت به ایشان داده شده است باید شخصی را که به ایشان این تهمت را زده شخصاً تعقیب کنند بلی اگر طرف به يك محكمه عارض شده بود و بای سلب مصونیت بیای می آمد آنوقت لازم بود راجع بهل قضیه و اینکه سلب مصونیت بشود حرف بزنیم اما اینجا بگنفر یکی از نمایندگان فقط در روزنامه نسبتی داده است و در حقیقت وظیفه خود نماینده محترم است که بمحكمه عریضه بدهد و بمحكمه طرف را بخواهد و معاً که کند بنده هیچ معتقد نیستم که مجلس از این باب چیزی بنویسد زیرا همه روزه در جریان می‌بینیم يك چیزهایی راجع به نمایندگان می‌نویسند پس فرمائید باید بیاید از مجلس تقاضا کند که بتولت و مدعی الموم بنویسد که طرف مرا خواسته و معاً که کند خیر چنین نیست اگر کسی هم يك نسبتی داده در صورتیکه آن اتهام بین وارد نیست وظیفه شخصی من است که طرف را در محكمه برای محاکمه حاضر کنم بنابراین بنده مخالفم که از مجلس چیزی نوشته شود و این را وظیفه آقای دانه که همانطوری که گفت شد طرف را بمحكمه جلب و محاکمه نمایند .

رئیس - يك پیشنهاد دیگری از طرف آقای آقا سید

یعقوب رسیده است ولی گویا در آن باب تمیض رای گرفت قرائت میشود ملاحظه بفرمائید .

آقا سید یعقوب - چرا تمیض رای گرفت پیشنهاد بنده را بخوانند بنده نوشته ام ایشان خودشان بروند بمدعی الموم شکایت کنند البته این وظیفه خودشان است .

رئیس - اگر مجلس رای داد و ایشان نخواستند بودند آنوقت تکلیف چیست ؟

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب بمضمون ذیل قرائت شده (بنده پیشنهاد می‌کنم که جناب آقای آقا سید

رئیس - این پیشنهاد قرائت می‌شود تا بعد تکلیف رای گرفتن معلوم شود .

حاج شیخ اسدالله - اجازه می‌فرمائید .

رئیس - گفتند مذاکرات کافی است .

محقق العلماء - هر روز که نمی‌شود وقت مجلس را باین امر ضایع کرد .

رئیس - عرض می‌کنم مذاکرات کافی است اگر پیشنهاد دارید بدهید قرائت می‌شود بعد رای می‌گیریم .

(آقای تدین مجدداً پیشنهاد آقای نصرت‌الدوله را بمضمون فوق قرائت نمود)

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله نسبت به پیشنهاد فرمایشی دارید ؟

حاج شیخ اسدالله - بلی در اطراف این قضیه مذاکرات زیادی از طرف نمایندگان شد عقیده بنده این است که مجلس راجع به این مطلب نباید چیزی بنویسد حضرت والا فرمودند در دعای خصوصی و جزائی

اگر مدعی علیه طرح دهد و آنکند مدعی الموم می‌تواند تعقیب بکند بنده تصور می‌کنم اینطور نباشد اگر مدعی خصوصی تعقیب نکند مدعی عمومی نمی‌تواند وارد در دعوی شود ولی تصور می‌کنم در این مورد بالغوص

يك جنبه عمومی هم در دعوی باشد زیرا نوشته شده است اداره خبازخانه این پول را داده است و چون خباز خانه يك اداره دولتی است مدعی الموم می‌تواند برای حفظ حقوق دولت و معنی اینکه در آن اداره عاید

تقلبانی شده باشد این مطلب را تعقیب و کشف کند و اگر مدعی الموم تعقیب کند همه قضایا کشف میشود و او اینکه آقای آقا سید فاضل هم اصلاً تعقیب نکند ولی

کوشش و تقاضا کردن از طرف مجلس که مدعی الموم این قضیه را تعقیب کنند هیچ مناسبت ندارد نه قانون اساسی این حق را بدانده است و نه کسی را از اقامه دعوی منع

می‌کند و نه محكمه را از رسیدگی فقط در موقع مجازات و تعقیب ممکن است از مجلس سلب مصونیت را بخواهند این

است که قانون تمام این مطالب را معین کرده است و دیگر محتاج باین نیست که از طرف مجلس اقدام خصوصی شود و چون جنبه عمومی دارد مدعی الموم موظف است این مطلب را تعقیب کند و دیگر از طرف مجلس لازم نیست نوشته شود و ما این وظیفه را نداریم که برای نسبت يك نماینده به مدعی الموم بتوسیم این قضیه را تعقیب کنند .

رئیس - يك پیشنهاد دیگری از طرف آقای آقا سید

یعقوب رسیده است ولی گویا در آن باب تمیض رای گرفت قرائت میشود ملاحظه بفرمائید .

آقا سید یعقوب - چرا تمیض رای گرفت پیشنهاد بنده را بخوانند بنده نوشته ام ایشان خودشان بروند بمدعی الموم شکایت کنند البته این وظیفه خودشان است .

رئیس - اگر مجلس رای داد و ایشان نخواستند بودند آنوقت تکلیف چیست ؟

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب بمضمون ذیل قرائت شده (بنده پیشنهاد می‌کنم که جناب آقای آقا سید

یعقوب رسیده است ولی گویا در آن باب تمیض رای گرفت قرائت میشود ملاحظه بفرمائید .

آقا سید یعقوب - چرا تمیض رای گرفت پیشنهاد بنده را بخوانند بنده نوشته ام ایشان خودشان بروند بمدعی الموم شکایت کنند البته این وظیفه خودشان است .

رئیس - اگر مجلس رای داد و ایشان نخواستند بودند آنوقت تکلیف چیست ؟

پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب بمضمون ذیل قرائت شده (بنده پیشنهاد می‌کنم که جناب آقای آقا سید

یعقوب رسیده است ولی گویا در آن باب تمیض رای گرفت قرائت میشود ملاحظه بفرمائید .

آقا سید یعقوب - چرا تمیض رای گرفت پیشنهاد بنده را بخوانند بنده نوشته ام ایشان خودشان بروند بمدعی الموم شکایت کنند البته این وظیفه خودشان است .

فاضل مستقیماً مدعی العموم عرضه بدهد بدون اینکه مجلس در این باب اقدامی کند.

آقای سید یعقوب - بنده عرض میکنم این مسئله کشف شده و مجلس هم باندازه که باید از مطلب مسبق خود مسبق شد حالا خود آقای آقای سید فاضل موعظ هستند که از برای رفع تهمت مدعی العموم رجوع نمایند اگر آقای آقای سید فاضل رفتند باز خودشان مورد تهمت و اتهام هستند.

محمد هاشم میرزا - قابل رای نیست.
رئیس - به پیشنهادی که از طرف شاهزاده نصرت الدوله شده رأی میگیریم. آقای نصرت الدوله توضیح دارید؟

نصرت الدوله - اگر اجازه بفرمائید خوب است در موقع تنفس یکمندی در عبارت این پیشنهاد مشورت بکنیم که يك صورت توافقی بین نمایندگان حاصل شود.
رئیس - بسته برای مجلس است. مخالفی نیست؟
مخالفتی نشد رأی در این مسئله و همچنین راجع بپاره یازدهم راپورت کمیسیون بودجه میماند برای بعد از تنفس. در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید.

رئیس - آقای آقای سید فاضل (اجازه)

آقای سید فاضل - بنده در موقعیکه مدیر روزنامه ستاره ایران این تهمت را به بنده نسبت داده و مجلس برای رسیدگی باین مطلب کمیسویی انتخاب کرد بنده حقیقتاً عقیده ام این بود که کمیسیون برای رسیدگی بقضیه صالح است از برای اینکه این قضیه را کاملاً هو حق رسیدگی کنند و در مجلس هم رسماً عدم صلاحیت کمیسیون عنوان نشد این بود که بنده باعتبار این صلاحیت تا بحال صبر کردم حالا که راپورت کمیسیون باین ترتیب تقدیم شده بنده فردا علی الوضیعه عرضحال خواهم داد و عرض می کنم این مسئله کذب معض و معض کذب است ولیکن از مجلس شورای ملی خواهش نمودم همین طور که حالا اصرار دارند در موقعیکه حقیقت مطلب مشکوف شد و معلوم شد صرف تهمت و غرض است و کیفیت مجازات تعرضی همراهی بشایند و احاله بدولت نکنند.

رئیس - با این اظهاراتی که آقای آقای سید فاضل کردند بنده گمان میکنم قضیه ختم است بالفعل آنچه راجع به مجلس بود گفته شد و اگر بعد هابك تعقیقات دیگری لازم باشد باز به مجلس خواهد آمد.

راپورتی از کمیسیون متبکرات رسیده آقای سیدالملك تشریف بیاورید قرائت کنید.
(بعضی ذیل قرائت نمودند)

کمیسیون متبکرات در جلسه ۱۵ دلو ۱۳۰۰ طرح قانونی پیشنهاد شده از طرف عدل از آقایان نمایندگان معترم را زاجع بدست توقف مآوردین سیاسی ایران در ممالك خارجه مورد مذاکره قرار داده طرح مذکور را با اکثریت قابل توجه دانسته و راپورت آن را

تقدیم مجلس مقدس نمیداد که به کمیسیون خارجه ارجاع فرمائید

رئیس - مخالفی هست یا خیر؟
نصرت الدوله - ذوالی دارم.

آیا قبل از رجوع کمیسیون عقیده دولت باید معلوم شود یا باید در کمیسیون معلوم شود.

رئیس - بدیهی است چون مسئله راجع بدولت است باید نظریات دولت اتخاذ شود ولی رسم این است که در کمیسیون معلوم شود.

آقای حاج نصیر السلطنه (اجازه)

حاج نصیر السلطنه - بنده تصور میکنم چون مسئله راجع بدولت است البته نظریات دولت باید فعلاً اتخاذ شود بنظر بنده این طور است حال است برای حضرتعالی است.

رئیس - بدیهی است نظریات دولت هم در موقعیکه مراجعه بکمیسیون می شود جلب خواهد شد.

آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - بنده این سؤال را داشتم که آیا این مسئله يك قسمت از قانون استخدام نیست؟ و آیا ممکن است در ضمن قانون استخدام نوشته شود یا خیر؟

در هر صورت بعقیده بنده ممکن است این را ضمیمه قانون استخدام نمایند یعنی فرض کنیم يك پیشنهادی راجع بقانون استخدام شده و این طرح يك فصلی از قانون استخدام است.

رئیس - آقای ارباب کبشرو (اجازه)

ارباب کبشرو - بنده تصور میکنم تا وقتی که تکلیف قانون استخدام معین نشود حل يك مشکلاتی بواسطه این پیشنهاد بتعویق خواهد افتاد و علاوه بر این چیز مانع از این نیست که مجلس این طرح را تصویب نماید بنده منضم بقانون استخدام بشود بنا بر این بنده عقیده ام این است همانطور که علیحده پیشنهاد کرده اند برود بکمیسیون و کمیسیون رأی خود را بدهد.

رئیس - باید قبلاً معلوم شود قابل توجه است یا نه؟ باید قابل توجه بودنش رأی بگیریم آقایانی که این طرح را قابل توجه می دانند قیام نمایند (اکثر قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد.

ماده ۱۱ ضمیمه راپورت کمیسیون بودجه راجع به بودجه وزارت معارف مطرح است جمعی از آقایان اجازه خواسته بودند اگر فرمایشی دارند می فرمایند.

آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - بنده يك پیشنهادی تقدیم کرده ام توضیحانی لازم است عرض کنم

رئیس - اظهار دیگری ندارید؟

رئیس - آقای آقای میرزا سید حسن کاشانی (اجازه)

آقا میرزا سید حسن کاشانی - عرض می کنم که

بوزارت معارف تا حال اهمیت داده نمی شد و در این دوره چهارم که بودجه اش بپایان آمده است يك مقدار برای مرکز و يك مقدار برای ولایات تعیین کرده اند در صورتیکه بودجه ولایات کمتر از مرکز است صدوسی هزار تومان برای تمام ایالات و ولایات تعیین کرده اند در صورتیکه تمام اهالی يك مملکت باید از هر جهت مساوی باشند چه از جهت معارف و چه از جهت مراعات دیگر و گذشته از این دلیل اینکه اهمیت بمعارف داده نشده است این است حقوق که معلمین مرکز چندین ماه عقب افتاده است و وزارتخانه های دیگر حقوقشان به این اندازه عقب نیفتاده است حالا هم در ولایات با اینکه خرج مدارس را از مردم میگیرند معذالك رؤسای مدارس را چندین ماه است بدون حقوق گذارده اند و مدارس ایالات و ولایات عنقریب از هم پاشیده می شود و باید دولت يك توجهی بکند که از معارف مملکت مردم با سوبیه بهره مند شوند همانطور که مرکز مدارس متوسطه دارد در ولایات هم مدارس متوسطه تأسیس شود چرا نباید در ولایات مدارس متوسطه باشد که اگر شاگردی از مدرسه ابتدائی بیرون آمد و محتاج بندر مدرسه متوسطه باشد باید در طهران تحصیل کند چرا نباید در مرکز خودش مدرسه متوسطه باشد و در اینجا تحصیل کند غرض بنده همین است.

رئیس - آقای نظام الدوله موافق هستید؟
نظام الدوله - بنده يك قسمت توضیحی دارم

اجازه بفرمائید عرض کنم.
رئیس - موافقت یا مخالف؟
نظام الدوله - بنده مخالفم

رئیس - آقای تدین

تدین - بنده هم مخالفم

رئیس - آقای وحید الملك چگونه؟

وحید الملك - بنده هم مخالفم و وقت خود را

بآقای ملك الشیرا میدهم.

رئیس - آقای آقا سید یعقوب چگونه؟

آقا سید یعقوب - بنده هم مخالفم.

رئیس - آقای اقبال السلطان (اجازه)

اقبال السلطان - در جلسه گذشته راجع بمعارف مذاکرات زیادی شد و شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند برای تحصیل اطفال فقرا معالی نیست بنده را قدری بخیال انداختند که آیا این مدارس مجانی که در طهران هست برای کی دایر شده در صورتیکه همان اطفال فقرا باید در آن مدارس تحصیل کنند و اتفاقاً مطابق اطلاعاتیکه حاصل کرده ام در این مدارس مجانی قدر کفایت شاگرد نیست و باید بکمال حد دیگر این مدارس موجوده طهران را از شاگرد پر کنیم که مشغول تحصیل باشند و دیگر اینکه فرمودند خوب است آقایان نمایندگان فرقی بین طهران و ایالات و ولایات نگذارند و سعی کنیم مدارس در طهران زیاد بشود و همچنین بودجه ولایات را هم زیاد کنیم مطابق اطلاعاتیکه حاصل شده مدارس غالباً طهران قدر کفایت شاگرد ندارد و عده متنبه ای را میتوان در مدارس حالیه جای داد همانطور که عرض کردم تکلیف ما این است که مدارس مجانی و غیر مجانی را از شاگرد پر کنیم.

و هر وقت محتاج بمدارس دیگری شوند بپایان مراجعه کنند اما راجع ببنده تناسب بودجه معارف ایالات و ولایات و طهران بنده کاملاً موافقم ولی آقایان باید تصدیق بفرمایند که ما امروز نمی توانیم مدارس را که در طهران تأسیس شده حذف کنیم زیرا اگر بخواهیم بولایات بیشتر از آنچه تصویب شده بپردازیم مستلزم آن است که از مدارس طهران حذف شود و البته خاطر آقایان مستحضر است که نمی شود از مدارس طهران حذف بکنیم و دچار مشکلاتی خواهیم شد که بر آقایان پوشیده نیست و اما در باب فرمایش آقای آقا سید یعقوب راجع بیست و دو هزار تومان حقوق معلمین اروپائی بنده عرض میکنم نمی دانم این معلمین لازم هستند یا لازم نیستند ولی می دانم که این معلمین اروپائی مطابق يك کثرت معنی بایران آمده اند و باید بکثرت خود باقی باشند و پس از این راه هم نمی توانیم يك پولی تهیه کنیم و در این موقع که دولت دچار بی پولی است باید خود اهالی ایالات و ولایات تهیه پول برای مدارس بکنند چنانکه شاهزاده سلیمان میرزا مسبق هستند در کرمانشاهان این کار را کرده اند و در کرمانشاه در خود شهر يك مدرسه اسلامی و يك مدرسه آلبانی هست در قصر يك مدرسه در صحنه يك مدرسه در گهواره يك مدرسه در سنقر و کلیائی يك مدرسه تمام این مدارس هست رؤسای کلهر و سنجابی هم در خیال تأسیس دو باب مدرسه در محل خودشان بوده دیگر نمی دانم تا کنون موفق شده اند یا نه محل خرج این مدارس را هم خود اهالی کرمانشاهان معین کردند در تجاربه اداره گمرک نوشته اند که از هر يك باری که بگمرک وارد می شود صد دینار بگیرند و به معارف بدهند اداره گمرک هم همین کار را میکند و از هر عدل مال التجاره صد دینار بگیرد و همینطور از نواقل خواهش کردند بر هر مالیاتی يك شاهی بیفزاید و چون بر حسب میل خودشان بوده قبول کردند و از این دو محل و محل های دیگر حقوق مدارس را پرداخته اند و تا کنون از بابت تومانی صد دینار و تقریباً دو هزار تومان بمدارس کرمانشاهان داده نشده و با همان پولهای که خودشان تهیه کردند مدارس خود را گردانیده پس خوب است اهالی ایالات و ولایات در این موقع که دولت دچار بی پولی است خودشان کمک می بایند کار بکنند چون مذاکراتی که در این جلسه و جلسه گذشته تمام این بوده که بودجه مرکز و ولایات به تناسب تقسیم نشده درست است اما همانطور که عرض کردم امروز ما نمی توانیم تغییری در این بودجه بدهیم و اگر بخواهیم تغییری بدهیم مستلزم این است که مدارس طهران از بین برود از آنطرف بودجه ولایات هم همانطور که آقایان فرمودند کم است ولی دولت هم دچار بی پولی است و آن قدر قوه ندارد که بتواند به ایالات و ولایات کمک نماید پس باید همانطور که عرض کردم خود اهالی فکری بکنند تا در موقعیکه دخل مملکت کاملاً معین شد آنوقت ممکن است هیئت دولت بپایان پیشنهاد بکنند و يك کمک هائی بمعارف بشود که هم آقای آقای میرزا حسن کاشانی راضی باشند

و هم در سایر ولایات مدارس متوسطه تأسیس شود که محتاج نشوند شاگردان بپایان بفرستند و در همان ولایات خودشان تحصیل کنند.

رئیس - آقای نظام الدوله (اجازه)

نظام الدوله - بنده این بودجه را بر حسبیت نمی شناسم و بعقیده من اعتباری است که بدولت داده می شود زیرا اگر بنا شود این بودجه رسمی باشد باید يك صورت های جزئی بفرستند تا معلوم شود نواقص آن چه چیز است و مرتفع بکنند ولی حالا که آقایان درین خصوص صحبت میکنند بنده هم عرض میکنم معارف ایران بهر چیزی باید برتری داشته باشد فرمایشاتیکه حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا اظهار فرمودند قسمت کلی آنرا تصدیق میکنم ولی آن قسمتی که فرمودند ما باید حق طبقات را معفوظ بداریم بنده عرض میکنم که این حق تا وقتی از برای طبقات هست که آنها حق خودشان را از اولیای امور بخواهند و بگیرند والا اگر ما بخواهیم با يك جلسه فوق العاده و نظریات خصوصی این کار ها را بکنیم گمان میکنم ترتیب اثری برای حفظ حقوق جامعه داده شود و همچنین بنده پیشنهادی برای معارف ولایات تقدیم کرده ام که نه ضرری برای دولت است و کمکی هم عیاناً می شود تا موقعیکه بودجه را بر حسبیت بشناسیم آنوقت هرایض خود را در جزئیات عرض خواهم نمود.

رئیس - آقای رئیس التجار و شیخ الاسلام اصفهانی و حائری زاده مخالفند همین طور آقای دولت آبادی.

آقای کازرانی.

(اجازه منطبق)

آقا میرزا علی کازرانی - بنده با بودجه وزارت معارف تهران که تقریباً دو صد و پنجاه هزار تومان است موافقم و این را هم برای تهران کم می دانم ولیکن خواستم بدانم که این مبلغ از چه محل پرداخته می شود اگر حقیقت این مبلغ از مالیات و عایدات عمومی پرداخته می شود یعنی از همان پولی که از زحمتکشان برای حفظ حدود و تقویر گرفته می شود صرف معارف طهران بشود گمان میکنم مطابق انصاف و عدالت باشد و مطابق هیچ قانونی نباید مالیاتی که يك مشت مردم زحمتکش برای معارج عمومی دولت مودعت خرج معارف طهران بشود بنده فقط سؤال راجع باین مسئله است و خواهش میکنم جواب بفرمایند.

رئیس - جناب عالی در نقش موافق بودید و در نصفش مخالف.

هخیر - بنده مقصود معترض معترم را نفهمیدم یا حقیقتاً سؤال ایشان موجب حیرت است زیرا بنده تا بحال نشنیده بودم که باین معارف عمومی را تصحیک کنند البته هر مملکتی يك معارفی دارد و يك معارجی و دیگر تعصیق دادن يك معارفی بیک معارجی اساساً مخالف با قانون است و باید بکلیه موارد در یک جا تمرکز پیدا کند و صرف معارج عمومی بشود و گمان میکنم که خود آقای کازرانی هم تصدیق بفرمایند که معارج معارف یکی از معارج عمومی خیلی لازم است و بدیهی است مانعی

توانیم بتعلیمات عمومی مجانی فاضل شویم مگر اینکه از عوائد عمومی برداریم و صرف معارف بکنیم البته اگر يك ملت این نظر را نداشته باشد آنوقت شاید این سؤال يك موردی پیدا کند ولی بقیه ایشان معتقد باین اصل نیستند و مطابق نص صریح قوانین بایستی صرف کنیم به این که تحصیلات اجباری باشد در این صورت مورد ندارد که بگوئیم معارج معارف طهران از چه محل داده میشود کلايه عایدات مملکتی در یک جا تمرکز پیدا میکند و کلايه معارج عمومی از آن عایدات پرداخت می شود.

رئیس - آقای تدین (اجازه)

تدین - اگر چه موضوع بعقیده بنده فوق العاده مهم است و بایستی در این زمینه زیاد حرف بزنیم ولی برای اینکه زیاد مزاحم خاطر آقایان نباشم سعی می کنم حتی الامکان هرایض خود را بطور اختصار عرض کنم و تذکاراً خاطر آقایان را متوجه باین موضوع میکنم که چندین مرتبه در این مجلس در موقعیکه اسم معارف بیان آمده است بعضی از نمایندگان اظهاری نمودند که استقلال مملکت بر معارف مقدم است و تصور میکنم در این موضوع سوء تفاهم شده است زیرا شاید تصور کرده اند آنها را بیکه میگویند بایستی معارف مملکت را ترقی داده و مدارس مجانی را باید زیاد کرد مقصودشان این باشد که بروند يك قرضه های استقلال شکنی از خارجه نمایند در صورتیکه هیچ این طور نیست هیچکس این حرف را نیز ندیده که بروید از خارجه قرض کنید و خرج معارف کنید چون در این زمینه نمی خواهم زیاد صحبت کنم چند جمله بیشتر عرض نمیکنم یکی اینکه مملکتی که ملتش معارف ندارد و عالم نیست معنی استقلال را نمی فهمد اگر يك نظر اجمالی بسطح کره نمائیم می بینیم آن ملکی که معارفشان کمتر است با هیچ ندارد بهمان نسبت در تحت قید رقبت و دیگران هستند و بهر اندازه معارفشان زیاد شده است مردم بی حقوق خودشان برده اند بهمان نسبت در صدها هستند که زنجیر اسارت را پاره کنند اخبار جراید از مدتی قبل باین طرف شاید صدق هرایض بنده است.

از معارف معنی استقلال فهمیده می شود از مدارس معنای وطن پرستی بلوغ ساده طفل پرورش می کنند بهر حال پیش از این نمیخواهم در این موضوع صحبت کنم و وارد می شوم در جزئیات ماده اول راجع به بودجه وزارت خانه و تشکیلات آن چون بنده نظرم این است که حتی الامکان باید کوشش کنند معارج اداری را کم کنند در آن قسمت عرضی ندارم موضوع دوم صحیه است و يك اشکالی بنظر می آید که پیش بینی نشده و آن اینست که صحیه تا چندی قبل مربوط بوزارت معارف بود و اخیراً جزء وزارت معارف شده است و يك حقوق جزئی دارد که شامل مجلس حفظ الصحه و مریض خانه ها است البته مجلس حفظ الصحه و مریض خانه ها يك معارجی دارند و يك اداره خیلی کوچکی در وزارت معارف ما بیشتر شده است با هم اداره صحیه این اداره بودجه ندارد

چرا بجای این که این دولت و پنجاه هزار تومان که این جا نوشته شده است مخصوص است و مخارج جاهای معینی دارند و از آنجا هم نمیشود کسر کرد بنابراین برای مخارج اداره صهیونیه هیچ پیش بینی نشده و در این خصوص ممکن است حد اقل مخارجش سه هزار تومان پیش بینی شود ولی در این جا چیزی نوشته شده است و ممکن است بعد تولید اشکال کند.

اما مدارس طهران و صومعه خاطر آقایان کاملاً مستعضر است مدارس که در طهران است بر دو قسم است ملی و دولتی مدارس دولتی هم دو قسم است معانی و غیر معانی و چهل باب مدرسه ابتدائی معانی که سی باب آن ذکر و دو باب اثاث است در این شهر دائر است و تمام بخرج دولت اداره می شود و چندین باب مدرسه دیگر است اسماً متوسطه باین معنی که مرکب است از یک دوره ابتدائی و چند کلاس متوسطه دارالفنون است دارالمعلمین است طلبه است و غیره... بآنها کاری نداریم مدارس طهران و صومعه این مدارس مؤسسه امروز نیست از چند سال قبل این طرف تأسیس شده است و این مقدار وجهی که برای این مدارس معین شده است خرج جاری امساله مدارس است و مابقی که این لایحه وارد این است که اولاً این مصارف اعتباری برای سال آتی است و این مخارج نمیتواند مدرک برای سال آتی شود چرا که برای اینکه این مدارس دولتی بعضی هستند که دارای پنج کلاس هستند و در سال آتی باید دارای شش کلاس بشوند و نمی توانند بگویند که بر همان پنج کلاس باقی باشد مثلاً بیست و سه باب از مدارس ذکر و اثاث معانی دارای پنج کلاس است و سال آتی بهر کدام یک کلاس اضافه خواهد شد این بر وجهی است که سال آتی است دارالاطفال است که آن ها هم دوره شش ساله را ندارند و سال آتی بر کلاس های آن افزوده خواهد شد و چنانچه عرض کردم این بودجه برای سال آتی است و قبل از اینکه منتظر باشم وزیر معارف یک لایحه بیاورد و تقدیم مجلس کند و یک اوله ذکر کند که ما به این دلیل این کلاس ها را لازم می دانیم قبل باید این مسئله پیش بینی شود والا تولید رنت زحمت هائی خواهد کرد دیگر این که در این مجلس که حقیقتاً اسم معارف خیلی اهمیت دارد و همه آقایان هم بآن اهمیت می دهند اگر کسی از این مجلس سؤال کند که شما برای معارف چه کردید کدام کلاس را اضافه کردید ما جواب نداریم اگر بگوئیم ما حفظ موسسات سابقه خود را بقاء کرده ایم این جواب متقاعد کننده نیست زیرا می شود از این کلاس های چیزی حذف کرد نواقص دیگری هم هست از جمله این که این مدارس موجود تمام ابتدائی است تحصیلات صومعه ابتدائی در آن ها می شود مثلاً با شدت احتیاجی که ما امروزه بمدارس صنعتی داریم از این بودجه هیچ پیش بینی نشده است در صورتیکه بقیه بده فوق العاده لازم ضروری است که از این شهر چندین باب مدارس صنعتی ایجاد شود که هم کمک بولت و ملت کند و هم برای عامه نافع و سودمند باشد کمک بحال دولت می شود برای اینکه مدارس صنعتی را

که تأسیس و افتتاح کنند باعث ترقی مملکت می شود و در نتیجه یکمده از محصول این ترقی به به درخت صنعت خواهند رفت و از نتیجه تحصیلات خودشان استفاده میکنند و دیگر بعضی این که از مدرسه بیرون می آیند مجبور نخواهند بود ادارات دولتی را تحت فشار در آورند.

پس بقیه بده از جمله چیزهای فوق العاده لازم که در این بودجه پیش بینی شده است ایجاد چند باب مدرسه صنعتی در طهران و سایر ایالات و ولایات است دوم مدارس نسوان است بطور اجمال خاطر آقایان را متذکر می شوم این چهل باب مدرسه معانی (که بده حقیقتاً در این موضوع خیلی کوشش کردم و منتهی هم بر کسی نیکنم) در بنوا صومعه این چهل باب مختص بکود و بزرگ و اسبی از اثاث درین نبود و بنا بود برای مدارس اثاث یک پیشنهاد دیگر بشود بعد از اینکه تصویب شد وزیر معارف وقت خواست از موقع استفاده بکنند گفت ده باب از این مدارس را تخصیص بآنها داده ایم بده در آنوقت مخالف بودم و گفتیم این اختصاص شما باعث میشود که به این زودی نمیتوان لایحه بولت پیشنهاد کرد و تقاضای اضافه مدارس نسوان نمود بالاخره با اجماعی که نسوان در عالم بشریت دارند و بر همه مشهود است که ترتیب اولاد و اخلاق خانوادگی و سعادت طفل فقط منحصر به ترتیب نسوان است متأسفانه تا کون هیچ وجه بر این مسئله اهمیت بزرگی ندادیم (انجمن تحت اقدام الانهت) یکی از مسائل مسلمة است و بقیه بده نسبت به نسوان ظم فاحش شده ما امروزه فوق العاده احتیاج به ترتیب اولاد و اطفال خود داریم زیرا اطفال از زمانی که متولد می شود تا سن هفت سالگی که بزرگ می شود در صورتیکه بصر هم باشد باز ما در بیشتر معشورات تا به پدر چه رسد به اینکه دختر باشد بده متقدم که باید رعایتی نسبت بمدارس نسوان بشود باین معنی که بر عده مدارس نسوان اضافه شود و در همین حال متقدم که پیشنهاد خاص و دستور العمل مختص برای کلاس نسوان و ترتیب آنان معین گردد که قسمت اعظمش راجع به ترتیب اولاد و خانوادگی و تعلیم اطفال و بر آوردن حوائج زندگانی و شوهر داری و کدبانو گری و امثال این ها باشد ولی این جا هیچ اشاره نشده.

دیگر کلاس درس اکابر است ما امروز فقط بر ترتیب اطفال متوجه شده ایم و توجه خود را معطوف به ترتیب اطفال خود در سال شش هفت ساله نموده ایم غافل از اینکه یک غفلت بزرگی کردیم مطابق راپورت رسمیکه در سنه ۱۳۲۹ از طرف وزارت معارف اذاعه پیدا کرده و طبع شده در آن تاریخ بوجوب آن راپورت در تمام ایران صدی یک نفر و نیم با سواد نبود گرچه از آن تاریخ تا حال ترقی کرده ولی یقیناً بیشتر از صدی پنج ترقی نکرده و باز صدی نود و پنج از اکابر جاهل اند و علت اینکه امروزه ما راه استعمال آزادی را کم کرده ایم همین است که چهل صومعه در سراسر مملکت حکم فرماست چرا که اکابر نباید طرف توجه واقف گردد کلاس های اکابر بقیه بده بقیه بده بقیه لازم است و در تمام نقاط مهم ایران باید دائر کرد و برای اشخاصیکه بزرگ اند کاسب اند و نوکرند

و در هر مرحله که باشند در هر حال ایرانی هستند باید در آن مدارس بروند خواندن و نوشتن را بیاموزند

ولی متأسفانه وقتی که کلاس های اکابر شخصی هم تأسیس می شود عوض اینکه اهیتی بفارسی و خواندن و نوشتن داده شود فوراً البته خارجه را تدریس میکنند

بنده متکرر البته خارجه نیست و متقدم که هر کسی بده هر چند زبانی که می داند در حکم چند نفر است

مثلاً اگر یک کسی که یک زبان بداند یک نفر است و اگر دو زبان بداند دو نفر و سه زبان ۳ نفر است هیچکسی متکرر نیست که اگر امروزه ملتی البته خارجه را نداند نمی تواند زندگی کند ولی ما باید فوق العاده اهمیت بزبان فارسی بدهیم و بعد از اینکه زبان ملی خود را بطور کامل آموختیم آن وقت می توانیم زبان دیگری را بیاموزیم اما قسمت دیگری که راجع به تربیت تهیه معلم

یک مدرسه دارالمعلمین ما در تمام ایران یعنی در طهران داریم و این یک مدرسه کافی نیست معلم زیاد و کانی برای ما تهیه و تربیت کنند فقط عده معدودی را می توان تربیت کنند و مخصوصاً بنده متقدم که باید مدارس زیادی در طهران برای تعلیم اشخاصی که بغوامند معلم بشوند تأسیس گردد و هیچکس از این مسائل در این بودجه پیش بینی نشده است و مادام که رعایت حقوق نسوان نشده کلاس درس برای اکابر و رجاء کاسب و نوکران و غیره تأسیس نشده و مدارس چند برای اشخاصی که نمی خواهند علم آموزگاری را بیاموزند ایجاد نشده کاری برای معارف نکرده و قدمی برای پیشرفت آن برداشته ایم و این ها که کرده ایم ابقاء الشیء علی ما کن بیشتر نیست و این مدارس که فعلاً موجود است دیگران تهیه کرده اند

اما در موضوع معلمین خارجی بنده یک اشاراتی دارم که باید عرض کنم البته کثرتی بآنها شده و مقاوله نامه هائی رد و بدل شده و امضاء دولت هم معتبر و محترم است ولی می خواستم تذکر بدهم که اگر در آتی بخواهیم کثرتی بآنها بدهیم بکثرت هائی باید باشد که ناقص بحال مملکت باشد زیرا حالا آنطوریکه باید شاگردان ایرانی از این معلمین اروپائی استفاده نیکنند

مثلاً ساعات درسشان را اگر ملاحظه فرمائید خواهید دید که چند ساعت در هفته بیشتر نیست حد اقل آن ۴ ساعت و حد اکثرش از ۱۰ ساعت تجاوز نمی کند

آنوقت در هر ماه هر کدام سصد یا سصد و پنجاه تومان از دولت حقوق می گیرند چقدر هم کمک و اضافات تقاضاء و توقع دارند در صورتیکه بعضی از آن ها برای دروسی انتخاب شده اند که ممکن است آن دروس را خود معلمین ایرانی تعلیم دهند

وزارت معارف باید این نکته را کاملاً رعایت کند و در آتی ساعات تدریس آنها را معلوم کند زیرا ۱۰ ساعت درس کافی نیست و باید ساعات تدریس را از بیشتر قرار دهند

دیگر اینکه لازم است ما یک عده اشخاصی را همیشه تشویق و ترغیب کنیم برای اینکه بیایند و زحمت علمی را قبول کنند و یکی از طرق تشویق از دیاد حقوق آنهاست

بنده نمی دانم چه ترتیبی است و بدون اینکه طرفداری کرده باشم عرض میکنم که معلمین ایرانی فوق العاده زحمت میکنند و تمام وقت خود را در رفته صرف تدریس میکنند و شاید متجاوز از سی ساعت در هفته کار میکنند آنوقت حد اقل حقوق آن ها ۲۱ تومان و حد اکثرش ۴۸ تومان است

این حقوقی است که باین بدبختها داده می شود در صورتیکه در مقابل ماهی سبصد یا چهار صد تومان بدیگران نأدی می شود

بنده تصور میکنم اگر درست بمعین حقوق داده شود در آتی بجای اینکه مردم با ادارات دولتی حمله کنند عده هم حاضر خواهند شد زحمت کشیده معلومات خودشان را تکمیل و رفع نواقص از خودشان میکنند و شغل معلم اختیار نمایند بنده غالب اوقات گرفتار معلم هستم و باینکه حقوق مرتب هم بآنها میدهم و نه بگذاریم

حقوق آنها عقب بقیه بده می بینم نهایت ستم و کوشش را دارند که خود را در ادارات دولتی داخل کنند و معلومی را ترک گفته بروند مستخدم ادارات شوند چرا که برای این که انصافاً حقوق آنها کم است مدیر مدرسه باید یک مدرسه ابتدائی شش ساله را اداره کند در صورتی که ناظم هم ندارد آنوقت یار فقط ماهی پنجاه تومان داده میشود در صورتی که در یک وزارتخانه این مبلغ مواجب یک نفر منشی است این جا یک چیز هائی است که باید رعایت و منظور شود

مثلاً اگر چنانچه امروز وزارت معارف حاضر شود حقوق سصد تومانی معلم ایرانی بدهد طبعاً معلم ایجاد میشود آدمی بر سر ایالات و ولایات از مذاکراتی که در جلسه قبل راجع بابالات و ولایات شد تقریباً اینطور حرفه میداد میشد که موضوع حیدری و معنی بیان آمده در صورتی که ناظم محترم مقصودشان این نبود راجع به تناسب بین ایالات و ولایات بنده متقدم بر این حرف نیستم که بگویم بنده طهرانیم آقا کاشانی یا آقا شیرازی بنده متقدم که همه ما ایرانی هستیم و هیچ فرق بین طهرانی و کاشانی و شیرازی نباید بگذاریم فقط باید موقعیت محل را در نظر بگیریم و تشخیص بدهیم در هر نقطه با اندازه ای که لازم است و میتوانیم مدرسه تأسیس کم اقدام نائیم بنده نسبت بیولی که برای ایالات و ولایات تشخیص داده شده است مخالفم بجهت چه بجهت این که اگر ما بآنها نوری از روی قانون حساب دودوتا چهارتا می شود نگاه کنیم تصور می کنیم این مبلغ خیلی جزئی می شود زیرا ما چهار ایالت مهم داریم و اگر هر چه حالا ایالت زیاد شده ولی آنچه در قانون وزارت داخله است چهار ایالت بیشتر نیست

که عبارت است از آذربایجان خراسان و فارس و کرمان و بلوچستان باید اول پیشه چه مقدار می خواهیم در سال تحصیسی باین ایالات بدهیم این هارا باید در نظر گرفت مثلاً می خواهیم ماهی دوهزار تومان از برای خراسان تخصیص بدهیم باید دید آیا باین مبلغ می شود مدرسه درست کرد و تشکیلات معارفی داد یا نه؟ بنده گمان می کنم بشود پیریک از ایالات کمتر از بیست و پنج هزار تومان اختصاص بدهیم این بیست و پنج هزار تومان قطعاً در سال ۴ هزار تومان خرج و مصرف اداری دارد مابقی بیست و دوهزار تومان می شود که متعلق بمدارس است در وقت حساب معلوم می شود که این مبلغ بهیچ جا نمیرسد اما اگر بخاریم معلی برای این مخارج پیدا کنیم چون فقط در مقابل این ها جواب شنیده می شود که خزانه تهی است و محل نداریم بنده تصور می کنم اینطور نیست چرا که بجهت اینکه ماخذ عایدات بقول بعضی آقایان صورت عظیم الجثه بود که آوردند و بدیوار اطلاق چسباندند و در همان تاریخ بنده در نظر دارم عایدات خراسان را درسته گذشته چهار صد و هشتاد هزار تومان نوشته بودند ولی اخیراً از طرف وزارت مالیه در جواب بنده عرضی نوشته شده عایدات خراسان مطابق صورتی که در دست است نه هشتاد و کسری است حالا اگر قدری دقیق شوم و سایر عایدات را هم در نظر بگیریم از همین قبیل است و حالا بنده نسبت بطهران عرض می کنم که یکی از معلی های عایدی برای مدارس معانی بلده های محل است این پول را که بلده تهران می گیرد چه مقدار آن را تخصیص بمدارس طهران داده است در صورتی که باید یکسج معنای تخصیص بدهد قانون بلده و قانون معارف هم همین را میگوید که باید بلده کمک بکند

مشیه دیگری که تصور می کنم طرف حمله آقایان واقع شده (ولی بنده همیشه حقیقت را عرض می کنم و او را مؤثر نمی دانم) مسئله اوقاف است نمی گویم همه اوقاف بلکه همان اوقافی را که قانون اجازه داده و تصویب کرده است بنده چندان است بوزرای اوقاف وقت عرض کرده ام شما با عایدی اوقاف بخوبی می توانید چند باب مدرسه ای تمام باز کنید ولی متأسفانه بخرج نرفت و حالا هم عرض می کنم که در سال گذشته از عوائد اوقاف مطابق اطلاعات بنده متجاوز از سی هزار تومان گرفته شده و هیچ صرف معارف نشده فقط عنوان کرد و خورده بود بنده متقدم که تمام این ها را باید گرفت و صرف معارف کرد و تمام این ها یک معایب اداری است که در وزارت معارف موجود است و باید نواقص او را اصلاح کرد و این معایب را از بین برد قسمت دیگری که بقیه بده خیلی مهم است و اگر آن را تعقیب نکنیم دیگر محتاج نخواهیم بود مالیات جدیدی بر ملت تعبد کنیم قسمت ستم ستم است اشخاص درجه اول این مملکت که دارای همه چیز هستند هیچ احتیاجی بگرفتن هزار تومان و دوهزار تومان شهری ندارند

باید چیزی بگیرند تا وقتی کتابچه مستمرات را که مبدل بشهریه شده ملاحظه کنیم در آن صورت اشخاصی را می بینم که شهری می گیرند که حقیقتاً هیچ احتیاجی ندارند بنده عقیده دارم که هلا باید خدمت معارف بکنند نه لفظاً این است که عرض می کنم طرفدار جدی و حقیقی معارف خیلی کم است و داییش این است که شانزده سال است مشروطیت در ایران قدم گذاشته آیا در این مدت کدام مدرسه جدید را تأسیس کرده ایم کدام اعانه بزرگ را به معارف اعطا کرده ایم فقط در این مدت پنج شش مدرسه کلان پارسی و نائیش و غیره تأسیس شده است پس خوب است آقایانی که مواجب گرفتارند و بعداً احتیاجی بگرفتن شهری ندارند در این موقع بمعارف کمک و اعانتی فرمایند بنده عرض می کنم که این مبلغ خیلی گراف می شود ولی اقل پنجاه هزار تومان هم که بشود باز خود این مبلغ کمکی بمعارف خواهد بود لذا بنده عقیده دارم این مواجب های زیای حذف و اختصاص بمعارف داده شود نه اینکه مختصر مواجب فلان مستحق حذف شود اما مالیات بر تجمل و غیره که فرمودند حالا که تجمل نداریم اگر بعدها که تجمل پیدا کردیم وضع مالیات بر آن عیبی ندارد

مخبر — بنده قبل از اینکه جوابی عرض کنم باید خیلی اظهار خوشوقتی و امتنان کنم که یک نطق مفصل و بیان مثبتی که تمام راجع بمسائل عدلی و منتهی بر یک اطلاعات عمیق اداری بود امشب شنیدم و تصور میکنم مجاز باشم اظهار تأسف کنم که چرا این اطلاعات در دوائر دولتی مانیت زیرا بالاخره پس از این که تمام این قضایا از طرف کمیسیون تصدیق کنم آنوقت آقایان تمین باید عرض کنم که راه حل این مشیه چیست؟ شما معایب را فرمودید اما راه حل و چاره را فرمودید مثلاً میفرمایند سی باب مدرسه ابتدائی که فعلاً هست باید سال آتی بده یک مدرسه اضافه شود این اطلاع را بنده با سایر اعضاء و افراد کمیسیون اگر نداشته باشیم معذوریم اگر چه خود اینها یک مایبی است ولی بالاخره باید راه حلی برای اینها پیدا کرد بنده با این اطلاعاتی که در این مدت در کمیسیون تحصیل کرده ام گمان میکنم اگر بعضی مسائل را به ایشان تذکر دهیم تصدیق خواهند فرمود مثلاً در طهران در حومه طهران پنجاه باب مدرسه ابتدائی معانی داریم که ده باب در حومه و چهل باب در خود شهر است و از این چهل باب مدرسه که در طهران است سی باب راجع به کور و ده باب راجع به اثاث است بنده تحقیق کردم که بیستم در تمام پنجاه باب مدرسه ده شاگردی که تحصیل می کنند چقدر است بنده مطابق اطلاعاتی که بدست آورده ام و تصور میکنم خود آقایان تدین هم تصدیق فرمودند کلبه این مدارس رویهم رفته بیشتر از هفت هشت هزار شاگرد ندارد ...

تقدیر — بیشتر است

مخبر — اگر هم بیشتر باشد در همین حدود و تجاوز از ده هزار نفر شاگرد نیست و وقتی که هشتاد شاگردان

را تقسیم بحدود می بینیم مخالفان هر مدرسه دوست نداشتند.

ملاحظه فرمائید يك مدرسه بامدیر و ناظم و معلم و نوکر و پنج باش کلاس آنوقت تمام این مؤسسه و تشکیلات برای اداره کردن و تربیت کردن دوست نداشتند. شاکرد است حالا این نص مدارس نیست بعضی از مدارس کمتر شاکرد دارند برخی زیادتر آنرا کار نداشتند تمام این ها برای این است که ادارات عادت کنند و از طرز قدیمه که سالها بآن عمل می کردند متعرف شوند و صرف نظر کنند زیرا ممکن است روزی هم خیال کرد عوض پنجاه مدرسه در طهران و اطراف بیست مدرسه هر کدام شاکرد پیدا کنند و آنوقت يك صرفه جوئی ملحوظ می شود و ده کلاسها هم ممکن است زیاد شود علی الخصوص که میتوان از صرفه جوئی بر حقوق معلمان که همه ماها تصدیق داریم کم است و نمیتواند با ما می بیست و يك تومان زندگانی کند اضافه کرد.

آقای تدین شرحی راجع به مدارس صنعتی بیان فرمودند و بنده را متذکر بامری کردند که اگر انشاء الله ماده ۱۱ امشب تصویب شود بصورت يك ماده الحاقی این پیشنهاد را خواهم کرد اینکه در جزه امانه مدارس خارجه دوازده هزار تومان کسر شده است امانه مدرسه آلمانی است و علت هم این بوده که مدرسه آلمانی دائر نبوده ولی حالا مطابق اطلاعات حاصلی مدرسه آلمانی عنقریب افتتاح می شود و مدرسه صنعتی خواهد بود و ممکن است آنچه امانه که حذف شود برای آن مدرسه تصویب شود و این یکی از چیزهایی است که حقوق العاده حائز اهمیت است بنده کاملاً با تأسیس مدارس صنعتی موافقم و باید صنعت را در مملکت ترویج کنیم.

ولی بطوریکه بنده شنیده ام از بودجه بلدی هم تأسیس چند باب مدرسه صنعتی را در نظر گرفته اند و این مسئله اگر صحیح باشد هم مدارس صنعتی که آقای تدین لزوم آن را بیان فرموده تأسیس خواهد شد و هم بلدی آن کسی را که باید بکنند کرده است اما راجع به مدارس نسوان و کلاس اکابر که آقای تدین فرموده بودند تمام این ها يك سقایتی است که بنده هر چه بخواهم بگویم باز باید فرمایشات ایشان را تأیید کنم ولی از نقطه نظر مغیری که بیسیون مجبور هر ش کتم که باید قائل بتدریج شده و عا لئاً امروزه باید در تکمیل يك چیزهای موجوده بیشتر کوشید و همان طوریکه فرمودند موجود را نباید بحال خود باقی گذارد و هر طور هست آنرا باید تکمیل نمود.

راجع به معلمان اروپائی که بوجوب کثرت استخدام شده اند فرمودند وزارت معارف طوری ایشان را باید کثرات کنند که بدو بفرورند البته این از وظایف وزارت معارف است که باید تشخیص بدهد برای چه دروس این معلمان را کثرت می کنند تا بحال تصدیق می کرد بود بیشتر معلمان اروپائی را برای دروس عالی؛ از قبیل فیزیک شیمی یا طب جراحی و غیره کثرات می کردند و تصدیق فرمائید که برای این قبیل از

دروس بیشتر از ده ساعت وقت در هفته لازم نیست این ها را در هر حال باید وظایف خود را ادا کرده علمی که بآنها رجوع شده است می آموزند کار آنها غیر از کار تعلیم ابتدائی است زیرا بطوریکه عرض شد آن ها هر کدام برای دروس و مواد معینی انتخاب می شوند البته حالا باید وزارت معارف تمام این را دو نظر بگیرد و حتی الیکن باید سعی کند که از وجود آنها بیشتر استفاده کند خلاصه این که تمام مطالبی را که ایشان فرمودند قابل توجه است بنده تذکری دهم همان طور که سابقاً گفته شده دولت هم تأکید کرد مخصوصاً امروز آقای رئیس الوزرا بنده فرمودند که از قول ایشان اظهار کنم نظر دولت این نیست که بودجه معارف تا آخر سال همین طور باشد و بلکه دولت در نظر دارد يك مبلغی از همین محل ثانی بفرمائید کمیسیون بودجه هم مشغول است بررور خواه نسبت به بودجه ولایات خواه نسبت به مرکزیک تکمیلانی اضافه شود و این مبلغ عا لئاً حداقل اعتبار بودجه را برای سال آتی تعیین می کند و البته هم ما سعی خواهیم بود دولت هم نهایت سعی و کوشش را خواهد داشت که بعد بودجه معارف را زیاد کند

وزیر معارف - دری هم رفته باید بنده باید تشکر کنم از آقایان نمایندگان این دوره که نسبت به معارف بذل مساعدتی فرموده و در از دیار بودجه و تکمیل نواقص آن بیاناتی ببلخ ایراد فرموده و البته این حسن نیتی است که بوزارت معارف روی آور شده و البته دولت و امتنان را دارد و بخصوص از توجیهات آقای تدین تشکر میکنیم توضیحات کاملی بیان کردند در واقع ایشان يك اطلاعات کامل از اداره معارف دارند البته باید همین طور باشد زیرا ایشان مدت زمانی است در امور وزارت معارف داخل هستند و با اطلاعات و تجارب مفیده که بدست آورده اند خدماتی کرده اند و وزارت معارف هم حقاً يك استفاده هائی از اطلاعات ایشان کرده و خواهد کرد اساساً مذاکره در بودجه معارف همان بود که گفته شد و پیشنهاد دولت هم راجع بوضع حالیه وزارت معارف است و در کمیسیون هم سابقاً اگر دفاع زیادی نشده و یا بعضی توضیحات کافی داده نشده شاید از حیث ملاحظات صرفه جوئی بوده ولی از آن وقتی که بنده وارد شدم و در این یکی دومرتبه که بنده را احضار فرمودند آنچه را که در نظر بود عرض کردم و تا اندازه هم مساعدتهائی شده و پیش از این عقیده داشتم از طرف آقایان نمایندگان مساعدت شود ولی بالاخره برای اینکه زیاد تغییر و زبرد نشده باشد از طرف آقایان نمایندگان اعضاء کمیسیون اظهار امیدواری شد که عا لئاً این بودجه امساله است ولی اگر سال آتی بودجه جدیدی برای معارف نوشته شود پیشنهادهای مفید و لازمی که مربوط به معارف و مدارس باشد مجلس مضایقه نخواهد کرد و بنده هم مخصوصاً بانگیز کلاسهای مدارس که آقای تدین فرمودند موافق بوده و این را یکی از چیزهای حتی میدانم و اینکه در این موقع اقدام نکردم برای این بود که تا موقع

تعلیل تابستان سال آتی کلاسها همین خواهد بود منتی بعد از تعلیل تابستان باندازه که کلاسها اضافه میشود محل بودجه آنها تعیین خواهد شد و اگر از طرف وزارت معارف در این باب اظهار نشده است نظر بامیدواری بوده است که در کمیسیون مذاکره شده و من تصور میکنم وقتش هم نگذشته و راجع به صبحهم بودجه صبحه سابق از این مبلغی که حالا پیشنهاد شده خیلی کمتر بوده است و يك پیشنهاد اتی شده است و تا درجه اصلاح شده ولی اینکه در موضوع بودجه اداره صبحه مذاکره نشده و اسمی از آن برده نشده شاید برای صرفه جوئی بوده است چنانچه در موضوع آبله کوپی هم که تاکنون مذاکره نشده است بهین جهت بوده است و باید در همه جای ایران اداره آبله کوپی برقرار شود و از محل عشر نواقل که در این چند سال مرسوم بوده بودجه آن داده میشود حالا که منافع نواقل ببلدی اختصاص داده شده باید ترتیب این کار هر طور مقتضی است داده شود در این جا بودجه آنها را هیچ داخل نکرده اند ولی البته ملاحظه بکنید که ترتیبی بر این کار داده شود و لطمه بحفظ الصبه وارد نشود ...

آقای محمد نجف - آقایان خوب است بلند تر بفرمائید که همه بشنویم.

وزیر معارف - در موضوع معلمان اروپائی هم همانطور که شاهزاده نصرت الدوله اشاره فرمودند تصور میکنم معلمان اروپائی که بایران خواسته شده اند باین نظر بوده که بیایند و تدریس نمایند و همینطور هم بوده تدریس نموده اند و آثار خوبی از خود باقی گذاشته اند و آنها هم که حالیه هستند غالباً خوب هستند و در کارهای خود ما هر قدر ترقیات مملکت زیاد تر بشود معلمان کامل تر خواهد شد و مدرسه آلمانی هم همانطور که مذاکره شد با اعتباریکه برای مدارس خارجه پیشنهاد شده است چون دائر نبوده داده نشده ولی چون فعلاً مفتوح خواهد شد که ساعتی که باز شود علاوه بر آن اعتباریکه ذکر شده باید اضافه هم تصویب شود که بآه مدرسه داده شود و روزی هم رفته بنده گمان میکنم در موضوع بودجه معارف اگر بتوانند باز مذاکرانی بکنند اهمیتی ندارد ولی نظریات آقایان با دولت اختلافی ندارد و دولت هم بودجه فعلی را هنوز پیشنهاد نکرده هم چنانکه حضرت والا اشاره فرمودند ممکن است در ضمن سال اضافه هم بشود و البته دولت همین قدر که در مسائل مالبه دقت کرد و دیده يك پیشرفت هائی هست البته پیشنهاداتی خواهد نمود و تصور میکنم در بین سال کاملاً ترضیه خاطر آقایان و کلا بمل خواهد آمد و در این موضوع گمان میکنم مشاجرات بیش از این زائد باشد.

رئیس - آقای امین الشریعه پیشنهاد کرده اند مذاکرات کافی است کافی است یا کافی نیست ؟ (جمعی گفتند کافی است)

ملک الشعراء بهار - رای بگیریم مخالفین هنوز يك کلمه حرف نزده اند ممکن است در جلسه دیگر حرف بزنند

رئیس - جلسه را ختم میکنیم بقیه مذاکرات بماند برای جلسه آتی.

دویر عدلیه - لایحه تقاضای اختیاری است برای اجرای قوانین عدلیه که تقدیم مجلس می شود (آقای تدین بضمون ذیل قرائت نمود)

ماده اول - بوزیر عدلیه اجازه داده می شود که کلیه قوانین را که بمجلس شورای ملی پیشنهاد نمایند بعد از تصویب کمیسیون عدلیه بمجلس شورای ملی موافقتاً بموقع اجراء گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل و تکمیل نواقص ثانیاً برای تصویب بمجلس شورای ملی پیشنهاد نمایند.

ماده ۲ - این اجازه شامل قوانینی است که از تاریخ تصویب این لایحه تا شش ماه از طرف وزیر عدلیه بمجلس شورای ملی پیشنهاد می شود.

شیخ الاسلام اصنافی - هر دو ماده مخالف قانون است.

رئیس - این لایحه گمان نمیکند محتاج به مراجعه کمیسیون باشد جزء دستور مجلس بشود جلسه آتی روز پنجشنبه دوساعت بشروب و دستور آن اولاً رأی در باب لایحه که قرائت شد ثانیاً راپورت شعبه ششم راجع با آقای حاج میرزا عبد الوهاب نماینده همدان ثالثاً راپورت کمیسیون بودجه راجع بمرتبه مرحوم حاج شیخ محمد جواد و رابعاً راپورت کمیسیون بودجه راجع بتهیه بودجه های مملکتی است.

نصرت الدوله - اجازه بفرمائید.

نصرت الدوله - بنده تصور میکنم چون لایحه بودجه خیلی طول کشیده و مذاکرات در اطرافش زیاد است اگر ممکن باشد لایحه بودجه را مقدم بر لایحه وزارت عدلیه قرار دهند شاید اعتقاد وقتی نشود.

رئیس مخالفی نیست ؟

وزیر عدلیه - بنده مخالفم زیرا قانون ثبت اسناد و سایر قوانین دیگری تهیه شده و تصور نمیکند این لایحه وقت زیادی را اشغال کند ممکن است جرعه دستور بگذارند اگر چه بنده هم با آقای مجیر کمیسیون بودجه موافقم که تصویب راپورت کمیسیون بودجه بتأخیر افتاد ولی چون این لایحه وقت زیادی لازم ندارد ممکن است مقدم باشد.

رئیس - راجع بتقدم و تأخر در جلسه دیگر رأی می گیریم لایحه رسیده است راجع بفراری مستوری در حق ورثه مرحوم و قار الدوله بکمیسیون بودجه فرستاده می شود.

مجلس سه ساعت از شب گذشته ختم شد.

جلسه ۶۷
صورت مشروح مجلس یوم پنجشنبه
بیستم دلو هزار و سیصد و طابق
یازدهم جمادی الثانیه
هزار و سیصد و چهل

مجلس یک ساعت و نیم قبل از غروب در ترحم ریاست آقای مؤمن الملك تشکیل گردید صورت مجلس یوم سه شنبه هجدهم دلو را آقای تدین قرائت نمودند.

رئیس - آقایان ایرادی نسبت بصورت مجلس دارند یا نه ؟ (ایرادی نبود)

رئیس چون ایرادی نیست صورت مجلس تصویب شد چون آقای وزیر عدلیه حاضر نیستند مذاکره در لایحه پیشنهادی ایشان میاندا تا موقع آمدن خودشان فعلاً راپورت شعبه اول راجع بشانیدگی آقای حاج میرزا عبد الوهاب از همدان مطرح مذاکره است و چون قبلاً قرائت و طبع و توزیع شده محتاج تجدید قرائت نیست. گویا آقای سلیمان میرزا مخالف بودند ؟

سلیمان میرزا - بلی
رئیس - بفرمائید

سلیمان میرزا - بنده چنانچه در جلسه گذشته هم بعرض آقایان رساندم راپورت شعبه مخالف بودم و علت مخالفت بنده این بود در موقعی که از همدان می گذشتیم يك عده زیادی از اهالی همدان اظهاراتی میکردند و از انتخابات آنجا شکایاتی داشتند که بنده میتوانم شکایات آنها را بدو قسمت منقسم کنم قسمت اول اینکه من گفتند در انتخابات اینجا دسیسه و اسباب چینی بخرج رفته است از اعضاء انجمن نظار هم رضایت منعی نداشتند و میگفتند طوری انتخابات اینجا جریان پیدا کرده که از ابتدا مقصودشان از انتخابات تقریباً معلوم بود و اظهار میکردند که در این موضوع هم ما راپورت مفصل و شکایات متعدد بظهران مغایره کردیم بالاخره هرگز مطالب ما را قابل توجه دانستند و وقتش فرستادند که مرحوم بقاع الملك بود و ایشان بعد از آنکه رسیدگی و تحقیقات کردند عرایض و شکایات ما را صحیح و بموقع دانسته و امر بتوقیف انتخابات دادند اعتراض دوم آنها این بود که میگفتند بعد از توقیف انتخابات يك اشکال دیگری پیدا کردیم و آن اشکال این است که تمام صندوقهای آراء را بردند در منزل عا لئاً الملك نائب الحکومه بردند پسون این که شرایط قانونی را احراز حفظ کردن صندوق از بعضی تقابلات و مهر و موم شکاف صندوقها و غیره منظور داشته باشند و بنا بر گفته آنها فقط در صندوق مغلل بوده بدون رعایت شرایط قانونی که باید در آنها بمهر اعضای انجمن مهر و موم شده و البته اشکار صحیح نیست که صندوق آراء را مدت یکسان یا زیاد تردد بست بکشتن بسیاری و ممکن است در این مدت اوراق آن دست خورده باشد و قفل آنرا باز نموده باشند چون لاک و مهر موم نموده است غرض نظریاتین مطالب در جلسه گذشته با این راپورت مخالفت کردم ولی ام وزبده در شعبه که این راپورت را دادند حاضر شدم و در سیه این راپورت را با حضور اعضاء شعبه مطالعه کردم و البته این مطلب محتاج بتذکار نیست که وقتی ما در شعبه يك اعتبارنامه رسیدگی میکنیم مثل اعضاء محکم هستیم که بخواهیم قضاوت کنیم و مدرک و اسناد ما باید درست باشد و از آنرو قضاوت کنیم علم قاضی هم در هیچ محکمه سند و مدرک نمیشود و نمیتواند بگوید که چون خود من مطلع هستم باید رأی بدهم یا بشود نیست و البته اسناد و مدارك هم لازم

دارد و معلومات خارجی بدرد نمی خورد واقع و حقیقت را فقط و فقط عالم مطلق و خداوند توانا می داند و پس اشخاصی که از طرف خداوند حقایق بآنها اعلام می شود مثلاً گرد و غبارش عالمی بیرون و يك مسئله را بدروغ شهادت بدهند آن مال حکم میکند که مطلب همینطور است و بشهادت عدلین مجبوراً رأی می دهد حالاً ما باید از روی انصاف نظر کنیم و رأی بدهیم بنده چیزیکه در دوسیه این مسئله را تقویت کند بنده و در صورت مجلس انتخابات هم نگاه کردم و بدیدم نوشته بود که مدت قانونی رسیدگی بشکایات را معین کردیم و اعلان هم کردیم و شکایاتی نرسید و در دوسیه هم اسناد و شکایاتی موجود نبود فقط یکجور در دوسیه بود بعنوان این که دسیسه در کار بوده بدون اینکه درست معلوم باشد که این شکایات را چه اشخاصی کرده اند و همانطور که در بنده امر اظهار کرده ام اهالی همدان بطور معمول می گفتند که در انتخابات دسیسه در کار بوده است ولی منعی برای اثبات این قضیه در دوسیه نبوده و عرض کردم علم هیچ کس هم صحت نمی شود بنده عقیده ام این است که (حالا اگر بخواهیم فتنه ایجاد کنیم) درجریان انتخابات مخصوصاً جاهاتی که قراء اطراف و عده نفوس زیاد باشند البته مردم بیل طبیعی و احساسات شخصی خودشان از دعات و اطراف بطور آزادی و دلخواه خود بر نمی خیزند در موقع زمستان هشت نه فرسخ راه را طی کرده و بیایند در مرکز انتخابات و رأی بدهند اگر ما حقیقه اینطور عا یانی داشتیم با این احساسات که معنی حقیقی آزادی را می دانستند و در موقع انتخابات نماینده خود را بیل خود معین می کردند و می فهمیدند که معنی انتخابات یک نفر وکیل این است که مقدرات دو ساله خود را بدست یک نفر بپارند بدون اینکه دیگر حق استیفاء و تمیز هم داشته باشند و هر چه آن شخص منتخب حقیقی ایشان حکم کرد همان خواهد شد چقدر خوب بود و آن رأی چه قدر وقت زیادی داشت اگر عموم مردم این مطلب را آگاه می شدند که بگویند این وکیل باید دوسال از برای ما کار بکند و يك بازی از دوش ما توده ملت بردارد و آنوقت پنج شش هزار نفر از يك قصبه می آمدند بمرکز انتخابات و با این احساسات رأی می دادند (انشاء الله اگر خداوند بجا عدل بدهد و چنین روزی را ببینیم) آنروز روز سعادت واقعی این مملکت است و روز ترقی و تعالی ما است که همه مردم از روی احساسات شخصی با تجربه و دقت يك و کبلی را انتخاب کنند و يك منظوری از انتخاب وکیل داشته باشند و ملتفت باشند و کبلی که میرود چه کار میکند ؟ بغير آنها کار نمیکند یا نه بهر حال این يك مسئله است مسلم (نسبت با آقایان رفقا با سارت نمیکند فرض بفرمائید در يك مملکت دیگر که موقع انتخابات باشد شاید اکثر انتخاباتشان از روی این احساسات نبوده باشد که مردم بیل و رضا و رغبت بیایند و رأی بدهند حالا ممکن است نظر آن اشخاصی که میگفتند در انتخابات همدان دسیسه در کار بود همین باشد که در غالب جاها انتخاب از روی آزادی حقیقی و حفظ حقوق خودشان نبوده بلکه چیز دیگری سبب می شده

است و شاید اظهار این احساسات از روی دسیسه کاری بوده است که مثلاً از آباد همدان قلاب دعوت با اختیار خود بر نمی خیزد و پای برهنه لشکریان را به همدان آمده که یک شخصی را وکیل کند و حال اینکه معلوم نیست آن شخص را می شناسد و اطلاع از فعالیت او دارد یا نه شاید طبیعتاً این حرکات در تحت نفوذ و امری باشد حالا اگر چنانچه حقیقت را بخواهیم ممکن است همین نحو باشد ولی همانطور که عرض کردم مدرک حکم و مخالفت ما فقط اسناد و نوشته ها است که در دستمان باشد و در این زمینه باید از روی انصاف صحبت کرد و بنده اگر در جلسه قبل گفتیم مخالف هستیم و حالیه که یک سندی برای اثبات باهای خود نداریم مجبور نیستیم که جعل بکنیم که چون گفتیم مخالف هستیم باید حتماً مخالفت بکنیم بنده حقیقتاً در دوسیه استادی که این مطالب را برساند ندیدم حالا اگر آقایانی که آنجا بودند غفلت کرده اند و آنها بگفتن قناعت کرده اند و در موقعی که این چنین برای شکایت تعیین کرده نباشد ما باید در دست یک ماده اول افتتاح مجلس هراش خود را به مجلس نرساند و تصدیق با خودشان است و با ماها نیست باز تکرار میکنم در این دوسیه چیزی که اثبات این مدعا را بکنند بنده ندیدم و فقط مدرک بنده همان بود که در همدان از خود اهالی شنیدم و چون سندی در دست نیست نمیتوانم هراش بکنم و دیگر در این موضوع عرضی ندارم

آقا سید یعقوب مخبر - چون حضرت والا تشریف آوردند در شب دوسه و سه و چهار بهمان ترتیب که بیان فرمودند دیدند و قانع شدند گمان میکنم دیگر مخالفی نباشد (جمع گفتند صحیح است)

رئیس - آقای نصرت الدوله موافقت ؟
نصرت الدوله - بلی
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله چطور ؟
حاج شیخ اسدالله - بنده هم موافقت
رئیس - آقای مستشار السلطنه هم موافقت ؟
مستشار السلطنه - بنده هم موافقت
ولی با این طرز مخالفت کردیم مخالف و می خواهم قدری در موضوع انتخابات سابقه که حضرت والا اشاره کردند صحبت کنم

رئیس - موافقت هستید
مستشار السلطنه - بلی
رئیس - آقای محقق العلماء موافقت ؟
محقق العلماء - بلی

رئیس - آقای دولت آبادی هم موافقت ؟

دولت آبادی - بلی بنده هم موافقت
رئیس - چون دیگر مخالفی نیست رأی میگیریم آقایانی که انتخاب آقای حاج میرزا عبدالوهاب را بنمایند که همدان تصویب میکنند قیام فرمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد بالفعل رایورت کمیسیون بودجه راجع برقراری یکصد تومان شهریه در باره چهار نفر و در محرم آقای حاج میرزا محمد جواد مطرح است (آقای تین رایورت کمیسیون بودجه را بشنود)

ذیل قرائت نمودند

(رایورت از کمیسیون بودجه به مجلس شورای ملی) پیش نهاد دولت را مبنی بر تقاضای برقراری یک صد تومان مستمری برای ورته مرحوم حاج شیخ محمد در جلسه هشتم دلو کمیسیون بودجه تحت مطالعه درآمد و ماده واحده ذیل با اکثریت آراء تصویب شد

ماده واحده - مبلغ یکصد تومان شهریه در حق چهار نفر ورته مرحوم حاج شیخ محمد جواد خراسانی به ترتیب ذیل برقراری شود

(۱) درباره فاطمه خانم خیال آن مرحوم ماهی ۱۰ تومان
(ب) درباره خانم صبیح آن مرحوم ماهی ۲۰ تومان

نامدیکه شوهر اختیار نکرده اند
(ث) درباره حسین آقا پسر بزرگ آن مرحوم ماهی ۳۰ تومان

تا سن بیست و یک سالگی
(ث) درباره مهدی آقا پسر کوچک آن مرحوم ماهی ۳۰ تومان برای مخارج تحصیل
رئیس - نسبت باین رایورت مخالفی هست یا نه؟ آقای فتح الدوله

(اجازه)

فتح الدوله - بنده با طرز تقسیم این وجه مخالفم که برای حسین آقا پسر بزرگ سی و پنج تومان و برای مهدی آقا سی تومان معین کرده اند این تفاوت برای چه چیز است؟ و خوب است بطور تساوی تقسیم شود نه اینکه فرق بگذارند

مخبر - این عدم تساوی نظر پیش نهاد خود و خانواده آن مرحوم است و البته نظریه آنها هم احتیاجات فعلی و لوازم تحصیلات آنها است مسلماً پسر بزرگتر وظایف تحصیل و کتاب و سایر لوازم زیاد تر از پسر کوچکتر است که تازه مشغول شده است والا در خود کمیسیون هم ابتدا نظر تسوی درین بود و پس از تحقیقات بالاخره اینطور صلاح دید و تصویب شد

سیدالملک علاء - برقرایش آقای مخبر این طرز تقسیم برای دولت هم بهتر است برای اینکه پسر بزرگ را که سی و پنج تومان داده اند زودتر از کردن دولت می افتد و باین جهت باید کمیسیون تقسیم را تصویب نمود و مخالفت نکرد

رئیس - دیگر مخالفی نیست (گفته شد خیر)

رئیس - رأی میگیریم او رقه آقایانیکه رایورت کمیسیون را تصویب می کنند و رقه سفید و آقایانی که رد میکنند و رقه کبود خواهند داد

در این موقع اخذ آراء بعمل آمد و آقای سهام السلطان استخراج آراء نموده بشرح ذیل نتیجه حاصل شد

ورقه سفید علامت قبول (۵۰)
ورقه کبود علامت رد (۳)
ورقه سفید بدون امضاء (۹)

امتناع (۵)

رئیس - با اکثریت ۵۰ نفر از شصت و هفت نفر حضار تصویب شد
اسامی قبول کنندگان

آقایان - رکن الملک - بیان الدوله - آقا میرزا علی کازرونی - اقبال السلطان - سیدالملک - بیان الدوله - سهام السلطان - فهم الملک - حاج میرزا علی محمد - میرزا محمد حسین صدرائی - عداد السلطنه طبا طباطبائی - قوام الدوله - شیخ الاسلام اصفهانی - آصف الملک - آقا سید یعقوب - منتصر الملک - عدل السلطنه - سردار معظم - معتمد السلطنه - شیخ العرائین زاده - ارباب کیخسرو - محمد هاشم میرزا - آقا میر سید حسن کاشانی - جلیل الملک - آقا سید محمد تین - میرزا ابراهیم خان ملک آرائی - مستشار السلطنه - نصرت الدوله - نظام الدوله - وحید الملک - نصیر السلطنه - سردار جنگ - وکیل الملک - آقا سید فاضل - آقا میرزا محمد نجات - غضنفر خان - وقار الملک - ملک الشعراء - میرزا محمد صادق طباطبائی - حاج میرزا - امین الشریعه - صدر الاسلام - مدرس - سردار معظم کردستانی - میرزا هاشم آشتیانی - شیخ الاسلام ملابری - میرزا محمد تقی طباطبائی

اسامی رد کنندگان
آقایان - مؤمن السلطنه - محقق العلماء - ناظم العلماء

ارباب کیخسرو - بنده یک اخطار نظامنامه دارم اجازه میفرمایند عرض کنم
رئیس - بفرمائید

ارباب کیخسرو - در ماده ۸۸ نظامنامه داخلی مینویسد (ترتیب رأی گرفتن عینی با اوراق از اینقرار است که هر نماینده دارای دو ورقه مختلف اللون است که اسم آن نماینده در روی آنها چاپ شده است ورقه سفید علامت قبول و ورقه آبی علامت رد است) والا در این ماده بطور واضح معین میکنند که باید دو ورقه مختلف باشد یکی کبود و یکی سفید و تا بیا اسم نماینده در روی آن ورقه چاپ شده باشد و باید هر نماینده این دو ورقه را داشته باشد علاوه در هیچ حالتی نمیشود اگر امتناع دارد ورقه سفید بدهند بهر حال چون مدتی است اوراق را تهیه نموده و به آقایان داده شده است استدعا میکنم اخطار بفرمایند که مدار این همیشه اوراق را همراه داشته باشند و با آنها رأی بدهند

رئیس - تا بعد چندین مرتبه گفته شده ولی ای نکرده است باز هم اخطار میشود - فعلاً ماده یزده ضمیمه رایورت کمیسیون بودجه مطرح است - آقای ملک الله مخالف هستند

ملک الشعراء - بلی
رئیس - بفرمائید

ملک الشعراء - عرض میکنم دفعه اول که این توجه معارف در مجلس مطرح شد بعضی از آقایان مذاکراتی فرمودند و بطور مختصر مسئله برگذار شد و خصوصاً در مقابل بیانات بعضی (که

بیک از خدمات دولتی پذیرفته شوند بقدر کافی حقوق بآنها داده نمیشود که زندگانشان تأمین شود متأسفانه اگر مدارس هم داشته ایم اینطور بوده است و در مدارس با طفل خودمان اعتماد بنفس را تلقین نکرده ایم و فرزندان خودمان نیاموخته ایم که وقتی از مملکت بیرون می آیند یک مملکت و دولت مستقل و کوچکی هستند ما بوسیله اجتماع این افراد و این دولت های کوچک سواد نمیدانند یک توده کوچک سواد نداشتنی ایجاد شود و از این توده های کوچک یک توده بزرگ سواد نداشت ایجاد شود قصیر بآنها نیست بلکه ما با است سکه مدارس را محدود ساخته ایم و پر گرام مدارسمان تمام تقلیدی است آنچه پر گرام قدیم و کهنه و اصول تمدن روشی که سالها است از بین رفته و در خود مرکز تربیت و تمدن که فرانسه باشد کتب و نوشته ها و تألیفات زیادی بر علیه این شکل تدریس نوشته و منتشر نموده اند و آن پر گرام قدیم و اصول کهنه شده را تکرار داده اند ولی ما بر عکس از آن اصول قدیمه تقلید کنیم که فوق العاده ناقص و بی اساس و اولادان مملکت خود را کلاً اقل می توانستند و در تحت تربیت پدر و مادر بن و خنل پدری خود بهره مند شوند و استقلال ذاتی داشته باشند باین اصول تعلیمات ناقص که موجب سلب کردن استقلال فکری از آنها و فرا گرفتن مفاسد و عدم اعتماد بنفس است و بالاخره سبب زایل کردن ملکات ثابت و قائمی که بتواند یک نفر انسان را قادر کند که در هر جا که هست بشخصه زندگانی بکند باین اصول تعلیمات و بوسیله اینطور عملیات که منتج به نتیجه صنعتی و عملی نمیشد و فقط برای پشت میز نشستن کافی بود این فرزندان خودمان را از سعادت آینده محروم کردیم و بالاخره آنها را دستجات سیاسی و احزاب و جماعات تند وطن پرست حساس ولی غیر قائم با لذات و غیر مستقل بنفس ساخت و از آنها نتیجه خوبی نگر فتم البته اگر اصول تعلیمات را اصلاح نکنیم اصلاً از این مدارس و این طرز تعلیمات نتیجه نخواهیم گرفت و روز بروز بر عده اشخاص بی کار که منتظرند از طرف دولت بآنها گفته شود (باین خدمت کنید و حقوق بگیرید) افزودیم و فقط باین وسیله اجتماع خود را رنگ علم زدیم و باین همه نواقص و بدبختی باز ما همین قدر خوشوقتیم که این جوانان و پدران ابتدا اگر نتوانستند خودشان با لذات بوسیله بهره مند شدن از تعلیمات عمومی زندگانی مستقلی داشته باشند باز از یک کله جهل و نادانی بیرون آمده اند تا این اندازه هم متشکریم و امیدوارم که این اشخاص وقتی که پدر میشوند و مام کار ها و سعادت آتی مملکت را در دست میگیرند آن نتایج تنگی را که خودشان از سوء تعلیمات برداشته اند برای آنها تجربه بشود و این نتایج وخیم و ناگوار یک استدلالاتی برای آنها باشد که اصول تعلیمات را شکلی درست کنند که نتیجه آن استقلال مملکت باشد یک فرزند ایرانی طوری باید تربیت بشود که در هر کجا می رود یک مملکت متحرک و کوچک و قوی

اکنون بنده هم تعجب آن بیانات را در نظر دارم از طرف آقای مخبر کمیسیون حمله شدیدی بعمل آمد و بالاخره در همان نتیجه هم می خواستم برخلاف نظر مخبر محترم بعضی هراش بکنم بدبختانه یادداشت های بنده در بین کاغذها مغفی شده بود و قدری طول کشید تا پیدا کردم و قدری موقع گذشت الا بنده نمیخواهم در اهمیت معارف صحبت بکنم چون اهمیت معارف جزء بدیهیات اولیه است و گمان نمیکنم منکری داشته باشد تصور نمیکنم در دنیا کسی باشد که جهل را بر علم ترجیح بدهد در مملکت ما هم تا حدیکه میتوان گفت گفته شده و میشود که بدون معارف و بسط علم و تعمیم سواد ممکن نیست امروزه در دنیا زندگی کرد و حقیقتاً جای بسی تأسف است از اول مشروطیت و از امروزیکه ملت اعلام شد که حق دارند در حقوق سیاسی و اجتماعی خودشان ذی دخل و ذی رأی باشند که هفتده سال است از امروز میگذرد و تازه میرویم جشن هفتدهمین سال مشروطیت را میگیریم در این هفتده سال بقدری که این موضوع مهم جراید و محافل و مجالس اجتماعی و سیاسی در پشت تربیون طرح شده و گفته شده اگر هزار یک از این لغاضی ها بموقع عمل گذارده میشد امروز بکنی راه سعادت و جاده زندگانی بروی ما باز بوده و روز کارمان بهتر از امروز بود و فوق العاده باید متأسف باشیم که هر روز و هر سالی که پیش آمد اهمیت معارف هم در نظر بیشتر از سابق محسوس شد ولی گفتیم بماند برای سال دیگر امسال باصلاح مسائل اقتصادی و سیاسی و اجتماعی میپردازیم و معارف را سال دیگر اصلاح خواهیم کرد و همینطور اینکار مهم از امروز بفرما معمول شد و بالاخره در این هفتده سال یک قدم بطرف معارف و بطرف حیات حقیقی برداشتیم بلی اگر یک قدمهائی هم برداشته شد و بصرف تقلید چند باب مدرسه ایجاد شد همان منحصر ب طهران بود و طهران فقط لایق داشتن مدرسه بود و معارف وقف ابدی طهران بود در این حال متأسفانه آن مدارس هم مدرسی نبودند که بتوانند خود طهران را اداره کنند پر گرام و دروس آن که در کلاس ها مجری و معمول بود که گفته میشد و بعضی نواب و اگان وطن فرو رفت آنها چیزی نبود که فرزندان مستقل الافکار با سعادت برای ما تهیه کنند فقط تقلید کردیم از پر گرام های غیر ملایم ما مطبوع امروزه دنیا و از برای خودمان یک جوانهای سیاسی تربیت کردیم و برای استخدام دوائر دولتی خودمان آدم درست کردیم در صورتیکه دوائر دولتی را نتوانستیم وسعت بدهیم که این جوانان امروزه و پدران فردا بعد از آن کاریکه برای آن تربیتشان کرده ایم نخورند این است که همه روز می بینیم یکمده جوان که برای خدمت بدولت ساخته شده اند و برای اطاعت اوامر و جدائی و اطاعت اوامر عائله خودشان و برای خدمت بمملکت رفته اند و درس خوانده اند و تصدیق نامه گرفته اند و قسمتی امروزه پدر شده اند و یک قسمت هم فرادین خواهند شد و بدون هیچ قصیر و گناهی سرگردان و بیکار شده اند و اگر هم

الفکر و یک آدم با استقلال باشد و بداند و بخواند و بتواند زندگی خود را از نقطه نظر شرافتمندی یعنی سعی و فکر و اجتهاد ادامه بدهد و زندگانی کند همین قدر خوشوقتیم که یک عده را بیدار کرده ایم که در آتیه باعث خواهند شد که یک ملتی را سواد دهند کنند ولی اساس اعتراضات بنده این قسمت نبود زیرا این قسمت بقدری دامنه دار و وسیع است که شاید باین جزئیات اصلاح نشود اساس اصلاح تعلیمات ما این است که در مملکت ما معلمین کافی تربیت شود و دارالعلمین صحیح و مدارس صنعتی و فلاحی ایجاد بشود چنانکه آقای تین با فصاحت تمام این مطالب را بیان فرمودند اما روح اعتراضات و روح مخالفت بنده بواسطه عدم تساوی بین ایالات و ولایات طهران است همان اعتراضاتی که رفقای محترم بنده فرمودند و از طرف مخبر محترم تعرضات شدید شنیدند بنده هیچ نمیتوانم فرض کنم یعنی ابتدا در تحت قاعده و فلسفه نیست که ایالات و مرکز یک مملکت باین حدود باین اندازه عدم تساوی ملحوظ شده باشد و همانطور که بین افراد باید تساوی حقوق باشد و از تمام استفاده که از محیط مملکت میشود به تساوی بهره مند شوند (گفته شد صحیح است) ما هیچ نمیتوانیم باور کنیم و این قضیه را در تحت اصول علمی بشناسیم که تمام مدارس و صنایع و تشکیلات که ممکن است از برای ملت و مملکت نافع باشد مختص بطهران باشد راست است طهران مرکز مملکت است بنده هم نمیخواهم اصول در مرکزیت را باین وسیله ترویج کنم مرکز یک مملکتی باید با سایر ایالات مملکت فرق داشته باشد مثل اینکه قلب که مرکز تقسیم خون است از حیث ساختمان و محفوظ بودن اطراف و وضعیت موقعی با سایر اعضای بدن از قبیل پا و گوش و غیره فرق دارد ولی در موقع تغذی می بینیم عین آن استفاده که قلب از خون می کند انگشت و سایر جوارح هم میکنند قلب مرکز است و مصون از تعرض و وضعیت ساختمان او بایک دقت هندسی ساخته شده برای اینکه از مصادرات مصون بماند و خون را بتواند بشام اعضاء برساند و اساس حیات انسان را اداره بکند ولیکن در موقع استفاده می بینیم هیچ فرقی بین قلب و سایر اعضاء هم چنین مرکز یک مملکت البته باید وضعیت او مصون باشد و از نقطه نظر احترامات و شئون ادبی مرکزیت را دارا باشد ولی هیچ وقت نباید قائل شویم و اذهان کنیم که در مرکز مملکت تعلیمات جایز باشد و در ایالات جایز نباشد میگوئید یول ندارم اگر یول ندارم باز هم میبایست آن یول کم خود را به تساوی بین مرکز و ایالات تقسیم کنیم اگر کم میرسد بیه کم برسد اگر زیاد می رسد بیه زیاد برسد حالا ممکن است مخبر محترم به بنده اعتراض بکنند که یک روزی خود در تحت عنوان سر مقاله روزنامه نوشته بودی که طهران ایران است و ایران تهران

(و شاید یکی از مقالات معروف بنده هم همین مقاله باشد) بلی آن حرف را الان هم می گویم که ایران طهران است یعنی از نقطه نظر سیاسی مرکز ایران است و اگر مفاسد در طهران ایجاد شد بحکم مرکزیت از طهران سایر نقاط ایران سربل می کند و اگر یک افکار و مشروعات مقدس و آبرومندی در طهران خانه بکند مثل آنکه قلب خون را بتساوی بتام اعضای بدن میرساند آن مشروعات مقدس هم باید از طهران سایر نقاط مملکت سربل کند آنروز بنده گفتم ایران طهران است برای این می گفتم که اگر طهران خراب و فاسد شد و نتوانست مملکت فاضله خود را روز بروز زیاد بکند آن مفاسد از طهران بابالات و ولایات تراوش می کند یعنی مأمورین و حکام ولایات میروند و مملکت طهران را با قاطع ایران میگردانند و مملکت طهران را بمنزله پدر محترم نگاه میکنند و آن مفاسد ممکن است ابالات ایران را خراب بکند چنانچه اگر ملاحظه فرمائید اخلاق اهالی نقاطی که از مرکز دور هستند طبیعی تر و ساده تر و بهتر است و هر چه بهر مرکز نزدیکتر می شود روح محبت و برادری و مهربانی کمتر می شود و بهر مرکز که می رسیم آن روحی که در سرخس یا در یکی از دهات فارس می بینیم در طهران متأسفانه نمی بینیم و روز بروز اینها که فساد و شعلای بدبختی از طهران دایره اش وسیع می شود و ابالات نفوذ می کند و اینکه بنده عرض کرده ام طهران ایران است برای این بود که طهران را اصلاح کنند تا تمام ایران اصلاح شود و اگر طهران را اصلاح نکنند تمام ایران فاسد خواهد شد ولی وقتی که می گوئیم طهران را نباید در حقوق سایر ابالات مقدم داشت برای این است که می ترسم بواسطه این عدم تساوی شاید حس بدبینی نسبت به طهران در ابالات زیاد شود و آنوقت اگر بخواهیم يك اصلاحاتی را ترویج کنیم نمیتوانیم اینکه بنده عرض می کنم بآسانی علم و معارف را بتمام ایران عرضه کرد و بتساوی بخشید برای این است که اصول مرکزیت حفظ شود و اهالی ابالات و ولایات هم از فیض معرفت بهره مند شوند و بتدریج بدانند که آنچه از طهران میرسد ممکن است بعضی از آنها خوب باشد و آن اخلاق بهتر از مملکت خودشان نباشد برای این است که تمام مملکت بکرنک بشود و از روزهای محنت و سباه بهمدیگر کمک کنند ولی متأسفانه در این چند روزی که این لایحه مطرح مذاکره است با اینکه این مسئله عدم تساوی از روز اول مذاکره شد ولی بنده دیدم نمایندگان و ناظرین معترمی که پشت تریبون تشریف آوردند کمتر در این موضوع بحث کردند مخصوصاً اغلب از آقایان نمایندگان طهران (که بنده منتظر بودم بنام اینکه نماینده طهران ثابت کنند که نماینده تمام ایران است چنانچه بنده که نماینده خراسان هست خود را نماینده تمام ایران می دانم و میل داشتم از طرف آقای سلیمان میرزا و آقای تدین که نماینده طهران هستند پیش از بنده و سایر آقایان که نمایندگان ابالات هستند در این موضوع مذاکره بکنند) متأسفانه

عوض اینکه این قضیه مطرح شود از طرف آقای سلیمان میرزا مسئله فقراء و حروف چین و رنجبر مطرح مذاکره و باز مذاکره که بنده از برای ابالات و ولایات (که بعقیده بنده فقیرترین اهالی مملکت آنها هستند) اصرار دارم شاید حضرت والا باین اندازه از برای فقرای طهران اصرار و ابرام نمودند ولی جواب حضرت والا درین فرمایش یکی از آقایان نمایندگان گفته شد که مدارس مجانی آزاد است برای اینکه اولاد فقرا آمدند و درس بخوانند ولی بنده میل داشتم بایشان گفته شود که بدبخت و فقیر بیچاره ساکنین و اهالی ابالات و ولایات هستند برای طهران شصت باب مدرسه رایج میباشند و برای يك باوك يك باب مدرسه راهم جائز نمیدانند همیشه بواسطه دستجات و رژیهای غارتگر که از این طهران بابالات و ولایات برای بزرگی و فعال مایشانی میروند و بواسطه این بشارتگر اهالی ابالات فقیرتر شده اند و از فقرای طهران هم فقیرترند و اگر فقرا را باید در نظر گرفت و غصه برای آنها خورد باید فقراء دور دست در نظر گرفت زیرا فقیر نزدیک را میتوانیم ببینیم و عملاً کمک کنیم ولی چون بآنها نمیتوانیم کمک عملی کنیم مثلاً بواسطه حرف آنها را اقتناع کنیم يك قضیه را بنده تصور کردم که باعث این شده است که کوشی نشینان طهران و ولایات ملات با آن واسطه بظهران اهمیت میدهند و بفریادهای اهالی ابالات و ولایات نمیرسند این را بنده پیش خود خیال میکردم ولی یکی از نمایندگان محترم اقرار کردند (اقرار کننده آقای حاج شیخ اسد الله بودند) که در ضمن بیان ایشان فرمودند من از ولایات صحبت میکنم برای اینکه می دانم که از من خوششان بیاید ولی بعد برگشتند باین اصل کنی کدر این محیط اعتنا نموده اند و بالاخره دفاع کردند از طهران و لزوم بودن مدارس زیاد در طهران و نبودن در ابالات و ولایات و فرمودند من این اظهار را می کنم برای اینکه از باب جرایم و معملین مدرسی در هیاهو و اجتماعات خودشان بمن اعتراض بکنند غرض بنده تصور می کنم که واقع شدن يك قسمت از این اجتماعات در طهران بیشتر آقایان را مصر میکند که اگر صحبت میکنند از طهران صحبت بکنند در صورتیکه بنده یقین دارم که اگر از ان شاگرد مدرسه هم (که خانه خودشان را بیشتر از خانه رفیقش اهمیت میدهد) پرسند که آقا آیا شما اقرار میکنید یا اینکه باید باین ابالات و طهران تساوی باشد بجهت اینکه حقوق افراد مساوی است ؟

البته انکار نمیکند آن معلم و روزنامه نویسم هم نمی تواند انکار کند که تساوی علم و معرفت بین ابالات و ولایات باید در نظر گرفته شود ولی وقوع مادر تحت تأثیر قضایای مرقمی ما را از تساوی بین طبقات قلمری منصرف کرده است بنده می بینم بطهران که مرکز ایران است از بهره علم و معرفت چهار قسمت رسیده است و تمام مملکت ایران از این چهار قسمت يك قسمت متأسفانه از طهران تنها بقدر تمام این حق میدارند با هم چندان اهمیت نمیدارند و میگفتم خوب واقع شدن مادر محیط طهران مبارک باید باین

اندازه مرغوب کند که از طهران نگاهیم و بولایات نیز قرائیم اما قسمت يك چهارم مطالبی است که اگر از خارج هم کسی این قضیه را بشنود با اعتراض میکند بتمام ایران که چندین مقابل طهران است و بیست و شش کروور جمعیت دارد يك سهم بدیم و بطهران که يك کروور جمعیت دارد سه سهم این عدم تساوی را من بهیچ چیز نمی توانم حمل بکنم مگر باینکه ما مشرق زمینی ها آنچه را که جلوی نظرمان است و با او خلط و آمیزش داریم او را محترم میدانیم و با آنکه يك قدم یاد و خانه از مادر دور تر است هیچ توجه و نظر نداریم در صورتیکه این يك عادت بدی است که ما را اینها را بدین بینی و فراموش کاری و بی وفائی معطوف کرده است بنده بهیچ وجه نمی خواهم عرض کنم که از مدارس طهران بکاهید و بمدارس ابالات بیفزاید بنده عرض می کنم اصلاً باین بودجه باید افزود برای اینکه سیر قهرانی را بکلی غلط میدانم چون وقتی در طهران شصت باب مدرسه دایر گردید دیگر نمیشود گفت چهل باب مدرسه بشود و سیر قهرانی را در خصوص معارف غلط می دانم و عرض می کنم شصت باب مدرسه برای طهران گرامی و گوارا باد ولی ابالات و ولایات هم در حد تناسب خود حق دارند که از بودجه معارف به آنها هم بهره برد و ترسد که این پیشنهاد مقدمه این است که دست پیش اچان دراز کنیم بنده عرض می کنم شما تا بحال خیلی قرض کرده اید و بهوده خرج کرده اید بعد از این هم باز قرض خواهید کرد و بهوده خرج خواهید کرد ۱۷ سال دیگر هم از عمر شما میگذرد و همه روزه این فریادها که امروز من میزنم خواهید زد و تا سفت خواهید خورد که چرا بمعارف خودمان انبساط ندادیم بنده هیچ نیت رسم و مرغوب نمیشوم که بگوئید از کجا بیاوریم و بولایات بدیم بنده می گویم از هر جا نان می خورید از آنجا بدید و میگویم از يك وزارتخانه صرف نظر کردن و تمام ابالات حصه وافی دادن از معارف و علم بهتر از این وضع است که شما امروز پیش گرفته اید آقای وزیر معارف در یکی از خطابه هائی که فرمودند تأسیسات و تشکیلات از مرکز باید شروع شود و بعد بایالات و ولایات منتشر شود

بنده اساساً این مطلب را منطقی نمی دانم زیرا وقتی در پارلمان يك تشکیلاتی تصویب شد این تأسیسات و تشکیلات بآسانی يك دفه و در يك موقع بالا افتل در ظرف يك سال در طهران و سایر ولایات شروع بشود و هیچ دلیل ندارد که ما تأسیساتی را دومرکز شروع کنیم و پس از پنج و شش سال روح ابالات و ولایات از او خبری نداشته باشد معذالک می گوئیم بر فرض این که اظهار ایشان صدق باشد حالا چند سال است بمدارس طهران افزوده اند و از حد سفر بعد قابل توجه رسانده اند و فعلاً قریب ۶۰ باب مدرسه ابتدائی و چند باب مدرسه متوسطه و دارالفنون و سیاسی و حقوق و طب و صنایع مستظرفه و غیره دارید در صورتی که در ابتدائی که در طهران این تأسیسات را بحکم منطق

خویشان ایجاد کرده اید و در ابالات يك قدم برای افرونی مدارس و تأسیسات معارف بر نداشته اید در صورتی که مالیات میگیرید و پول برای ابالات است تحصیل است اول برای ابالات است اگر لاله فرستادن بحکم زور و جبر است اول از برای ابالات است ولی اگر تنمی است اول از برای طهران است با وجود این قبول داریم همه چیز برای طهران ایران هم برای طهران ولی پس است سه سال است شما چندین قدم برای معارف طهران برداشته اید آخر چرا يك فکری هم برای ابالات و ولایات نمی کنید ؟ و تمام بفکر خودتان هستید همه چیز برای طهران هیچ چیز برای ولایات این خرد يك حق کشی است اگر هیچ ضرری هم نداشته باشد همین يك ضرر پس است که افکار عمومی ابالات و ولایات را با نیک بین نمی کنند برای اینکه شما بتوانید از این افکار عمومی جلوگیری کنید بآسانی لافل در حد متوسط ابالات را بطهران شريك و سهم قرار بدید و هر چه برای طهران است لافل معادل آنهم برای تمام ایران باشد نصف برای ایران بیست و شش کرووری و نصف برای طهران يك کرووری اگر فرض هم بکنید از برای از بدایه صاف هیچ کس ایراد نمی کند چنانچه همیشه فرض کرده اید و هیچ کار نکرده اید و شاید بعد از پانزده یا بیست سال از این خرابی و بدبختی نجات پیدا کنید

وزیر عدلیه — ما قرض نکرده ایم و نخواهیم کرد

ملک الشعراء — چرا خیلی قرض کرده اید خیلی پول گرفته اید در ادوار فقرت پارلمان قسسه های بد برداشته اید خیلی مالیات بر مردم تحمیل کرده اید امروز هم بیاید يك پولی برای معارف و سعادت حقیقی این مملکت صرف کنید و از هر جا هست فکر پول کنید ولو از پول نطف یا غیره باشد بهره بمعارف بدید نکوئید نداریم بنده میگویم قرض کنید یا نکوئید و معارف تعمیم کنید ..

(اغلب گفتند خیر اینطور نیست)

ملک الشعراء — این را بنده میگویم و تا این حدود این قضیه را اقرار میکنم.

ما نباید تهدید کنید که تو میگوئی قرض کنید برای توسعه معارف چرا عرض میکنم برای اینکه اگر مملکت دارای علم و دانش نباشد استقلال ندارد مملکتی که درس عمومیت ندارد سواد عمومیت ندارد و استقلال ندارد و حیات اجتماعی خود را نمی تواند نگاه دارد و آن مملکت بفریاد من و سلیمان میرزا و جرایم و غیره ... اعتناء نمی کند و حس صیانت ملی در او نیست افراد این مملکت را که نباید همیشه بایس گردنی اداره کرد پس گردنی در قرن بیستم و بیست و یکم برای نجات يك مملکت کافی نیست من میگویم از هر جا هست باید فکر پول کنید و با ابالات از علم و معرفت بهره بدید نمی گویم بقدر طهران بقدر نصف طهران بدید و این عرض بنده را از نقطه نظر اینکه اهالی ابالات و ولایات را با خود همراه

کنیم حمل نکنید این يك حقیقتی است که بنده عرض میکنم و اگر گوش ندهید در آینده طبیعت با خبر شما حالی خواهد کرد شما طهرانی ها خواهد گفت که شما مجبورید حق ابالات و ولایات را بدهید چه شد است که در تمام تحولات باید اهالی ولایات با طهران شريك و سهم باشند اما در علم و معارف بهره مند نشوند و تمام ایران بقدر يك چهارم سهم ببرند چه شده است که از استفاده قشونی و مأمورین مالیاتی و حکام ذوی العز و الاحترام و مأمورین عدلیه و تمام این تشکیلات که بودجه دارد و خرج دارد ابالات شريك باشد .

چه امری از آسمان نازل شده است که در قضیه بمعارف ابالات را محروم کنید و بیش چشم خود می بینید که هفده سال از دوره مشروطیت گذشته و هنوز ندانسته اند بدانند که استاتستیک و احصائی با سواد در هر صد نفر بطور تحقیق چه قدر است آقای تدین فرمودند در هر صد نفر پنج نفر کما میبکند مقصودشان طهران بوده است و اگر با اهالی ابالات بخواند معقار به قرار دهند گمان نمیکند در هزار نفر بیشتر از دویست با سواد داشته باشد این نیک است از برای يك مملکتی که میخواهد در عرصه سیاسی دول بزرگ اظهار حیات بکند .

وقتی یکی را میخواهند آقا و صاحب اختیار و حاکم يك ولایتی بکنند اول میگویند هر چه هست و نیست باید با اختیار من باشد حق هم دارد بگوید زیرا مملکتی که درصد نفر يك نفر با سواد دارد باید بفکر سواد باشد چنان ملتی باید خجالت بکشد در هزار نفره نفر با سواد ندارد شا زاده سلیمان میرزا میفرمایند قانون جدید وضع کنید بسیار خوب قانون جدید وضع کنید وسیله جدیدی تراشید منبع جدید درست کنید هر چه میخواهید بکنید از ان شبتان بکاهید و بوشان شب معملین و مدیران مدارس بیفزایید و منزه ساز و با بقتدر جماعت بیکار هستند و میگویند در طهران چه کنیم من میگویم به ابالات حمل کنید و معارف را وسعت دهید آقایان بیکار بروند خراسان نیشابور فارس کرمان کار خانه آدم سازی ایجاد کنند اینها گردان درس خوانده مجبور نیستند به وزارت مالیه بادر اداره معارف مرکز یاد سایر ادارات مرکز کار کنند تشریف ببرند در خارج طهران و قمری بفریاد سایرین برسند و ببینند و طنان آنها را بپایان چهل چه میکنند و این دستجات که اسم آنها را ملت ایران گذارده ایم و متوقع هستیم و کبلاً صبیح انتخاب کنند و در مواقع سختی مداخله کنند آقایان تربیت شدگان طهران بروند و ببینند این اشخاص که شما روزنامه نویسان از آن ها انتظار دارید و وقتی ملت خطاب میکنید خیال می کنید سی کروور ملت حساس پشت شما است بروید ببینید چه هستند به پیش این طهران این مرکز فساد چه بر ابالات آورده است

آنها را بچهره روز سیاه نشانید است آقای سلیمان میرزا برای فقرای تهران جان میکشد و ناله میکنند مگر فقرای تهران با خراسان و شیراز فرق دارند مگر

آنها فقیر نیستند مگر برای آنها غیر از قرض چیز دیگری باقی مانده است مگر جزء فقر علمی و شرافتی چیزی در ابالات و ولایات باقی مانده اگر آتاری هم از تمدن قدیم و عرب در ابالات و ولایات باقی بوده یا مدرسه و طلبه بوده معلم و طبیب و ادیب بوده مادر طرف این هفده سال آنها را از بین بردیم و فهمانیدیم که باید ملت ایران با تمدن جدید انس بگیرد و باقی مانده تمدن و آثار قدیم را ماطهرانها محو کردیم و از تمدن جدید هم چیزی بآنها ندادیم و وقتی هم يك نفر فریاد بزند که با ابالات هم حق بدید شاید در جواب او بگویند قرض کنیم و بدیم بلی بنده می گویم این بودجه را رد کنید آنوقت قرض کنید و با بالاخره يك وزارتخانه را از بین ببرید بهر حال این بودجه رد بشود و يك بودجه که تساوی تأسیس مدارس و حقوق علمی بین ابالات و تهران منظور کرده باشد بنویسند و بیاورند تا ما بآن بودجه رای بدیم و اگر این قدر ما امروز بر نداریم قرض را پیشان خواهیم شد و هر چه در این اطاق بزرگ بکنیم بی فایده است جزء تربیت ملت جز درس امنیت عمومی را درست کرده اید ممنونیم قضیت را هم تأمین کنید و در مملکت برقرار نمائید و بواسطه تعلیمات صحت انتخابات ده سال بعد از این را در نظر بگیرید و ده سال بعد ایران را اصلاح کنید مادر کیسیون تجدید نظر در انتخابات نمیدانیم چه کنیم و چه وسیله اتخاذ کنیم که از این هرج و مرج ما جلوگیری کنیم یکی میگوید فقط با سوادها حق رای داشته باشند دیگری میگوید پس باید تمام ملت ایران را از حق انتخاب محروم کنیم یکی دیگر میگوید مالیات دهندگان حق رای داشته باشند می بینیم هر کس که مالیات میدهد بی سواد است و با سوادها کمترند و اغلب مالیات هم نمیدهند از هر راه که می خواهیم قانون انتخابات را صحیحاً جریان بدیم غیر ممکن است مگر اینکه اصلاً بگوئیم مشروطیت برای ایران زود است اینهم که سیر قهرانی است این است که عرض میکنم برای برقراری مشروطیت و آزادی و برای اصلاح آینده گذر آینده بگویند مجلس چهارم هم يك قدم بزرگ برداشت بیاید همراهی کنید و این ماده قانون بودجه را برگردانید و از وزراء و هیئت دولت خواهش کنید که در قانون جدید و بودجه ثانی که تصویب میکنید این مطلب را اصلاح کنید و بقدر دولت معارف طهران با ابالات حق بدید تا ما هم قانع شویم و باین وسیله ابالات و ولایات هم بهر مرکز امیدوار بشوند و بدانند طهران تنها در فکر خودش نیست و به ابالات و ولایات هم اهمیت می دهد .

سلیمان میرزا — بنده توضیحی دارم
وزیر عدلیه — سه علت بنده را بشت تریبون سوق داد اگر چه در رأی نظر ممکن است مطلب مستقیماً مربوط به بنده نباشد ولی بواسطه مسئولیت مشترک که با وزیر معارف دارم و از این نقطه نظر در غیبت ایشان مجبورم چند کلمه از دولت دفاع کنم یکی از آن سه علت همکاری با وزیر معارف است و یکی تصمیم خاصی است که نسبت به بودجه معارف در هیئت وزراء

اتخاذ شده است و سر می سکه شاید بیشتر باعث آمدن بنده در این محل باشد هجرتی است که مکرر ناطق محترم بطرف ما یرتاب کردند (که قرض خواهید کرد و بپورده خرج خواهید کرد قرض بکنید و برای معارف خرج بکنید) این سه چیز بود البته در قسمت اخیر فرمایشات ایشان مذاخه نمی کنم زیرا مطلب از موضوع معارف خارج شد و شکل کلی بخودش داد که بحث در آن از وظیفه من خارج است و در قسمت اول فرمایش ایشان نیز که راجع به مباحثی که در اصول تعلیمات موجود است بواسطه موافقتی که با نظر ایشان دارم اظهار می کنم البته باید اصول تعلیمات منظم بشود و این قدم هائیکه متدرجاً بطرف اصلاحات بر می داریم باید دقت شود که (بسیما بیک) و مرتب و منظم باشد و قدمهای اصلاح را کاملاً تأمین کند پس از آن چند کلمه در باب کمی معارف ایالات و ولایات فرمودند راست است من هم آنوقت که وکیل ملت بودم و آن آن هم که وزیر هدیه هستم با آقایان موافقم بودجه معارف ایالات و ولایات خیلی کم است و هیچ محل تردیدی نیست به عقیده بنده اگر تمام نمایندگان محترم در جلسه دیگر هم این حقیقت را بیان فرمایند منکر نمی شود بود مسلم است این بودجه برای ولایات کم است ولی چاره چیست است این قسمت را اگر توجه فرمایند مطلب زودتر حل خواهند شد و زودتر می توانم نتیجه بر سیم مقدمه باید گفته شود که نمایندگان مملکت البته در تمام مسائل مملکتی باید با السویه زیاده را باشند همانطور که در معارف مملکت دقت هستند و مسامحه جملیه در باب معارف آینده ولایات و مرکز بدل می نمایند همانطور هم در یک مسئله دیگر مملکتی که تبدیل بودجه مملکت است نباید صرف مسامحه بکنند این هر دو مطلب مهم است پس از آنکه این عرض را کردم مطلب دیگر خودم را هم عرض می دارم که برای جبران کمی بودجه ولایات دو طریق بنظر می آید یا باید از بودجه مرکز کاست و بر بودجه ولایات افزود که من بقی دارم این نظر را نباید تصدیق کرد زیرا مؤسسات معارفی ما در مرکز هم کم است اگر از نقطه نظر تناسب مرکز و ولایات بگوئیم باید از بودجه مرکز کاست و برای معارف ولایات خرج کرد این نقض عرض خود نماینده محترم هم خواهد شد

زیرا یگانه وسیله جلو گیری در آن شماع مسموم که از مرکز ولایت می رود همان معارف است بنابراین نمیشود گفت که از بودجه مرکز کاست و ولایات افزود و باید بودجه مرکز را محفوظ بماند و فکری هم برای بودجه ولایات بشود دولت حاضر یک قدم اولی برداشته و صد و چهل هزار تومان و کسری عملاً پیشنهاد کرده است که برای مؤسسات معارفی ولایات تخصیص داده شود که سابقاً هم نبوده این مبلغی است که فعلاً اتخاذ می شود بانصمیم قطعی آقای رئیس الوزراء که در جلسه گذشته آقای وزیر معارف هم باطلاع نمایندگان محترم رساندند در اولین مرحله که در حال سالی بهبودی حاصل شود اولین اضافه که در عایدات پیدا شد مسلماً برای

تکثیر معارف و برای مؤسسات ولایات تخصیص داده میشود ولی ما امروزه یک قدری از عمل دور هستیم و اگر یک ارقام را در روی کاغذ بنویسیم در موقع عمل نتوانیم توانست آن پول را به محل برسانیم اتخاذ این طریق به عقیده من عملی نیست و فقط دلخوشی خواهد بود و البته نمایندگان محترم چندان مقید بدلخوشی نیستند که فقط ارقام را روی کاغذ نوشته و فلانقدر تصویب شود و این نکته را در نظر بگیرند که از کجا و از چه محل اداره خواهند شد

پس نمایندگان محترم وقتی بودجه خرج را تصویب می کنند باید قهراً بودجه عایدات را هم در نظر داشته باشند و به عقیده من عملی ترین شق همین خواهد بود که این بودجه را که کمترین خرج است تصویب فرمایند و به پشت دولت توصیه کنند (چنانچه خود دولت هم این تصمیم را در هیئت وزراء گرفته است) که به جردین که در عواید مملکتی یک توسعه پیدا شد به خارج دیگر نرسانند و توسعه بمعارف ایالات را مقدم بدارند اگر همین طریق را نمایندگان در نظر بگیرند به عقیده بنده نزدیک تر بعمل خواهد آمد مطلب دیگر که آقای ملک الشرا فرمودند این بود که قرض کنیم و خرج توسعه معارف کنیم در ضمن مکرر فرمودند (قرض خواهید کرد و بپورده خرج خواهید کرد) این قسمت اگر کلی باشد بنده عرضی ندارم ولی نسبت به آن قسمت که راجع به حکومت حاضر است عرض می کنم که دولت حاضر تصمیم دارد که بهیچ وجه قرض نکند و دیناری هم بپورده خرج نکند دولت حاضر در نظر گرفته است که در تمام مخارج مملکتی مقتضیات نظارت کامله مجلس شورای ملی را بنحواً کامل فراهم آورد و بنابراین اصل اگر قرض بشود یا خرج زیادی بشود مجلس مسئول است نه دولت زیرا دولت بدون اجازه مجلس یک دینار قرض نمی کند پس اینکه فرمودند قرض خواهید کرد و بپورده خرج خواهید کرد بنده در می بینم ما قرض نخواهیم کرد و بپورده خرج نخواهیم کرد

رئیس — آقای سلیمان میرزا

(اجازه نطق)

سلیمان میرزا — چون نوبت عرض بنده فرسیده نیست و من در اصل موضوع داخل شوم فقط می خواستم در این مسئله که آقای ملک الشرا اشاره کردند توضیحی بدهم یا وجودی که برای آقای حاج شیخ اسدالله سه تفاهم تولید شده بود و یک دفعه توضیح دادم معذرت بفرمایم باز برای آقای ملک الشرا شهبه باقی است بنابراین تکرار می کنم که رفع سوء تفاهم بشود بنده وقتی در خصوص فقر سجد می کنم بطور رسمی می گویم برای بنده فقر هم جاقی است خواه در منتهی الیه خراسان باشد یا در شمال یا جنوب یا شیراز یا در آذربایجان تفاوت نمی کند همه فقر یک دسته واحد و مظلومینی هستند که در زیر دست زوردارها و اغنیای مفلطند و ناله می کنند و اگر عرض کردم برای کمک به بدبختها بوده عموماً فارسی شیرازی زنجان و آذربایجانی

عمید الممالک — (سنائی) فقر در همه جا فقیر هستند

سلیمان میرزا — بفرمایش آقا سنائی فقر در همه جا فقیر هستند و باید بآنها کمک نمود و ظالمان در هر نقطه مملکت (قدری بالاتر عرض می کنم) یاد هر نقطه دنیا باشد ظالم ظالم است و مظلوم باید با مظلومین متحد بشوند و یک سد بزرگی مقابل ظالمان تشکیل بدهند تا خداوند آنها را موفق کند نظر بنده بخصوص متوجه فقرای طهران نبود و نیست

رئیس — اگر آقایان موافق باشند چند دقیقه تنفس داده شود در این موقع آقایان نمایندگان برای تنفس از مجلس خارج و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید

وزیر عدلیه — قبل از اینکه داخل در دستور بشوم اجازه می خواهم قانون ثبت اسناد را که حاضر است تقدیم نمایم (به آقای رئیس تسلیم نمودند)

رئیس — مذاکرات راجع به ماده یازدهم ضمیمه قانون بودجه است

نصرت الدوله — (مخبر کمیسیون بودجه) بعد از نطق فنی و با تعقیبات اداری آقای تدین در جلسه گذشته بنده خیلی خوشوقت بودم که از طرف آقای ملک الشراء خطابه فصیح و بلیغ ادبی در اینجا اظهار شد و خوشوقتی بنده از همین بود که خود ایشان اظهاراتی بر فائدت دوستی خصوصی و شخصی بین ما فرمودند و بنظر باینکه از نقطه نظر جمعیتی هم نزدیک هستیم باین ملاحظه هر مذاکره بین ما رد و بدل شود البته از نقطه نظر معارفه شخصی نخواهد بود بنده فرمایشات ایشان را یادداشت کرده بودم و به آن قسمتی که راجع به راپورت کمیسیون بودجه است جواب عرض می کنم ولی قبل از اینکه جوابی بدهم هم تصور می کنم وظیفه من از نقطه نظر نمایندگان از نقطه نظر جواب دادن در مقابل فرمایشات ایشان این است که مقدمه بدو مطلب مهم که در ضمن فرمایشاتشان بیان فرمودند اعتراض کنم اگر چه داخل در موضوع بوده نبود ولی چون قرار بر این شده است که در بودجه نسبت به راجع می شود مذاکره نمود و همین طور هم تا بحال این ترتیب جاری بوده بنده می خواهم جواب عرض کنم بقی دارم اگر آقای رئیس الوزراء تشریف داشتند در عوض آقای وزیر عدلیه خود ایشان مقدم بجواب میشدند و اگر آقای وزیر عدلیه جوابی ندادند از نقطه نظر احتیاط بوده که بدون حضور رئیس خودشان و بدون مشورت با ایشان با آقای ملک الشراء بگویند که در مجلس شورای ملی در حضور نمایندگان که قوه مقننه مملکت هستند و او اینکه از نقطه نظر غلو و افراط شاعرانه و ادبی خوب هم باشد که گفته شود یک ایالتی را بفرود شد و خرج معارف کنند ولی در این معض از نقطه نظر نمایندگان و از نقطه نظر قانون گذاری باید گفته شود

که البته ایشان هیچ نظری جز غلو در عقیده خود نداشته اند و بنده لازم دانستم تذکار را بدهم دیگر اینکه در ضمن فرمایشاتشان راجع به مقایسه طهران و ایالات و ولایات که چند است بواسطه بودجه بمعارف حقیقه نقل مجالس و محافل شده در ضمن تشریح حالات اخلاقی مکرر شنیدم که ایشان طهران را بنام مرکز فساد خواندند و تکرار کردند و حتی فرمودند نگذارید دست جبر طبیعت در مقابل این عدم تناسب اخلاقی بشما اهالی طهران حقایق را بهمانند بهمانند همانطور که ایشان کردند که شاید بنده اعتراض کنم که یک روزی نوشته اند ایران طهران است و خودشان جواب این اعتراض معتدل بنده را دادند بنده هم می خواهم ایشانرا متذکر شوم که در این زمینه عقاید مرا بیش از همه کس می دانند شاید خود بنده هم در این عقیده غلو داشته باشم و ممکن است بصحاحات جراید گذشته رجوع فرمایند و از قلم بنده و آثار فکر بنده چیزهای شدیدتر از این راجع به طهران بیفتند

ولی مناقشات ادبی که در موقع مباحثه بین افراد یا جریده نگاری یا مباحثات عالی اخلاقی و اجتماعی میشود غیر از مسائلی است که بایستی در مرکز سیاست مملکت گفت امروز با وضعیاتی که موجود است ما اینقدر نباید نسبت به فساد مرکز و مرکز فساد بودن طهران هم آواز و هم صدا بشویم فرمودند آقای ملک الشراء در یک قسمت از فرمایشات خود خطاب بناطقین محترم در یکی از جلسات میگفتند الفاظ و عبارات کافی نیست و باید حقایق را بموقع اجراء گذاشت تا تأثیر خارجی پیدا کند خودشان تصدیق می کنند در هر رشته باشد می خواهد در نظر فداری از رنجیر یا طرفداری از معارف یا غیر اینها باشد الفاظ در دنیا نمی تواند موضوعیت داشته باشد بایستی عمل بشود تا اینکه تأثیرات خارجی پیدا نماید ما کدر اینجا نشستیم و سرتاسر معایب مملکت را میشمریم در این مملکتی که اهالی سواد ندارند اطلاع ندارند البته این قبیل مسائل و اظهارات ممکن است در دماغهایی که بخته نشده اند و مستعد نیستند یک تأثیراتی مخالف آنچه می خواهم تولید نماید البته این کافی نیست بگوئیم فلان عقیده داریم البته این کافی نیست که کسی بگوید بنده قائل به امر مرکزیت نیستم باید عمل مصدق یکی از این ادعاها باشد البته من نیستم یک چیزهایی بگویم که برخلاف مقصود و نیت خود تغییراتی بکنند در موضوع عدم تساوی بودجه مرکز و ایالات و ولایات سابقاً هم آقایان اظهاراتی فرمودند و امروز هم مشروحاً باین حرارت زیاده و نکات جالب و حتی آقای ملک الشراء تجدید نموده و در ضمن فرمودند که در آن موقع اولی که این اظهار شد بنده حمله کرده بودم من هر چه فکر کردم نفهمیدم کی بنده این اظهار حمله کردم و نمیدانم چه موقع نسبت باین عدم تساوی چیزی گفته ام که او را تعبیر به حمله کرده اند بنده روز اول گفته ام و حالا هم می گویم تأسیساتی که در مرکز هست و بودجه که امروز شما تصویب میکنید چیز تازه نیست آقای

تدین پریروز بطور اعتراض فرمودند حالا هم از نقطه نظر اعتراض با حقیقت اگر درست فکر کنیم خواهیم دید این مبلغی را که امروز بنام معارف طهران نوشته شده نتیجه فکر بنده و سرکار نیست و برای تأسیسات جدیدی نخواهد بود سالها بواسطه مقدم بودن بعضی بواسطه اینکه از اول درست دقت نکرده اند که باید بحال ایالات و ولایات هم پرداخت تأسیساتی در مرکز تشکیل شده و حالا شما آن را باقی می کنید در موقعی که مذاکره تساوی و عدم تساوی بودجه مرکز و ولایات بود بنده پرسیدم نقطه نظر آقایان چیست اگر این است که بایستی از این مبلغ کاست و مبلغ دیگر افزود این مطلب دیگری است و اگر نقطه نظرشان این نیست و میگویند باید بودجه ولایات افزوده که همه موافقم و عرض کردم در کمیسیون بودجه هم این مسئله منکر نداشت که از نقطه نظر حساب و تساوی و از هر نقطه نظری که ملاحظه کنید نباید تمام ایران را یکطرف گذاشت و یک خمس و یک ربع بودجه مرکز را همانطور آقای ملک الشراء فرمودند برای آنها معین نموده این بقدری واضح است که هم دولت که پیشنهاد کرد و هم کمیسیون که تصویب نموده بخوبی این مطلب را ملتفت بودند منتهی چیزی که ما را وادار بدیم تساوی کرده و جزی بود که یکی اینکه نسبت بایالات و ولایات تأسیساتی که میشود همه جدید خواهد بود شما که امروز این صد و چهل و هشت هزار تومان را تصویب میکنید شاید صدوسی هزار تومانش برای تأسیسات جدید باشد که وزارت معارف می خواهد شروع بکند و علاوه باید وزارت معارف یک تجربه و امتحانی هم از طرز تأسیس مدارس در ایالات و ولایات پیدا کند و وسائل تأسیس مدارس را در نظر بگیرد این مسئله که عرض کردم فرع بود ولی اصل مسئله لزوم تبدیل بودجه است که در این خصوص هم آقای وزیر عدلیه فرمودند و هم اظهاراتی نموده و در مقابل عدم تساوی مرکز و ولایات توضیح دادم و ضمناً سؤال و استفسار کردم که نظر آقایان چیست است اگر نظرشان این است که از بودجه مرکز کاسته شود و ولایات افزوده شد مطلبی است در حالتیکه تصدیق دارم عقیده آقای ملک الشراء هم این است که تأسیسات معارفی مرکز زیاد نیست و این مقدار هم که هست کم است و باید بودجه ایالات و ولایات افزوده شود بنده پرسیدم این افزودن را از کجا یا از بودجه امروز آقای ملک الشراء فرمودند فرض کنیم این مسئله مربوط بکمیسیون بودجه نیست مربوط به دولت است اگر دولت لازم بداند پیشنهاد می کند و اگر بنا شد تصویب کنیم تصویب میکنیم این وظیفه و کالتی است چون بنده حالا نمی دانم قرض را تصویب می کنم یا جبر ولی اگر هیئت دولت پیشنهاد کرد و بنده قرض کردم آنوقت هم موافقم که اولین دفعه باید خرج معارف شود و مسائل دیگری هم فرمودند که قبلاً هم گفته شده بود آقای تدین هم معالهای عملی تری در پشت تر بیون اظهار کردند و بنده هم که مخبر کمیسیون بودجه بودم عرض

کردم آقای رئیس الوزراء هم در خارج به بنده فرمودند که از طرف ایشان در مجلس اظهار بکنم که دولت در نظر دارد در اولین موقع فرصت یک محل عایدی برای معارف پیدا بکند و حالا که خودشان تشریف دارند البته تصدیق می فرمایند بنده هم در جواب آقای تدین گفتم بسیار خوب شاملهائی بها نشان بدهید بنده هم با آقای رئیس الوزراء عرض میکنم شاید تصویب شود از این محلها بودجه معارف ایالات و ولایات زیاد شود بنده چیز دیگری نگفتم و نمیدانم بکی حمله کردم و چرا حمله کردم بنده اگر حمله کردم راجع بیک مسائل شخصی خصوصی است راجع باین است که اگر کسی به بنده یک حرف شخصی بزند من تصور بکنم بر میخورم ممکن است بنده بوقول بعضی روزنامه نویسها صدام میباید بشود این مذهب بودن صدا هم یکی از تنقیداتی که در مرید غریقه معاشی ملی که در نوبهار نوشته بودید می شود این یک تقصیری است که باید آنها بگویند و بر ما وارد کنند مقصود این است که بنده نقطه نظر حمله نداشتم دیگر بنده در این یادداشتها و در چیز مخصوصی نمی بینم که جواب عرض بکنم غیر از یک نکته که آن را نسبت باظهارات آقای حاج شیخ اسدالله دادند و شاید خودشان هم اجازه خواسته باشند و توضیح بدهند ولی بنده هم نسبت به هم خودم چون عضو کمیسیون بودجه هستم لازم می دانم توضیح بدهم آقای حاج شیخ اسدالله درست خاطر نیست چه فرمودند ولی گمان نمیکنم ایشان گفته باشند که پیشنهاد مرکز را تصویب کردیم بر آن بود که روزنامه ها داد زدن را در شهر اجتماعات کردند یا خواستند باصلاح جدید و بزنده نه هیچکدام مازعوب این مسائل نیستیم طفلان شهر بی خبرند از جنون ما ما با یک فکر و عقیده و هم راسخی یک چیزی را که صلاح و مصلحت این مملکت و سیاست بدانیم آن کار را نمیکنیم و علنی هم می گوئیم و پشت سرش هم می ایستیم نه از روزنامه می ترسیم و نه به روزنامه واقعی می گذاریم و نه یک تأثیراتی در خوانندگان آنها می شود (البته بطور کلی عرض نمی کنم یک مستثنائی هم بین آنها هست) اما راجع ببودجه معارف بنده می بینم باز بودجه معارف سبب اشتباه شده است یک بودجه اول دولت آورد و از آن بودجه کمیسیون هیچ کسر نکرد هشت هزار تومان بآن افزود بعد آمدند و گفتند ما اشتباه کرده ایم حالا بنده یا مخبر سابق یا لاحق یا کمیسیون بودجه مسئول اشتباه دولت و وزیر نیستیم دوباره که آوردند و گفتند پیشنهاد این است ما هم گفتیم بسیار خوب خوب است این امیر را نسبت باظهارات آقای حاج شیخ اسدالله نمی نمایند ایشان هم چنین چیزی نفرمودند حالا بنده می خواهم یک استدعائی از آقایان بکنم و می دانم که ما پانزده نفر از رفقا اجازه خواسته اند که در موضوع بودجه معارف صحبت کنند و تمام هم نقطه نظرشان این است که بودجه ایالات و ولایات کم است ما هم تصدیق داریم و می خواهم با کمک

هیئت دولت يك محللهائی برای آنها تهیه کنیم حالا خوب است با اظهار این عقیده بپاییم و این ماده بازدهم را ختم کنیم که بیشتر وقت مجلس و مردم و خودمانرا صرف يك مذاکرات که خیلی خوب است نکنیم زیرا هر مطلبی هر قدر خوب باشد پیش از اندازه که طولانی و دراز شود از خویش کاسته میشود

رئیس الوزراء - بنده در جلسه سابق نبودم و نتوانستم حضور بهم رسانم ولی از هیات آقا بانی چنین می فهمم که نظر بعضی از آقا بانی این است که باید تناسبی مابین بودجه معارف ایالات و ولایات و مرکز باشد بنده علاوه بر آنچه آقای مخبر توضیحات داده اند هر چه عرض کنم در همان مرتبه خواهد بود ولی همیشه عرض میکنم بعضی از مدارس عالی که در تهران تأسیس شده از برای تمام مملکت است و نمیشود آنها را حذف کرد پس یک قسم از بودجه مرکز راجع میشود بتمام مملکت و يك نکته دیگری که میخواهم خاطر آقا بانی را بآن متذکر کنم این است که این قضیه يك قضیه است که خود طبیعت تا اندازه پیش آورده است برای آنکه نباید فراموش کنیم که این مدارس که ازدولت کمک خرج میکنند یا بتوسط دولت اداره میشوند بدو جهت معارف و خواهان مملکت تأسیس شده و در سال فخطی چون نتوانستند از هه اداره کردن آن مدارس بر آیند بناد دولت آنها را اداره کند و قبل از سال فخطی چندین سال خودشان را اداره مینمودند این بوده است مگر اینکه استعداد مرکز پیش از ولایات بوده و اهالی تهران بیشتر ب معارف اهمیت داده اند پس تا اندازه خود طبیعت این فضا را پیش آورده از تمام اینها گذشته بنده يك چیزی عرض می کنم که باید آقا بانی قابل توجه قرار دهند و آن این است که در سابق چهارده هزار تومان و کسری برای ولایات تخصیص داده شده بود و در این بودجه صد و پنجاه هزار تومان تصویب شده و این يك قدم جدیدی است که برای معارف ایالات و ولایات برداشته شده و از طرف دیگر اطمینان میدهم که این قدم تکمیل خواهد شد و آقا بانی و همه بدینهم که در آنچه نزدیکي يك كمکی از برای بودجه معارف پیشنهاد میشود که مقصود آقا بانی نمایندگان حاصل شود و خواهم میکنم امروز همراهی کنند که اینماده بگذرد و داخل سایر مواد بشویم که بودجه زودتر تهیه شده و از مجلس بگذرد که وزارت خانه هاهم تکلیف خود را بدانند و بودجه هاء جزء خود را بمجلس پیشنهاد نمایند زیرا هر چه اینکار بتعویق بیفتد ضرر مملکت است و بنده مخصوصاً خواهش میکنم اینماده بگذرد که زودتر این لایحه تصویب شده و تکلیف دولت معلوم باشد

رئیس انجمن - وعده صحیحی است همه قبول می کنند

رئیس - قریب بیست نفر تقاضا کرده اند که مذاکرات کافی است رای میکنیم بکافی بودن مذاکرات

حاج شیخ اسدالله - اجازه میفرمائید بنده توضیحی دارم عرض کنم

رئیس - خیلی از آقا بانی توضیح دارند بموجب کدام ماده نظامنامه میخواهید توضیح بدهید

حاج شیخ اسدالله - بواسطه سابقه که در مجلس است

رئیس - سابقه در مجلس سوء استعمال شده ماده (۱۰۹) نظامنامه داخلی قرائت میشود که هر روز باسم توضیح داخل در مذاکرات و بگوشاید

(آقا میرزا ابراهیم خان ماده مزبور را بمضمون ذیل قرائت نمودند)

اگر در ضمن مباحثات و نطق افترا و تهمت به یکی از نمایندگان زده شود بعتیده و اظهار او بر خلاف واقع جلوه داده شود و نماینده مذکور برای تریه و رفع اشتباه نطق بخواهد بدون رعایت نوبت اجازه داده خواهد شد

رئیس - توضیحی که میخواهید بموجب این ماده وارد است ؟

حاج شیخ اسدالله - بلی

رئیس - تهمت زده شده و برخلاف واقع اظهارات جناب عالی تعبیر شده است

حاج شیخ اسدالله - بلی

رئیس - بفرمائید

مبگیریم بکافی بودن مذاکرات آقا بانی که مذاکرات را کافی میدانند قیام نمایند

(اکثر قیام نمایند)

رئیس - تصویب شد چند فقره پیشنهاد رسیده است قرائت میشود بعد رای میکنیم

(پیشنهاد های مزبوره بمضمون ذیل قرائت شد)

ایشان ب پیشنهاد میکنم که بودجه وزارت معارف بکمسیون بودجه هودت داده شده و تا کمسیون با مشارکت دولت در آن تجدید نظر نموده تا بای مجلس تقدیم شود

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی این بنده پیشنهاد می نمایم از مبلغ بیست و دو هزار تومانیکه برای حقوق معلمین اروپائی معین شده است يك مبلغی صرفه جوئی و کسر نموده برای یکنفر سرپرست که در اروپا برای معصلین ایرانی معین بشود اختصاص دهند و در انتخاب و تعیین آن یکنفر سرپرست توضیحاتی دارم عرض خواهم نمود

مستشار السلطنه

این بنده پیشنهاد می کنم خرواری بکفران و تومانی درست دینار اضافه مالیات را با صدی يك از مصارف و حقوق که تخصیص بولایات بدهند که كمکی باشد همین میزان و مبلغ هم در ولایات از اضافه مالیات بگیرند

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی این بنده پیشنهاد می نمایم که از مبلغ دوازده هزار و دو بیست و هشتاد تومان وجه اعتباریه وزارت معارف مبلغ ده هزار تومان با اعتبار معارف ولایات افزوده شود و برای محل اعتبارات وزارت معارف دو هزار و دو بیست و هشتاد تومان کافی است

مستشار السلطنه

(پیشنهاد آقای سلیمان میرزا بمضمون ذیل قرائت شد)

ما امضاء کنندگان پیشنهاد می نمایم که آنچه بعنوان معارف گرفته می شود مطابق ماده سیزده عایدات مملکتی هر قدر باشد خارج از این اعتبار به مصرف معارف همان محل برسد

مسافه - علی محمد الحسینی - یعقوب الموسوی سلیمان محسن

رئیس - پیشنهادیکه اول قرائت شد مقدم است بر تمام این پیشنهادها زیرا اگر بنا شود بیه کمسیون ارجاع شود سایر آقا بانی میروند بکمسیون و عقاید خود را در آنجا توضیح میدهند

که بیشتر مدعیان باشم پیشنهاد کردم بر گردد و به کمسیون تجدید نظری بشود و يك محللهایکه بنده در جلسه گذشته در نظر گرفته ام در آنجا تبادل افکار بشود و تجدید نظری بشود شاید اضافاتی منظور خواهد شد و مقصود آقا بانی بعمل خواهد آمد

مخبر - بنده از طرف کمسیون آقای تدین را متذکر می کنم که برگشتن بکمسیون اگر از نقطه نظر اضافاتی است که فرمودند لازم به راجعه به کمسیون نیست و هر وقت يك لایحه جدیدی پیشنهاد فرمودند ممکن است آن لایحه را تصویب بکنیم

رئیس - آقای ملک الشراء (اجازه)

ملك الشعراء - بنده موافقم و گمان می کنم راجع ب بودجه معارف بهترین است همه آقا بانی رای بدهند و از مجلس باتفاق بگذرد بنده خودم و جمعی را می بینم که رای بخواهند داد بنابراین بنده بایشهاد آقای تدین موافقم و حالا که چند روز بتعویق افتاده عیبی نخواهد داشت که در روز دیگر هم بتأخیر بیفتد که نظر آقا بانی مخالفین هم اجرا شود و محللهائی که در نظر گرفته شده معین شود شاید آقا بانی بتوانند توافق نظر حاصل کنند و بهتر خواهد بود که چند روز دیگر هم بتعویق بیفتد و اصراری نداشته باشند که بطور تزلزل واضطرار در این ماده رای گرفته شود و اگر باتفاق رای بدهند بهتر است از اینکه بطور تزلزل رای داده شود

رئیس - رای می گیریم در ارجاع این ماده بکمسیون آقا بانی که تصویب می کنند این ماده بکمسیون ارجاع شود قیام فرمائید

بنده قبلی قیام نمودند

رئیس - تصویب شد در سایر پیشنهاد ها باید رای بگیریم گمان می کنم در این پیشنهاد نشود رای گرفت قرائت می شود و ملاحظه خواهد فرمود

(پیشنهاد آقای مستشار السلطنه راجع بکسر حقوق معلمین اروپائی برای مخارج یکنفر سرپرست مجدداً قرائت شد)

مستشار السلطنه - عرض اصلی همان است که چون موافق نظامنامه داخلی نمیتوانیم چیزی علاوه بر بودجه پیشنهاد نمایم و از طرف دیگر وجود يك سرپرست مجرب را برای اطفالی که از ایران باروا میروند لازم می دانم لذا پیشنهاد می کنم از این مبلغ بیست و دو هزار تومان که برای معلمین اروپائی تخصیص داده شده بقدر حقوق یکنفر سرپرست برای معصلین ایرانی در اروپا کسر نمایند و اگر دولت و مجلس این نظریه بنده را نظر صائب بدانند و برای مواظبت در تحصیل و اخلاق معصلین ایرانی یکنفر سرپرست را لازم بدانند گمان می کنم معنی بهتر از این محل بالفعل موجود نباشد

محمد هاشم میرزا - اجازه می فرمائید

رئیس - بفرمائید

محمد هاشم میرزا - موافق آنچه در کمسیون بودجه مذاکره شد حقوق معلمین اروپائی بموجب کتکرات پرداخته میشود چون هنوز موقع آن کتکرات مقتضی نشده بود لذا ما انراستیم از حقوق آنها چیزی کسر نماییم ولی در بقیه فرمایشات آقای مستشار السلطنه راجع ب سرپرست بنده موافقم

رئیس - چون وقتی آقا بانی رای بیک ماده می دهند دولت مجاز است در حدود آن ماده مخارجی نماید و بر فرض که از مبلغ این ماده کسر نشود دولت مجبور نیست آن مبلغ را برای يك نفر سرپرست معین نماید بنابراین اگر از مبلغ این ماده کسر شود باید آن کسر را برای مخارج يك نفر سرپرست بترتیب یکماده العافیه برابورت کمسیون پیشنهاد نمایند که ضمیمه شود باین پیشنهاد حالیه و بنشود رای گرفت

(پیشنهاد ثانوی آقای مستشار السلطنه بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی این بنده پیشنهاد می نمایم که از مبلغ دوازده هزار و دو بیست و هشتاد تومان وجه اعتباریه وزارت معارف مبلغ ده هزار تومان باعتبار مدارس ولایات افزوده و برای محل اعتبارات وزارت معارف دو هزار و دو بیست و هشتاد تومان کافی است

رئیس - این پیشنهاد هم همان حال را دارد

مستشار السلطنه - توضیحی دارم اجازه میفرمائید

رئیس - بفرمائید

مستشار السلطنه - بنده می بینم برای معارف ایالاتی که هر کدام چندین مدرسه دارد نمایندند آقای نظام زبیر دست آغا هر کس دادم در موضوع معارف محل خودشان اظهارات بلی می فرمودند اعتباراتی مزید کردند ولی در بر و جرد و لرستان که اهالی آنجا در فطانت و هوش از سایر اهالی مملکت کمتر نبود بلکه پیشقدم و قابل همه قسم تقدیر آقا بانی نمایندگان هستند ابتدا این قبیل تأسیسات نبوده بلکه وجهی که از مؤدیان مالیاتی آنجا گرفته میشود به طهران آورده و بصرف معارف طهران مهترسانند چون بنده باز هم مطابق نظامنامه داخلی نمیتوانم از صندوق دولت چیزی برای معارف آنجا پیشنهاد نمایم لذا بنده پیشنهاد میکنم که از دوازده هزار و دو بیست و هشتاد تومانی که بعنوان اعتبار در بودجه معارف منظور شده مبلغ ده هزار تومان آن بودجه مدارس ولایات افزوده شود برای اینکه این اعتبار مصارف معینی ندارد و اگر مبلغی از آن کسر بنمایند ضرری نخواهد داشت ولی باز هم عرض میکنم اگر چنانچه آقای وزیر معارف برای تأسیس یکی دومدرسه در بر و جرد و لرستان محل ثابت در نظر گرفتند بنده این پیشنهاد خود را مسترد میدارم

رئیس - در اصل مطلب حرفی نیست ولی يك طریق قانونی برای رای گرفتن در این قبیل پیشنهادها در نظر بگیریم بعد پیشنهاد نمائید

مستشار السلطنه - مسترد مینمایم

رئیس - آقا میرزا اسید حسن - خیر

رئیس - پس جناب عالی حق نطق ندارید در پیشنهادها فقط اعضاء کمسیون میتوانند مذاکره نمایند پیشنهاد آقای سلطان العلماء قرائت میشود (بمضمون ذیل قرائت شد)

مستشار السلطنه - مسترد مینمایم

رئیس - آقا میرزا اسید حسن - خیر

رئیس - آقا میرزا اسید حسن - خیر

رئیس - آقا میرزا اسید حسن - خیر

رئیس - آقا میرزا اسید حسن - خیر

رئیس - آقا میرزا اسید حسن - خیر

رئیس - آقا میرزا اسید حسن - خیر

رئیس - آقا میرزا اسید حسن - خیر

رئیس - آقا میرزا اسید حسن - خیر

رئیس - آقا میرزا اسید حسن - خیر

رئیس - آقا میرزا اسید حسن - خیر

رئیس - آقا میرزا اسید حسن - خیر

که اضافه شود مبلغ ۴۵۵۶۲۳ تومان - بشود و باید باین مبلغ رأی گرفته شود

رئیس - پیشنهاد دیگری است از طرف آقای مستشار السلطنه قرائت میشود (بعضیون ذیل قرائت شد)

این بنده پیشنهاد می نمایم که برای یک نفر سرپرست که امور نظارت ایرانیان محصلین در خارج باشد تعیین فرمائید

رئیس - آقای مستشار السلطنه توضیحی دارید ؟

مستشار السلطنه - در عبارت پیشنهاد کلمه (ماده واحده) از قلم افتاده است مقصود این است که ترتیب ماده واحده یک مبلغی برای مخارج یک نفر سرپرست برای نظارت در اخلاق و تحصیل محصلین ایرانی در اروپا بر بوجه معارف اضافه و تصویب گردد تا این نظریه بنده اجرا شده باشد

رئیس - بنده اضافه بر پیشنهاد دولت چیزی پیشنهاد فرمائید فقط مطابق ماده (۶۵) نظامنامه داخلی می توانید یک مبلغی از این وجهی کدر بوجه نوشته شده کسر نموده و برای یک نفر سرپرست تعیین داده و این مبلغ را بشکل ماده العاقبه پیشنهاد فرمائید

مستشار السلطنه - این سرپرست را بهای صد تومان یعنی در سال ۱۲۰۰ تومان میشود انتخاب نمود و ممکن است این مبلغ از ۱۲۲۸۵۰ تومان اعتبار وزارت معارف کسر شده و برای یک نفر سرپرست که نهایت لزوم را دارد معین نمود و گمان میکنم اغلب آقایان هم باینده موافقت نمایند

رئیس - پیشنهاد آقای مستشار السلطنه این است که از این وجهی که کمیسیون برای اعتبار وزارت معارف تخصیص داده مبلغ ۱۲۰۰ تومان کسر نموده و برای یک نفر سرپرست تخصیص داده شود

مختبر - آقای مستشار السلطنه مسبقاً نیستند که این اعتبار یک مخارج معینی دارد که بایستی بآن مضارف برسد

اگر اجازه فرمائید بنده صورت جزو آنرا می خوانم قیمت جایزه و کتاب برای مدارس در موقع امتحانات ۴۰۰ تومان جهت تأسیس دارالعلوم ۲۴۰ تومان اعتبار خرید کتب ۱۲۰۰ تومان اعتبار سروخت دارالفتون ۶۲۰ تومان باین ترتیب بنده نمیدانم در کدام یک از این مخارج میتوان کسر نمود تا به صرف سرپرست برسانند

رئیس - بنابراین این پیشنهاد میباید **مستشار السلطنه -** اجازه میفرمائید **رئیس -** فرمائید **مستشار السلطنه -** بنده خیلی تعجب میکنم باین پیشنهاد بنده را تصدیق و باز می کنید اگر کرد می کنید بفرمائید قابل توجه نیست و اگر تصدیق میکنید این اعتبار ۱۲۰۰ تومان را قبول فرمائید

مختبر - ممکن است یک پیشنهادی بالاتفاق طرف تصدیق عموم نمایندگان باشد ولی در یک موقع مخصوص مورد نداشته باشد

رئیس - آقای حائریزاده (اجازه)

حائریزاده - بنده پیشنهاد کردم این ماده تجزیه شود و جزء بجزء رأی گرفته شود چون ماده (۹۹) نظامنامه داخلی می گوید بقضای یک نفر نماینده ممکن است در یک ماده جزء بجزء رأی گرفته شود

رئیس - بعد از تجزیه چه میشود ؟

حائریزاده - چون در بعضی از اجزای این ماده بعضی از نمایندگان مخالفت دارند لذا اگر جزء بجزء رأی گرفته شود بعضی از مواد آن بکمیسیون بر میگردد و شاید در کمیسیون مصالح و ولایات هم در نظر گرفته شود

رئیس - چند قدمت میفرمائید تجزیه کنیم حائریزاده - بر دوازده قسمت تجزیه نمائیم

رئیس - ایراد جناب عالی راجع به کدام جزء است ؟

حائریزاده - بنده راجع بابالات و ولایات عرض دارم که اگر آقایان و مختبر کمیسیون موافقت فرمائید بوجه معارف ولایات بر گردد بکمیسیون و در آنجا اقداسی بشود

رئیس - اگر ایراد جناب عالی راجع بوجه بابالات است پس باید پیشنهاد کنید که ۱۴۸۴۴۰ تومان از جمع کل بوجه معارف موضوع کنیم یعنی دو قسمت نماییم دو قسمت اول رأی بگیریم و بعد در قسمت بوجه بابالات و ولایات معین شود

حائریزاده - چون مجلس رأی ندارد که کلیه رایورت بر گردد بکمیسیون لذا چون بعضی از مواد زیاد است و ممکن است از آنها کسر گردد و کلیه آن کسریها را بر بوجه بابالات اضافه نمود باین مناسبت پیشنهاد نمودم این ماده تجزیه شود

رئیس - بالاخره سؤال می کنم که چند قسمت باید بشود ؟

حائریزاده - ۱۲ قسمت

رئیس - بسیار خوب این ماده بر دوازده قسمت منقسم می شود آقایانی که قسمت اول را تصویب میکنند قیام فرمائید

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقایانیکه جزء دوم را تصویب میکنند قیام فرمائید

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقایانیکه قسمت سوم را تصویب میکنند قیام فرمائید

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقایانیکه قسمت چهارم را تصویب میکنند قیام فرمائید

(غالباً قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقایانیکه جزء پنجم را تصویب میکنند قیام فرمائید

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقایانیکه جزء ششم را تصویب میکنند قیام نمایند

(غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد نمایندگان که جزء هفتم را تصویب میکنند قیام فرمائید

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقایانیکه تصویب قیام فرمائید

(بیشتر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد جزء هفتم آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمائید

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد جزء دهم اگر طرف توجه است قیام فرمائید

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد جزء یازدهم را اگر تصویب میکنند قیام فرمائید

(اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد آقایانیکه جزء دوازدهم را تصویب میکنند قیام فرمائید

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد باید رأی بگیریم به کلیه ماده

مختبر - موافق تصویب سابق کمیسیون بوجه بوجه معارف عبارت بود از پانصد و نود و دو هزار و دویست و شصت و سه تومان و پس از اضافه نمودن ۱۲ هزار تومان اعتبار برای اعانه مدرسه آلمانی بوجه معارف بالغ بر شصت و چهار هزار و دویست و شصت و سه تومان میشود و بایستی این مبلغ دوازده هزار تومان را تصویب و علاوه نموده بعد مبلغ اخیر رأی گرفته شود

رئیس - آقای مستشار السلطنه (اجازه)

مستشار السلطنه - بنده در خصوص مدرسه آلمانی و کلیه مدارس اروپائی که در طهران و در ولایات اداره میشود بآقای وزیر معارف هم عرض کرده ام که این مساعدت با آنها یک نوع مساعدتی است که از طرف دولت و ملت ایران به مدارس خارجه میشود ولی این مساعدت در صورتی از طرف دولت و ملت ایران به مدارس خارجه که مطیع پروگرام وزارت معارف باشند والا اگر مطیع پروگرام وزارت معارف نباشند بنده مساعدت با آنها را تصویب نخواهم کرد

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله (اجازه)

حاج شیخ اسدالله - راجع به مدرسه که جدیداً باسم مدرسه آلمانی در طهران تأسیس میشود تأسیس آن در تحت یک قرارداد رسمی است که دولت برای تأسیس یک مدرسه صنعتی در طهران نموده است و ممکن است اولین مدرسه صنعتی در ایران باشد باین جهت توجه نمایندگان را باین اعتبار جلب می کنم و عرض می کنم مخصوصاً این اعتبار برای منفعت عامه خواهد بود

رئیس - دیگر مخالفی نیست ؟ **مستشار السلطنه -** توضیحی دارم **رئیس -** فرمائید **مستشار السلطنه -** بنده منکر مدرسه صنعتی نیستم بلکه مدرسه صنعتی را در ایران لازم میدانم و عرض کردم بایستی مطابق پروگرام وزارت معارف اداره شود

رئیس - رأی بگیریم بدوازده هزار تومان اعتبار برای اعانه مدرسه آلمانی که در تحت جزء سیزدهم پیشنهادی کمیسیون بوده میشود آقایانیکه جزء سیزدهم را تصویب میکنند قیام فرمائید

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد رأی بگیریم بکلیه ماده یعنی مبلغ شصت و چهار هزار و دویست و شصت و سه تومان برای بوجه وزارت معارف آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام فرمائید

(اکثر نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد لایحه پیشنهادی وزارت عدلیه مطرح است قرائت و بعد در آن مذاکره میشود

(لایحه پیشنهادی وزارت عدلیه بمضمون ذیل قرائت شد)

نظر باینکه یکی از مسائل مؤثره احتیاج قوه قضائیه تدوین قوانین لازم و تکمیل قوانین موجوده است و از کمیته قوانین موضوعه منحصر آ امیدواری به حصول نتایج حسنیه نموده بلکه تجربه عملی باشد مسلماً کاملاً ضروری از مشکلاتی که در ضمن اجرای این میباید خواهد بود و تطبیق مغایره قطعی تر تأمین می گردد علی الخصوص که از قوه قهریه تهیه و اصلاح قوانین بر نمایندگان محترم مستور نبوده و همه میدانند که رساندن قوانینی که در نظر است به تصویب مجلس شورای ملی مستلزم مدت زیادی وقت است لهذا مطابق سابقه و عملی که در دوره سوم و دوم تقنینیه مجلس شورای ملی شده است ماده ذیل برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد میشود

ماده اول - به وزیر مالیه اجازه داده میشود که کلیه قوانینی را که به مجلس شورای ملی پیشنهاد نمایند بعد از تصویب کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی موافقتاً بوقع اجرای گذارده و پس از آزمایش آنها در عمل و تکمیل نواقص تأیید برای تصویب به مجلس شورای ملی پیشنهاد نماید

ماده دوم - این اجازه شامل قوانینی است که از تاریخ تصویب این لایحه تا ششماه از طرف وزیر عدلیه به مجلس شورای ملی پیشنهاد میشود

رئیس - مذاکرات در کلیات است **شیخ الاسلام اصفهانی -** بنده اجازه خواسته ام و حق تقدم دارم

رئیس - از کجا معلوم است حق تقدم دارید **شیخ الاسلام اصفهانی -** آقای مستشار الملک

یقیناً نوشته و میداند **رئیس -** مخالف هستید ؟ **شیخ الاسلام اصفهانی -** بله **رئیس -** فرمائید **شیخ الاسلام اصفهانی -** بنده اولاً خداوند را بشهادت میطلبم که در عرایش خود هیچ منظور و مقصودی ندارم

حاج شیخ اسدالله - هیچکدام نداریم **شیخ الاسلام اصفهانی -** من راضی نیستم عرایش بنده ولو یک کلمه هم باشد با حدی بر بخورد و در عرایش خود باید نظرح و بعضی شخصی نیست کار با حدی ندارم فقط این مختصراً که عرض خواهم کرد تکلیف امانتی خود میدانم خواه اثر بکنند خواه نکنند بنده سالهاست خدمت حضرت اشرف آقای مشیرالدوله رئیس الوزرا را دارم و هر وقت زمامداری مملکت بعهده ایشان واگذار شده است در اصفهان هم که بودم باندازه مقصور تأیید در اجرای احکام دولت نموده ام در این مدت هم که در طهران بودم با اینکه بکفایت و کار دانی آقای قوام السلطنه معتقد بوده و هستم همیشه او را در تحت زمامداری در عهد آقای مشیرالدوله برقرار باشد تا اینکه کابینه سابق سقوط کرد بعد از طی ترتیبات و دلالتی که همه میدانیم آقای مشیرالدوله قبول زمامداری را فرمودند از آن ساعتی که ایشان قبول زمامداری فرمودند تا ساعتی که کابینه خودشان را در مجلس شورای ملی معرفی فرمودند تقریباً چهل و شش ساعت طول کشید و در ظرف این چهل و شش ساعت بنده از چند نفر دوستان خود شنیدم که آقای مشیرالدوله در نظر دارند سردار معظم خراسانی را برای وزارت عدلیه انتخاب نمایند بنده بآن تصدیق می کنم و خود آقای مشیرالدوله هم بسمت و کالت در مجلس تشریف داشتند در موقعیکه پروگرام دولت سابق مطرح بود هنگامی که مذاکره از قوه قضائیه و اصلاحات آن شد آقای سردار معظم اجازه خواستند و اظهار نمودند که من هیچ قسم ربط و اطلاعی از امور عدلیه ندارم فقط می شنوم اشخاصی که با عدلیه سروکار دارند از بطور جریان امور شکایت دارند باین نظریه بود که بنده این اظهار را قبول نمی نمودم تا اینکه آقای مشیرالدوله به مجلس تشریف آوردند کابینه خودشان را معرفی نمودند دیدم سردار معظم را هم به سمت وزارت عدلیه معرفی فرمودند بعد که مجلس مقتضی شد و از پارلمان خارج شدیم بعضی از رفقا اظهار داشتند که آقای مشیرالدوله در نظر دارند از مجلس تقاضا نمایند که یک اختیاراتی بکمیسیون عدلیه بدهند که پس از اینکه قوانین جزائی و ثبت اسناد و غیره از کمیسیون گذشت بوقع اجرای امور گذارند

بنده همانوقت مطلب را حس کردم که منظور آقای مشیرالدوله این بوده است که قوانین مهم مملکت راجع بقوه قضائیه را که از مجلس بکمیسیون عدلیه میروند با غشونت و ساجاتی که سردار معظم در کارها دارند این قوانین را در کمیسیون عدلیه بآقایان

و کلاه بپوشانند

نصرت الدوله - خارج از موضوع است این حرفها کدام است داخل در شخصیات میشوند **شیخ الاسلام -** خبر داخل در موضوع است شما میفرمایید تمام قوانین مهم را ببرید پشت پرده (از طرف نمایندگان خارج از موضوع است)

رئیس - (خطاب بشیخ الاسلام) از روی نزاکه حرف بزنید

نصرت الدوله - خوب بود اول قسم یاد میکردید

آقا سید یعقوب - خوب است بموجب قانون اساسی اول قسم بفرمودید

شیخ الاسلام - بنده باین صداما از میدان در نمیروم قانون عدلیه را نمیشود از تحت نظر چند نفر گذراند و بعد بوقع اجرا گذارد ما وکیل مردم هستیم قیم مردم نیستیم ما شاید مطابق میل و عقاید خودمان

رئیس - مطالبتان را بفرمائید ولی مؤدبانه و خارج از نزاکت نشود

شیخ الاسلام - بنده اولاً این لایحه را بر خلاف قانون اساسی یا متمم آن میدانم اصل (۲۷) قانون اساسی قوای مملکتی را به سه قسمت تجزیه نموده و می نویسد قوای مملکت به سه شعبه تجزیه میشود اول تقنینیه که مخصوص است بوضع و تهنیت قوانین و این قوه ناشی میشود از اعلی حضرت شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و مجلس سنا و هر یک از سه منشأ حق انشاء قانون را دارد ولی استقرار آن موقوف است بعدم مخالفت با موازین شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح بصدقه هایونی لیکن وضع و تصویب قوانین راجع به دخل و خرج مملکت از مختصات مجلس شورای ملی است شرح تفصیل قوانین از وظایف مختصه مجلس شورای ملی است دوم قوه قضائیه و کلیه که عبارت از تمبر حقوق و این قوه مخصوص است به احکام شرعیه در شریات و به احکام عدلیه در عرفیات سیم قوه اجراییه که مخصوص پادشاه است یعنی قوانین و احکام بتوسط وزراء و مأمورین دولت بامان نامی اعلی حضرت هایونی اجرا می شود ترتیبی که قانون معین میکند مقصود از این اصل ترتیب وضع قوانین است قانون اول باید از طرف وزراء بشکل لایحه دولت باز از طرف وکلا بتوان طرح قانون تقدیم مجلس بشود بعد آن لایحه با طرح قانونی طبع و توزیع می شود از مجلس متمسک بچراغ می شود و همه مردم مطلع میشوند پس از آن تازه به کمیسیون مربوطه رجوع میشود بعد از شور و در کمیسیون دوباره مراجعت به مجلس می نماید پس از شور و و تانی و مذاکرات لازمه و تصویب مجلس بصدقه اعلی حضرت هایونی رسیده پس از طی این مقدمات صورت قانونیت پیدا کرده و بوقع اجرا گذارده میشود ماها وکیل هستیم بما وکالت داده اند که در مجلس حاضر شده و هر کدام عقیده خود را در هر یک از مواد قانون اظهار نمائیم ما وکیل در توکیل نیستیم که یک چند نفر را معین

کنیم که برود پست پرده و زیرجلکی قوانین وضع کنند و اجراء نمایند آنوقت بعدا یکی یکی کتابچه هائی در دست مردم بپنیم و بگویند این قوانین مجلس شورای ملی است این قسم کسی بناو کالت نداده است ممکن است که به بنده ایراد بفرمایند که این لایحه را درست نتوانند این زیرامانهاست اینم قانون وضع کنیم بلکه می خواهیم قوانین را امتحان کنیم و بعد از آزمایش بمجلس خواهیم آورد بنده عرض میکنم این قسم نمی شود این مطلب برخلاف قانون اساسی است اگر بگوئیم اغفال است شاید مورد حمله بشویم لذا عرض می کنم این یک نوع طفره است

میرزا محمد نجات — اینکه میفرمایند مغالطه قانون اساسی است کجا است ؟

شیخ الاسلام — ما که مباحثه بین الانبیین نداریم اگر بنا باشد من حرف نزنم خوب است یک نفر پیش خدمت بیاید و مرا از اطلاق خارج نماید والا با شما خارج از نزاکت که میشود عقیده و آگاهی را تنقید کرده و بویک حمله نمود

رئیس — آری اینکه جناب مالی گفتید وزیر عدلیه سمیع است و خشونت دارد خارج از نزاکت نیست ؟

شیخ الاسلام — حالا اگر حضرتعالی میفرمایند دیگر حرف از من منم حرف نمیزنم

رئیس — پس چرا میفرمایید حمله بجهت شما می کنند چون خارج از نزاکت صحبت کردید لازم بود شما بگویم

شیخ الاسلام — بنده نه آرزو مند زیاد حرف بزنم و نه خیال دارم بر گویم و مردم را خسته کنم بنده مطابق دیانت و وظیفه خودم مجبورم عرایض خودم را بکنم میخواهم کسی بشنود نمیخواهد بشنود

رئیس — شما میفرمایید با شما هم نزاکت شما از اطراف حمله می شود مقصودتان از این عبارت چیست ؟

شیخ الاسلام — بنده اول هم قسم خوردم مقصودی ندارم

رئیس — پس مقصد شما از حمله چه بود غیر از من که کسی شما گفت از نزاکت خارج بشود من هم مکلفم موافق نظامنامه عمل کنم و حق دارم در این مورد از شما مؤاخذه نمایم

شیخ الاسلام — حضرتعالی درجه میخواهید بفرمایند و من کمال افتخار را دارم که حضرتعالی چوب هم بر من بزنید ولی سایرین چه میکنند و چرا چهل نفر یکدفعه حمله می نمایند؟

رئیس — بسیار خوب مطالبتان را بفرمایند

شیخ الاسلام — عرض میشود قانون حقوقی عدلیه دوازده سال قبل از این از کمیسیون بوزارت عدلیه مراجعه شده که پس از آزمایش و تجربه مراجعت دهند و هنوز برنگشته و قانون معایبات جزائی دوازده سال قبل از این در خارج مجلس شورای ملی در تحت نظر یک هیئت از وکلای تدوین و برای آزمایش بوزارت عدلیه مراجعه شده و هنوز برنگشته قانون ثبت اسناد دوازده سال است از مجلس گذشته است و بوزارت عدلیه

مراجعه شده مینظر قانون جزای عرفی و تمام ملائمتان بدینات اسلامی را مصبانی کرده و اینهمه در اطلاق تنفس روی میز از این شکایت ناممناهی که از این قانون از ایالات و ولایات میشود پر شده و خالی میشود و اگر کمیسیون محترم عرایض بروفق ساده ۲۵ نظامنامه داخلی عمل می نمود و دو ماه بدو ماه نتیجه عرایض مردم را بمجلس شورای ملی تقدیم می نمود معلوم میشد که چقدر از ایالات و ولایات از این قانون جزای عرفی شکایت میرسد و حالا هم این قوانینی که میخواهند رجوع بکمیسیون عدلیه نمایند باین ترتیب که در خود لایحه نوشته شده و در خارج هم تحقیقات نموده و فهمیده ام عبارة از سه قسم است یکی همان قانون جزای عرفی است که آنهمه شکایات راجع بآن میرسد و یکی هم قانون ثبت اسناد است که مبتسم بعضی چیزها بگویم خارج از نزاکت و یکی هم منضمات قانون حقوق و جزا است در اینجا يك مطلب را عرض میکنم و آن این است که الحمد لله ما در این مملکت نزاع مذهبی با هم نداریم الحمد لله تمام اهالی این مملکت با استثناء عده قلیلی که آنها هم مطیع الاسلام هستند همه معتقد به پیشوای آخر الزمان و قرآن میباشند از شاه تائیس الوزراء تا رئیس مجلس و بالاخره و کلاء و وزراء همه مسلمان هستند و با هم نزاع مذهبی نداریم و دلیل اینکه با اینهمه حوادث و انقلابات استقلالان یا برجا و روز بروز در بترقی میروند برای این است که يك عده از جوانهای ایرانی که بعضی تربیات اروپائی را دیده اند و یا بعضی از قوانین اروپا را در ایران جاری میدانند و باین ترتیب اغلب نواقص آن را رفع میکنند ولی بمقیده بنده این مطلب اشتباه شده است منضمات اروپا نه برای خوبی و یا برای قوانین است بلکه برای این است که قوانین در آنجا اجرا می شود و آقایان تصدیق میفرمایند که بهترین قوانین وقتی اجرا شد بهترین قوانین خواهد بود

در صورتیکه بهترین قوانین را اگر بنویسید و بکنار بگذارید هیچ فایده نخواهد داشت و اگر قانون اسلام بشام معانی خود جاری شود نور آن تمام عالم را روشن خواهد نمود دولت افغانستان همسایه ما که دوازده کرور بیشتر جمعیت ندارد آنان صحبت عظمت و اقتدارش در عالم پیچیده و حال اینکه در تمام مواد قانون لشگری و کشوری آن يك ماده از قانون اروپائی موجود نیست سفیر افغانستان حاضر و بنده هم حاضر میباشم هر کسی مدعی است که در تمام افغانستان يك ماده از مواد قانون اروپائی معمول است از ایشان استفسار می کنم و بنده تصدیق ایشان را قبول میکنم هزار و پست و چهل سال از عمر اسلام می گذرد دوازده سال از این مدت طولانی خلافت با عمران خطاب رضی الله عنه بوده است و بنده تحقیق کرده ام و مورخین هم تصدیق کرده اند که بهترین اوقات عظمت اسلام همان یازده سالی بوده که قانون اسلام بشامه جاری بوده اگر غیر از این بوده باشد عده عرب نمیتوانستند به هرات هجوم را تسخیر کنند

چون هجوم را گرفتار ظلم و استبداد بودند، مان

مسئله آنها را مجبور کرد که پروند تسلیم هر بابا شوند و در تحت قانون عدل در آیند میرزا غلامحسین خان بهر حال رهنما که شاید اغلب از آقایان ایشان را بشناسند سال گذشته بنده فرموده که در یکی از مجلات که از پاریس رسیده مینویسد که قضات فرانسه در الجزایر پاریس را بورد داده اند که اگر میخواهید مملکت امن و امان باشد و ما در الجزایر راحت باشیم چون اهالی اینجا مسلمان هستند همان قوانین اسلام را بگنجانید و از روی آن يك قانون نوشته برای اجرا بفرستید هم چنین بنده بتاریخ رجوع کردم دیدم هشتاد و سه سال است که مملکت اسلامی در الجزایر سقوط یافته و بعد از هشتاد و دو سال تجربه تازه قضات فرانسه به برتری قوانین اسلامی پی برده اند از همین قضا که سلطان آنرا بدترین و سست ترین سلطنتها می دانستم یک نفر را معین کردند که برود از حامای حیات ایالات اجازه اجتهاد گرفته و برگردد تا رتبه شیخ الاسلامی باو رجوع شده و تمام دعوای مسلمانان باو رجوع شده ولی در مملکت ما یکی از قوانین جزای اسلامی را دست آویز قرار داده و اظهار میدارند که در قرن بیستم کسی دست نمی برد بنده عرض می کنم در قرن بیستم که چندین ملیون جوانهای رها را ساطوری میکنند و ملیونها بنده بشر را برای مظلوم کشی باجهانگیری بدست می یابند چشم یا ناقص کرده اند چه میشود اگر برای حفظ حقوق مردم چند دست بریده شود اگر در ظرف هفده سال مشروطیت دودست در همین میدان توپخانه بریده شده بود دیگر امروز باین ترتیب به مملکت خیانت نمی کردند و اگر بعضی از آقایان ایراد نمایند که در قضی از ممالک اسلامی هم قانون اروپائی جاری است بنده عرض میکنم که آن ممالک با مملکت ما فرق دارند آنها مسلمان هستند ولی حکومتشان حکومت اسلامی نیست در آنجا سرانزه قانون اروپائی را جاری می دارد الحمد لله رب العالمین مملکت ما مستقل است مشروطه است تمام مردم حق دارند حرف خود را آزادانه بگویند ما وکیل ملت هستیم و باید ببینیم نمایان مردم چیست و مطابق آن نوع وضع حائیم تمام مقننین و علمای عالم در این مسئله متفق اند که قانون باید بر حسب اخلاق و احوال جوامع وضع شود حال اگر يك چند نفری نشستند در کمیسیون عدلیه و يك قوانین نوشتند و کتابچه ها منتشره دند بعد از چندی مردم بعد خواهند آمد و این قانون را تکذیب می کنند و از بین خواهند برد مثل قانون زای عرفی که تمام مملکت را رنجانیده است حال اگر می گویند

فقط روحانیون این مطلب را میگویند خوب است چرا که نماینده بنده قدر از ایالات و ولات از این قانون شکایات میرسد از برای بنده که يك دست از این شکایات آمده حالا اگر باز هم در نتیجه اجرای همین قانون چهار نفر از شاهزادگان بزرگ را که باین مملکت خیانت کرده اند و این اشخاص از پول این مملکت و این ملت پارک و اتومبیل تهیه کرده اند مجازات میگردند باز هم مردم میکنند که حسن این قانون این است که همه را پای مجازات می آورد ولی برعکس فقط آنچه که ما دیدیم آفتابه دزد و بالنگ دزد را مجازات کرده اند

حتی بنده از یکی از قضات عدلیه پرسیدم که این قانون جزای عرفی تا چه اندازه اجرا شده جواب داد فقط اشخاص که آفتابه یا بالنگ دزدیده اند مجازات شده ولی در خانه با همه بی رحمتی هائی که بنده شده بنده عرایض خود را نمودم و هر کس از اول این حمله باو شمه بود بهیچ وجه دیگر نمیتوانست حرف بزند باری از آقای مشیرالدوله که بنده ایشان را یکی از اشخاص بزرگ دنیا میدانم يك روز در حضور شاهزاده سلیمان میرزا بنده فرمودند که او در حق من غلو کرده و من فاقد آن نسبتها هستم که تو به من میدی خواهش میکنم که ایشان مطاع هستند تمام مردم فرمایشات ایشان را صحیح میدانند که هیچ کس نیست که اندکی سوء ظن نسبت بایشان داشته باشد البته با این ترتیب بنده این قانون جزای عرفی و ثبت اسناد را منافی با شئون ایشان می دانم و از ایشان استدعا میکنم که این قانون را مسترد دارند و از علما و صاحبان این فن مشورت بنمایند و البته منافی شان ایشان است که با اکثر اندک یکماده از مجلس قوانین مهم را در تحت نظر سه چهار نفر تدوین و اجرا نمایند شاید ایشان بن جواب بنده که ماهه مسلمان هستیم و لازم نیست این همه برای اسلام مشک بسینه بزی بنده عرض میکنم من خاک پای شما هستم فقط بموجب این آیه شریفه فذکر ان الذکری نفع الدومین چون همه مسلمان هستیم باید همه بنشینیم مذاکره کنیم ببینیم صلاح مملکت چیست ممکن است که ایراد بفرمایند که فلان و فلان در کمیسیون عدلیه عضو هستند بنده عرض میکنم نه شود اساس کار را با اشخاص مجول نمود برای یک نفر ممکن است مرگ باشد ناخوشی باشد علاوه چند روز دیگر از هر کمیسیون عدلیه باقی نمانده

مانند اینم اعضا آیه کمیسیون عدلیه چه اشخاصی باشند وجه عقایدی داشته باشند باری بنده این لایحه را منافی شئون آقای مشیرالدوله می دانم

فتح الدوله — بنده اظهار نظامنامه دارم رئیس — بفرمایند

رئیس الوزراء — بنده لازم میدانم چند کلمه راجع بایراداتی که آقای شیخ الاسلام فرمودند جواب عرض کنم ولی قبل از اینکه وارد ایرادات بشوم ایشان چند کلمه فرمودند که واقعا اسباب تأثر بنده شد یکی از نمایانانی که فرمودند این بود که کسایت

بنده در ظرف چهل و شش ساعت تشکیل شد بنده این مسئله را خارج از موضوع میدانم زیرا این مربوط به خود من بود و می توانستم کایتیه خود را از طرف چهل و شش ساعت یا چهل و شش روز معرفی کنم این بسته بموقعیت مملکت و اوضاع و احوال مملکت بود اگر ایشان میخواهند بگویند بنده بدون مطالعه کایتیه خود را تشکیل دادم قویا این مسئله را تکذیب میکنم

شیخ الاسلام — بنده تمجید کردم رئیس الوزراء — بنده با مطالعه تمام اعضاء کایتیه را انتخاب نمودم و دلیل اینکه با مطالعه و دقت بود همین است وقتی که کایتیه خود را بمجلس معرفی کردم ایرادی از طرف مجلس بکایتیه بنده نشد از این گذشته خیلی متأسفم از اینکه نسبت بیکی از اعضاء کایتیه بنده اظهاراتی فرمودند که نه شایسته خودشان بود و نه لایق آن عضو محترم و استدلالاتی که میکردند این بود که ایشان در موقعی که پروگرام کایتیه سابق مطرح بود اظهار داشته اند که بنده از فلان اداره اطلاع ندارم و این دلیل خود قرار دادند که با وجود اینکه این اظهار را نموده اند و گفته اند اطلاع ندارم حالا وزیر یا رئیس آن اداره شده اند بنده هیچ تناسب منطقی در این حرف نمی بینم زیرا ممکن است در يك موقعی شخص اطلاع از عکار هائی نداشته باشد ولی بعد وقتی که داخل شد البته اطلاعات لازم پیدا می کنند مخصوصا اگر بنده آقای سردار معظم در این ادوار عدلیه معین کردم دایرش این بود که ایشان در ادوار گذشته در مجلس بوده اند یعنی در جائیکه تمام قوانین از آنجا میگذرد از طرف دیگر چون عدلیه يك اداره قانونی است و چنانچه مکرر عرض کرده ام از وقتی که شخص داخل عدلیه می شود ناموقعی که مراجعت می کند تمام صحبت قانون است و جز این چیزی استماع نمی کند و نظیر اینکه آقای سردار معظم در این ادوار در کمیسیونهای مختلف بوده و از مجاری قانون و اطلاعات کافی و کاملی دارند و در واقع وزیر اینکار بوده اند از این جهت ایشان را بوزارت عدلیه منصوب کردم و گمان می کنم برای ایشان هم خیلی متناسبند بعضی مطالب دیگری هم فرمودند که حالا بنده وارد این مطالب نمی شوم زیرا آقای رئیس خودشان جلو گیری فرمودند

اما در باب اصل مسئله که لایحه پیشنهادی باشد اولاً باید عرض کنم که مقصود از پیشنهاد این لایحه چه بوده با مطالعه آنی که در این چندروزه هیئت دولت راجع باصلاحات ادارات مخصوصا دوائر عدلیه کرده و بالاخره اینطور تصور نمودند که اصلاحات لازمی برای دوائر عدلیه لازم است و باید بطوریت اجرا شود از طرفی بتجربه رسیده حکایاتی که از عدلیه می شود يك قسمت مهم آن راجع بنواقص قانون است و از طرف دیگر معلوم است مجلس شورای ملی که حق الواقع مرکز نقل مملکت است اشتغال زیادی دارد و نمی تواند تمام وقت خود را با صرف گذارندن قوانین عدلیه

نمایند مانع کردیم که بین این دو نظر نظر ثالثی اتخاذ کنیم که هم مقصود بعمل آمده باشد و هم مجلس از کار خود باز نماند باشد چنانچه در دوره دوم هم این مسئله سابقه داشته و هم در کمیسیون عدلیه که برای عدلیه اعلی درجه ضرورت را دارد بمجلس پیشنهاد کنیم که بشکسیون عدلیه هدیه ارجاع شود و در این جا مدافعه لازمه و تجربه بموقع عمل گذارده شود که در ضمن عمل رفع معایب آن بشود و وقتی بمجلس می آید و می گذرد بی عیب و منتقص باشد که در موقع اجرا دچار اشکال نشویم بنده ایرادات آقای شیخ الاسلام را بهیچ وجه وارد نمی بینم چون در قانون اساسی بنده چنین چیزی نمی بینم که مانع این فکر هیئت وزراء و این پیشنهاد باشد زیرا کمیسیون عدلیه خودش يك قسمتی از مجلس شورای ملی است

دیگر اینکه آقایان بدانند که این قوانینی که از کمیسیون میگذرد موقتی است و دائمی نیست و قانون دائمی باید از آنطرف متعین و قوانین اسلامی شدند و شرحی ایراد فرمودند البته بنده در تخصیص ایشان بقوانین اسلامی حرفی ندارم ولی عرض میکنم مگر کمیسیون عدلیه مرکب نخواهد بود از اشخاصی که کاملاً مطلع باشند ؟ و فرضاً اگر تمام اعضاء کمیسیون مطلع نباشند لااقل اکثریت آن بصیرت کامل از قوانین اسلامی خواهند داشت و ممکن نیست از کمیسیون و مجلس قانونی بگذرد که مغالطه با قوانین اسلامی باشد در باب قانون جزای عرفی مطالبی فرمودند البته در موقعی که ممکن باشد قانون جزای عرفی بمجلس پیشنهاد خواهد شد ولی آلا ن خیال زیرا چیزهای لازمتر و قوانین ضروری تر در پیش داریم که آنها را بدو ارجاع بکمیسیون نمایم و در خود عدلیه مطالعاتی در خصوص قانون جزای عرفی میشود و بعد بمجلس پیشنهاد خواهد شد ولی این قوانینی که عجلتاً پیشنهاد شده بکمیسیون عدلیه میروند قوانینی است که از نقطه نظر اصلاح عدلیه نهایت درجه لزوم و اهمیت را دارد از قبیل قانون ثبت اسناد و غیره که هر يك در موقع خود به عرض مجلس خواهد رسید و برای اینکه خاطر آقایان را از هر چه مطمئن نموده باشم در بیان عرایض خود عرض می کنم که ممکن است اعضاء عدلیه را در این موقع زیاد کند که این تکرانی هم در بین نباشد مثلاً حالا اگر کمیسیون عدلیه مشقت نفر عضو دارد می تواند دوازده نفر یا بیشتر انتخاب کند تا کاملاً آقایان اطمینان داشته باشند

رئیس — (خطاب با آقای فتح الدوله) اظهار نظامنامه تان را بفرمایند

فتح الدوله — ماده سی ام را اجازه میفرمایند بخوانم رئیس — قرائت فرمائید

فتح الدوله — ماده سی ام نظامنامه داخلی مینویسد لوائح مذکوره که طبع و توزیع خواهد شد باشد دارای مقدمه باشد که متضمن دلائل آن

نمایند مانع کردیم که بین این دو نظر نظر ثالثی اتخاذ کنیم که هم مقصود بعمل آمده باشد و هم مجلس از کار خود باز نماند باشد چنانچه در دوره دوم هم این مسئله سابقه داشته و هم در کمیسیون عدلیه که برای عدلیه اعلی درجه ضرورت را دارد بمجلس پیشنهاد کنیم که بشکسیون عدلیه هدیه ارجاع شود و در این جا مدافعه لازمه و تجربه بموقع عمل گذارده شود که در ضمن عمل رفع معایب آن بشود و وقتی بمجلس می آید و می گذرد بی عیب و منتقص باشد که در موقع اجرا دچار اشکال نشویم بنده ایرادات آقای شیخ الاسلام را بهیچ وجه وارد نمی بینم چون در قانون اساسی بنده چنین چیزی نمی بینم که مانع این فکر هیئت وزراء و این پیشنهاد باشد زیرا کمیسیون عدلیه خودش يك قسمتی از مجلس شورای ملی است

دیگر اینکه آقایان بدانند که این قوانینی که از کمیسیون میگذرد موقتی است و دائمی نیست و قانون دائمی باید از آنطرف متعین و قوانین اسلامی شدند و شرحی ایراد فرمودند البته بنده در تخصیص ایشان بقوانین اسلامی حرفی ندارم ولی عرض میکنم مگر کمیسیون عدلیه مرکب نخواهد بود از اشخاصی که کاملاً مطلع باشند ؟ و فرضاً اگر تمام اعضاء کمیسیون مطلع نباشند لااقل اکثریت آن بصیرت کامل از قوانین اسلامی خواهند داشت و ممکن نیست از کمیسیون و مجلس قانونی بگذرد که مغالطه با قوانین اسلامی باشد در باب قانون جزای عرفی مطالبی فرمودند البته در موقعی که ممکن باشد قانون جزای عرفی بمجلس پیشنهاد خواهد شد ولی آلا ن خیال زیرا چیزهای لازمتر و قوانین ضروری تر در پیش داریم که آنها را بدو ارجاع بکمیسیون نمایم و در خود عدلیه مطالعاتی در خصوص قانون جزای عرفی میشود و بعد بمجلس پیشنهاد خواهد شد ولی این قوانینی که عجلتاً پیشنهاد شده بکمیسیون عدلیه میروند قوانینی است که از نقطه نظر اصلاح عدلیه نهایت درجه لزوم و اهمیت را دارد از قبیل قانون ثبت اسناد و غیره که هر يك در موقع خود به عرض مجلس خواهد رسید و برای اینکه خاطر آقایان را از هر چه مطمئن نموده باشم در بیان عرایض خود عرض می کنم که ممکن است اعضاء عدلیه را در این موقع زیاد کند که این تکرانی هم در بین نباشد مثلاً حالا اگر کمیسیون عدلیه مشقت نفر عضو دارد می تواند دوازده نفر یا بیشتر انتخاب کند تا کاملاً آقایان اطمینان داشته باشند

رئیس — قرائت فرمائید

است لایحه بتوسط رئیس مجلس شعبه یا چنانکه در ماده ۲۴ ذکر شد بکمیسیون موجود فرستاده می شود که پس از رایورث آن کمیسیون لایحه قانونی در مجلس مطرح شود

در این لایحه که از وزارت عدلیه پیشنهاد شده لایحه است که هم دارای مقدمه و هم دارای مواد است و باید قبل از ورود بکمیسیون عدلیه و مجلس رایورث بدهند

رئیس - اولاً این لایحه قانونی نیست و مثلاً همان پیشنهاداتی است که سابقاً بمجلس میشد مثل پیشنهاد تجدید نظر در قانون انتخابات و غیره و این پیشنهادی است که لازم شده شود هم نیست احتیاطاً بنده عرض کردم شود در کلیات است برای اینکه بیشتر بتواند در اینده شروع حرف بزند علاوه بر جلسه قبل که بنده عرض کردم در این مجلس خواهد بود اگر اعتراضی داشتند در آن جلسه باید اظهار کرده باشند

فصل الدوله - بنده حاضر نیستم رئیس - حالاً هم موقعی نگذشته در ضمن مذاکرات کلیات ممکن است اظهار بقضایا اگر آقایان موافق باشند که این لایحه قانونی است و باید بود بکمیسیون ممکن است نظریه جناب عالی اجرا شود

وزیر عدلیه - بنده وقتی که می خواهم استفاده از کرسی نظریه بندهم خلاف تعالیه برای حمله یا تندم یا جواب گویم نماینده معظم اصفهان آقای شیخ الاسلام است که برای این بار با شما نامیده ام چون بنده چون سابقه دارم بکمیسیون می دانم نماینده معظم اصطلاحات خاص دارند که باید است معانی خاص قائل شد دیگر اینکه بنده گذشته پس اجازه بدهند اینقدر تشبیه بکنم که تصدیقات مجلس شورای ملی مقامات همیشه وقت موافقت با مقدمه ایشان نمیکند پس با اطلاع محققان این دو مسئله را می حمله و جواب گویم ایشان نامیده ام بلکه از کرسی قطع می خواهم دو استفاده بکنم یکی اینکه از آقای رئیس الوزراه معظم خود تشکر کنم و بگویم این که مسلک روش خود را مادام که وزیر عدلیه هستیم به عرض برسانم اما قسمت تشکر که زبان من قاصر و عاجز است از اینکه بتوانم اظهار تشکر کنم و اما راجع به مسلک خودم در اینجا گفته شد که بله وقتی من در ضمن صحبت گفتم اطلاع از وزارت عدلیه ندارم راست است حالا هم تکرار می کنم اگر چه در این مملکت سرتاسر معاونات متخصصین دروقی هم ممکن بوداده کنند که متخصص هستم زیرا سابقه تصدیقات من و حضور من در ادارات مختلفه در مجلس این اجازه میداد که در قانون دانی و حقوق دانی اظهار علم کنم ولی من شکسته نفسی می کردم و اظهار علم نمی کردم ولی باهمه این حال چه در آنوقت وجه حالاً که وزیر عدلیه هستم که در زمانه بودن من در قانون مجالس انکار نیست و این اصل پیش من محرز است که باید در

تمام مملکت قانون حکم فرما باشد و تردیدی هم نداشتم که ملائمتان با اجرای قانون ممکن است روزی طرف حملات شدید واقع شوند و من عالماً مأمدا دانسته و فهمیده خود را حاضر برای حملات کردم و در صحنه و میدان مبارزه داخل شدم و بواسطه همین حملات چند روز خودم می دانستم که تقریب مواد حملات واقع خواهد شد ولی هیچ نمیدانستم که اولین نمایش این حمله در خود مجلس شورای ملی خواهد بود و کارهایی که در این مدت قبل کرده ام چه بوده قبل از من احکامی در وزارت عدلیه مقرر شده بود که بواسطه بعضی ملاحظات از اجرای آن خود داری می شد من با اجازه از رئیس متبوم خود حکم کردم که تمام آن احکام را اشد تشنای هم حاصل شده و بواسطه هم همان آمد ولی آقای شیخ الاسلام من غیر مطالب با اجازه از رئیس معظم خود حکم کردم که هیچ يك از آنها ترتیب اثری داده نشود و احکامی که آنجا اجرا شود من موقعی که وارد عدلیه شدم دیدم دوسه هائی از قضات بدکار از قضاتی که حقوق مردم را باطل کرده و وزیر یا گذارده اند جمع شده گفته باید تمام آن دوسه ها ملاحظه شود و مجلس مشاوره عالی هفته چهار پنج روز تشکیل شود و آن قضات بدکار را معاکه کنند تا اینکه بداند بدکار و مستلزم مجازات و عقوبت است من حکم کردم در مطبوعات اعلام نمودم که برای انتخاب اعضاء عدلیه مسئله امتحان اجرا شود گفته قوانین که يك قسمت آن فراموش شده و اعضاء عدلیه توسط سفارش و توصیه بنده قلم میشدند در آنجا اجرا شود و سفارشات را کنار بگذارند و فقط قانون حکم فرما باشد من گفتم هر کس میخواهد داخل عدلیه شود هر کس میخواهد در عدلیه استخدام اختیار کند باید امتحان بدهد زیرا من معتقد به علم و فضل و استحقاق فقط هستم و باید قضات دارای معلومات کافی باشند تنها لایس و هیت برای صلاحیت قضاوت کافی نیست من حکم کردم معاکم مجلسی که برای باز کردن از سر خودشان بولایات بفرستادند و بدون اینکه فکر کنند حقوق آنها از کجا و از چه محل است موقوف شود من گفتم فقط دولت باید معاکم داشته باشد که بتواند حقوق آنها را تأمین کند که در نتیجه قاضی از حیث حقوق محتاج پیدا کردن دعوی و مشغله برای خود نباشد زیرا وقتی که دولت حقوق او را تأمین کرد آن وقت بفرمانه و آزادی عدالت میتوانم قضاوت کنم این است اقداماتی که تاکنون کرده و بعد هم برای اصلاحات خواهم کرد صریحاً عرض می کنم اگر مجلس شورای ملی این مسلک مرا قبول ندارد و من وزیر عدلیه غیر از این مسلک نمیتوانم باشم شان رئیس الوزراه و شان گذشته خود پس اجازه نمیدهم که وزیر عدلیه غیر از این مسلک باشم و برخلاف قانون رفتار کنم این بطور مقدمه بود که عرض شد بطور این را هم عرض میکنم که بدی پیشروزی ممکن است دلیل بانی بشکایت نباید زیرا در ذیل این لایحه قطع نظر از اینکه اعضاء مرا می بیند اعضاء همین کسی را که در پشت

این کرسی خطابه از او تجدید و ستایش گردید ملاحظه می فرمائید چه این لایحه را آقای رئیس الوزراه هم امضاء فرموده اند و انگی زندگی خصوصی و اخلاق شخصی من در خوبی و بدی این لایحه مؤثر نیست اما در اصل مطالب وقتی گذرست مراجعه و فکر کردم نفهمم ایراد جناب مستطاب عالی (خطاب بشیخ الاسلام) چه بود ؟ اگر ترس از این است که قوانینی که در کمیسیون عدلیه می گذرد و موافقت کامل با قوانین مقدس اسلامی بکنند برای دفع این نگرانی دو طریق موجود است یکی اینکه اگر خود خود حضرت عالی این مسئله را تأمین میکنید ممکن است بنده از مجلس شورای ملی تقاضا کنم که حضرت عالی را برای عضویت کمیسیون انتخاب کنند که این مسئله هم تأمین شده باشد و خودتان تشریف داشته باشید و مسلماً با عضویت جناب عالی در کمیسیون باید امینوار بود قوانینی که از آنجا خواهد گذشت کاملاً موافقت با قوانین شرع مقدس اسلام خواهد کرد و دیگر اینکه بطوریکه آقای رئیس الوزراه فرمودند چند نفر دیگر بر عهده اعضاء کمیسیون افزوده شود تا همه اعضاء بنوازدند نفر بالغ شود در این صورت باید اعتراف کرد که این بنوازدند نفر از علماء و کلاهی که در کمیسیون عدلیه هستند لا اقل يك اطلاعات و احساسات مسلمانی دارند که قوانینی که از آنجا می گذرد موافقت با قوانین شرع مطهر اسلام داشته باشد و اگر فرضاً بدست جناب عالی نباشد باز ملائمت هستند که از این موضوعه مطابق با قوانین اسلامی باشد در هر صورت هر يك از این دو نظر را اتخاذ فرمایند بنده شخصاً نهایت درجه موافقت را دارم و چون مطالب دیگری در اصل لایحه منفرمودید بنده عرض دیگری نمیکم

(از طرف نمایندگان است)
رئیس - آقایان وحید الملک نصر الدوله ارباب کبیر و مخالف هستند با موافق
نفسر الدوله - بنده موافقم
رئیس - حاج شیخ اسدالله
حاج شیخ اسدالله - موافقم
رئیس - آقای حائری زاده

حائری زاده - اولاً باید تعهد کماها و کبیل در تریک هستیم یا خودمان مستقیماً باید در کارها دخالت کنیم گمان میکنم ما چنین حق را نداشته باشیم مگر در اجرائیات قوانین که بیانات دولت اجازه بدهیم بگوئیم ما را در اینجا فرستاده اند که خودمان دخالت در امورات آنها بکنیم نه اینکه دیگری را رکیل کنیم فقط در اجرائیات میتوانیم بهت دولت را وکیل در اجرای احکام و قوانین کرده و این امر را بآنها محول کنیم ولی در اصل قانونگذاری ما همچو وکالت نداریم که کمیسیون عدلیه اجازه قانون نویسی بدهیم و بعد آنها بگوئیم بدون اینکه نظری داشته باشیم شما خودتان قانون بنویسید و اجرا کنید قانون اساسی فقط قانونگذاری را حق مجلس شورای ملی و مجلس سنا و حق شاه قرار داده و هیچ در آنجا نوشته نشده که مجلس حق قانونگذاری را احاله بکمیسیون

بکنند که در آنجا قانون نوشته و بعد اجرا شود و دیگر ترتیبات گذشته این قوانین موقتی که از کمیسیون می گذرد بهما حالی کرده که چندان موافق عادات و اخلاق عمومی نیست چرا ؟ بجهت اینکه از مجلس شورای ملی نگذشته و فقط نظریات خصوصی بر حسب وضع این قانون بوده است جمله دیگری که آقای وزیر نوشته اند مبنی بر اینکه این قانون قانون موقتی است بنده نمی فهمم غیر از قوانین دیانتی ما که قانون ابدی و جاوید است دیگر کدام قانون است که موقتی نباشد غیر از قوانین دیانتی و مذهبی يك قانونی بنده نشان بدهید که قانون ابدی باشد غیر ممکن است زیرا هر قانونی از مجلس گذشته ممکن است دوباره مجلس در او تجدید نظر کرده و معایب او را رفع و اصلاح کند پس اساساً قرآینی هم که از مجلس میگذرد قوانین موقتی است تنها قوانین مذهبی ما است که ابدی است تأیید اشاره شده که سابقاً بکمیسیون عدلیه اجازه داده شده بود

بنده قوانین دوره دوم و سوم را مراجعه کردم و همچو چیزی ندیدم که مجلس بکمیسیون عدلیه اجازه وضع قوانین و اجرای موقت آنرا داده باشد که اکنون ما به آن سابقه اعمال و تعقیب کنیم فقط قانونی که در مجلس گذشته قانون قبول و تکوین پروات بوده که بعد هم اصلاح شد یکی قانون ثبت اسناد بوده که خودشان فرمودند موقتی بوده و بنده هم مستندم که باید تجدید نظر در آن بشود يك قانون تجارتی هم بکمیسیون عدلیه گذشته و يك شرحی آقای رئیس الوزراه عدلیه نوشته اند که این قانون موقتی از کمیسیون عدلیه گذشته و برای شاه فرستاده شد و مجلس بکمیسیون عدلیه خودش اجازه داده است که شما قانون بنویسید و به آقایان وزراء بدهید اجرا کنند همچو چیزی را بنده در قوانین موضوعه دوره دوم و سوم ندیده ام که حالا سابقه شده باشد اینجمله را هم متذکر می شوم که قانون موضوعه باید متناسب اخلاق و عادات عمومی باشد

مرا نامه قانون نمیشود مسوده قانون قانون نمیشود در این مملکتی که بعقیده آقای تدین در هر صد نفری پنج نفر باسواد یافت نمیشود و بفرمایش آقای ملک الشعرا در هزار دو نفر باسواد ندارند این قانون بیچ در بیچ و این اصول معاکمات احقاق حق عمومی را نمی کند چرا این قوانین تا حال در مملکت عملی نشده برای اینکه از مجلس شورای ملی نگذشته و افکار عامه نمایندگان ملت در آن مدخلیت نداشته فقط افکار چند نفر که تحصیلشان در اروپای سرمایه دار بوده و با اصول سرمایه داری انتمیه و مسوم شده

وضع قانون برای مملکت ما عملی نیست ملت ایران همانطور که آقای شیخ الاسلام فرمودند مسلمان و مذهب ما هم اسلام است و اگر عده قلیلی در مملکت هستند که با ما هم مذهب نیستند آنها هم بواسطه نفوذ اکثریت اهالی مملکت نمی توانند مخالفت کنند و طبعاً معذور هستند
ماسیه فقیرانی نمیتوانیم بکنیم قانون اسلام

قانون را بطور مساوات معین نموده و فرقی بین وزیر یا وکیل فقیر یا پادشاه هیچ وجه نگذاشته و تمام را در مقابل قانون مساوی قرار داده اروپای سرمایه دار این امتیازات را بین افراد قائل نشده مملکت اسلامی که متجاوز از هزار و سیصد سال است قوانین مقدسه اسلامی را اجرا کرده سیر قهرانی نباید بکنند و نباید با اصول سرمایه داری اروپا برگردد در این جا چون مذاکره از قانون جزای عرفی شد باید عرض کنم پس از اینکه بنده مراجعه باین قانون کردم دیدم مجازات را با تساوی برای افراد قرار نداده با اینکه چنانچه عرض شد همه در مقابل قانون از شاه و گدا یکسانند معذالک این قانون امتیاز را قائل شده است بنده قانونی که بین افراد و صفوف فرق بگذارد صحیح نمیدانم و عقیده دارم که قانون مطابق افکار و عادات عمومی باید نوشته شود

بنابراین بنده صحیح نمیدانم که کمیسیون عدلیه قانون وضع کرده و حقوق عامه را توضیح کنند اگر چنانچه آقای مدرس وزیر عدلیه بودند و ایشان قانونی پیشنهاد میکردند ممکن بود امروز را بسکوت گذارند و يك چندی برای آزمایش او را به موقع اجرا گذارد ولی چون آقایان انکارشان خیلی عالی است و تحصیلشان در فرنک بوده و افراد مستازه مملکت هستند لذا عرض می کنم که باید قانون را مطابق اخلاق و عادات عمومی نوشت و عقیده ندارم بدست خودمان حقوق قاطبه ملت را توضیح کنیم ملاحظاتی هستند که خودشان این قوانین را نمی فهمند پس چطور باید توقع داشت باشیم که عامه ملت ایران این قانون را بفهمند و حفظ حقوق خود را بکنند از احکامی که از روی اصول این قانون از معاکم صادر می شود از هر صاحب حکم پنج حکم مطابق واقع نیست هر که بزرگتر است و طراری نه می توانسته است تثبیت قانون کرده و معانی برای مواد آن قانون درست کند صرف خود را نه نمی فهمد معکوم کرده است مصمم السلطنه در این مملکت آدم ضعیفی نیست مع ذلک از برای این قانون بلند است برای اینکه نمی فهمیده است و وکیل او توضیح حقوقش را نموده است عده قلیلی از قضات هستند که قانون را می فهمند پس این قانون مناسب با اخلاق نیست و باید تجدید نظری در او بشود این مملکت مملکت اسلامی است هم چنانچه خداوند رحمن در قرآن اشاره کرده و با اصول حکمت مأیوس است اگر چنانچه این قوانین بیچ در بیچ نفی شود و يك اداره ثبت استاد صحیحی برای جلوگیری دعوی آتی نه تأسیس شود و مراعات را با اصول حکمت قطع و فصل کنند و در امور شرعی رجوع بحکام شرع نمایند دیگر این قانون بیچ در بیچ لازم نیست فقط چند ماده قانون ممکن است در چند جلسه از مجلس بگذرد که مطابق اخلاق و عادات عمومی باشد در موقتی که بنده راجع به بودجه عرض می کردم حضرت والا اجازه داشت نصر الدوله فرمودند حرفهای فلانکس عملی نیست حالا بنده از ایشان سؤال می کنم آیا این قوانین امروزه عملی است

بلند است برای اینکه نمی فهمیده است و وکیل او توضیح حقوقش را نموده است عده قلیلی از قضات هستند که قانون را می فهمند پس این قانون مناسب با

این قوانین بیچ در بیچ نفی شود و يك اداره ثبت استاد صحیحی برای جلوگیری دعوی آتی نه تأسیس شود و مراعات را با اصول حکمت قطع و فصل کنند و در امور شرعی رجوع بحکام شرع نمایند دیگر این قانون بیچ در بیچ لازم نیست فقط چند ماده قانون ممکن است در چند جلسه از مجلس بگذرد که مطابق

ممكن است در چند جلسه از مجلس بگذرد که مطابق اخلاق و عادات عمومی باشد در موقتی که بنده راجع به بودجه عرض می کردم حضرت والا اجازه داشت نصر الدوله فرمودند حرفهای فلانکس عملی نیست حالا بنده از ایشان سؤال می کنم آیا این قوانین امروزه عملی است

بلند است برای اینکه نمی فهمیده است و وکیل او توضیح حقوقش را نموده است عده قلیلی از قضات هستند که قانون را می فهمند پس این قانون مناسب با

و ممکن است اجرا شود ؟ صرف نظر از اینکه موافق اخلاق و عادات عمومی نیست و صلاحیت قانون شدن را ندارد بنده عرض می کنم قانون جزای عرفی با این اصولی که معین شده اسباب و آلات او هنوز در این مملکت میسر و فراهم نیست حبس مقید حبس مجرد در قلاع و امثال اینها اگر گدا جلو آدم را گرفت چندوقت باید حبس بشود آیا این ترتیبات عملی است

آقای شیخ الاسلام - قانون جزای عرفی که مطرح نیست چرا مذاکره میکنید

حائری زاده - در مملکت ما که مملکت اسلامی است در شریعات باید مراجعه بحکام شرع بکنند و در عرفیات باید اصول حکمت را معمول کنند و وزیر عدلیه باید هفت هشت ماده که تفکیک شریعات از عرفیات کند باید در چند جلسه از مجلس بگذراند و دیگر محتاج نیست که کار غلطی را بکنیم و حق و کالنی را که نداریم ب دیگران بهیمیم جمله دیگری که آقای وزیر عدلیه فرمودند حکم کرده اند قضات بدون امتحان داخل نشوند من کسی را سراغ دارم علاوه بر اینکه امتحان نداده جانی هم هست و حالاً هم لازم نمیدانم او را اسم ببرم و من فصل هم شده بود ایشان با و کار داده اند فرمودند قضات بدون مواجب و معاکم بدون بودجه را امر فرموده اند موقوف بشود برای اینکه معاکمی که باید از عایدات امور خود را بکنند مجبور خواهند بود هر روز برای پیدا کردن دعوی برای مردم التریک کنند و تحصیل حقوقی نمایند در صورتیکه آن معاکمی که سابقاً بودجه نداشت و امروز که بودجه وزارت عدلیه پنجاه و پنج هزار تومان هم کسر شده و بر بودجه اداره ثبت اسناد اضافه شده ما می بینیم باز آنجا کم یابی است و موقوف نشده خلاصه اینکه اگر بخواهیم باسم اینکه قانون موقتی است و باید از مجلس بگذرد بنده مخالفم زیرا بطوری که عرض شد همه قوانین موقتی است تأیید ماها وکیل در تریک نیستیم که اختیارات خودمان را ب دیگر می بدهیم که برای ما قانون وضع کرده و اجرا کنند

رئیس - گمان می کنم مذاکرات برای امشب کافی است

وزیر عدلیه - اگر آقایان مذاکرات را کافی میدانند آنوقت در دو سه مرتبه فرمایش اخیر نماینده معظم لازم است دو کلمه توضیح عرض کنم

رئیس - بقیه مذاکرات بمابعد برای جلسه سه شنبه

وزیر عدلیه - چون ایشان مطالب خارج از موضوعی فرمودند و در ضمن مذاکرات بیان فرمودند که يك قاضی نه تنها امتحان نداده است بلکه جنایت هم کرده است بنده عرض می کنم آن شخص رئیس عدلیه یزد بوده است

حائری زاده - عضو است نه رئیس وزیر عدلیه - در هر حال از اعضاء عدلیه یزد است که بهر خلاف قانون منسل شد و من از نقطه نظر قانون موقتاً او را القاه کردم تا اینکه اگر در تحت شرایط عمومی منتهی

شدنی است منفصل شود و اگر هم بالعکس القاء شدنی است القاء شود اگر این خلاف قانون است من هیچو خلاف قانونی را کرده و احترام هم دارم اما نسبت با تملل معاکم مجانی نکستم معاکم مجانی منحل شوند زیرا خود این خلاف قانون بود تکلیف این مسئله در ضمن بودجه عدلیه معلوم خواهد شد یک اصلی را بنده اتخاذ کرده ام و آن این است که باید تمام معاکم دارای بودجه باشند و بر روی این اصل بودجه عدلیه را تهیه کرده ام و به مجلس خواهم آورد و آن دقیقه که مجلس پیشنهاد مرا تصویب کرد یکساعت بعد تلگراف انحلال تمام معاکم مجانی از طرف من صادر خواهد شد

رئیس - چون روز شنبه مصادف با عید مشروطیت است لذا جلسه موسکول بروز سه شنبه دوساعت به عروب خواهد شد و دستور آن
اولا بقیه مذاکرات در راپورت کمیسیون بودجه از ماده دوازدهم

ثانیاً بقیه مذاکرات دوازدهم که الان مطرح بود حائری زاده - فرمایش آقای وزیر عدلیه که فرمودند لازم است توضیح عرض کنم
رئیس - در جلسه دیگر توضیح بدهید آقای مستشار السلطنه

(اجازه)

مستشار السلطنه - نظر بملایه که از طرف عموم نمایندگان معترض نسبت بوقایع اخیر آذربایجان احساس می شود در این موقع که آقای رئیس الوزراء تشریف برده اند می خواهم از سایر آقایان وزراء سؤال کنم که قضیه آذربایجان به نحو خاتمه یافته و از نمایندگان آنجا تلگراف و خبر دارند یا خیر

وزیر عدلیه - آقای رئیس الوزراء تشریف دارند و خودشان برای جواب تشریف بیاورند

(آقای رئیس الوزراء از اطاق خارج وارد شدند)

رئیس - آقای وحید الملک راجع باذربایجان سؤالی داشتید

وحید الملک - بلی اوضاع آذربایجان متأسفانه در این چند روز گذشته باعث نگرانی زیاد شده و افکار را فوق العاده متوحش ساخته می خواهم از آقای رئیس الوزراء سؤال کنم اگر اخبار جدیدی از آذربایجان دارند که باعث تسکین افکار باشد بفرمایند

رئیس الوزراء - راجع بقضیه تبریز آقایان می دانند در یک هفته قبل تلگرافی از تبریز رسیدی

برایکنز اندامهائی که در طرف خانه بودند و سرانه بطرف تبریز حرکت کردند بعد از زدو خورد مختصری با نظامیانی که در تبریز بودند و اردشیر تبریز شدند و شهر را تصرف کردند و قوای دولتی بطرف قوم باغی که در نیم فرسخی شهر تبریز واقع است کشیده اند متعاقب این امر دوتنفر از نمایندگان مجلس شورای ملی که در تبریز هستند بتلگرافخانه آمده و بعضی مطالب بدولت اظهار داشته و اصلاح امر را خواستار شدند دولت هم راجع باصلاحات اوضاع اینجا باندازه که می توانست اقدام کرد و امیدوار بود با آن اقدامات رفع غائله بشود ولی متأسفانه از طرف ژاندارمهای سکه از طرفخانه آمده و شهر را تصرف نموده بودند تقاضا هائی بعمل آمده که متعاقب باحیثیات دولت و مصالح مملکتی بود دولت هم از آنچه لازم بصیحت و اندوز بود خودداری نکرده و حتی الامکان می خواست اسررا بمسالت و بدون زدو خورد خاتمه دهد و مکرر بآنها تذکر شد که در این موقع که در طرفخانه و سواجیلاغ اردو تشکیل یافته این اقدام فی الواقع یک عمل خیانتکارانه برضد مملکت است و اگر مطالبی داشتید می توانستید از خود طرفخانه بدولت اظهار کنید و ثانیاً تقاضا باید در یک حدودی باشد که مخالفت با قوانین مملکت و حیثیات دولت نداشته باشد و مخصوصاً برای اینکه دولت باین اشخاص مهلت بدهد و فکر کنند شاید از کار خود پشیمان شوند آنچه می توانست و در خود موقعیت بود بعمل آورده و یک چندی هم بآنها مهلت داد و در این مدت چه از طرف دولت وجه از طرف بعضی از آقایان نمایندگان نصیحت های لازم بآنها شد ولی متأسفانه مؤثر واقع نگردید سهل است بطوریکه خبر رسید دیروز خود آنها بمادرت بعمل بقوای نظامی دولت کرده اند و بموجب اخباری که از منابع صحیحیه داریم باز نظر بدستور العمل هائی که دولت داده بود قوه نظامی حتی الامکان از حمله بآنها خودداری کرده و آنچه می توانستند اقدام کرده که شاید آنها را منصرف بکنند و بطور خوشی این غائله رفع شود ولی هر چه از این طرف نصیحت شده بود بر حمله و جاسارت آنها افزوده شده و بالاخره کار بجنگ متعیر شده است و پس از مختصر زدو خوردی قوای نظامی وارد شهر شده شهر را از تصرف آنها بیرون آورده اند رئیس آنها که لاهوتی باشد قرار اختیار می کند و ژاندارمها تسلیم شده اند و موافق اطلاعی که از منابع رسمی و همچنین تلگرافی که از امیر لشکر کشال رسیده شهر در تصرف قوای دولت و امنیت کامل برقرار است و موافق تعلیماتی که بر رئیس قشونی داده شده بود

رئیس - آقای نظام الدوله
(اجازه)
نظام الدوله - چون بموجب فرمایشانی که آقای رئیس الوزراء فرمودند در ضایع رعایت خاطر اهالی رادر نظر داشته اند و اسباب رفاهیت آنها را فراهم نموده اند و قوای دولتی هم بطور خوشی با مردم رفتار کرده اند بنده عرض میکنم که در واقع آذربایجان برای مملکت بمنزله یک قلبی است و در این موقع که دولت برای آسایش اهالی اقدامات مجدانه مقبول فرموده اند نهایت تشکر از ایشان حاصل است

رئیس - آقای فہیم الملک
(اجازه)

فہیم الملک - بنده بدستور عرض دارم و می خواهم عرض کنم بطوری که آقایان مستحضر ندهند از نمایندگان معترض قسم نخورده اند و البته باین ترتیب در موقع اظهار عقیده و رأی آزاد هستند لذا استدعا میکنم دستور جلسه آتی مراسم تعلیف آقایان بعمل آید و در صورتیکه استدعای بنده قبول شود از آقای شیخ الاسلام تقاضا میکنم برخلاف دفعه سابق اگر موافقی دارند رفع کنند که در موقع حاضر برای تعلیف باشند

شیخ الاسلام - این مسئله را آقای رئیس باید امر بفرمایند الان یک قرآن بیاورند تا بنده قسم بخورم قسم خوردن آسان است ولی عمل کردن قسم مشکل است

رئیس - اشخاصی که قسم یاد نموده اند روز سه شنبه قسم یاد خواهند نمود و بعد از اتمام آن داخل در دستور میشویم

(مجلس سه ساعت و نیم از شب گذشته ختم شد)

رئیس مجلس مؤتمن الملک

جلسه ۶۸ صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه شانزدهم جمادی الثانی هزار و سیصد و چهل مطابق بیست و پنجم دلو ۱۳۳۰

مجلس یکساعت و نیم قبل از غروب در تحت ریاست آقای مؤتمن الملک تشکیل گردید
صورت مجلس ۲ - یوم پنجشنبه دلو را آقای تدین قرائت نمودند

رئیس - نسبت بصورت مجلس اعتراضی هست یا خیر؟ (اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد آقایانی که قسم یاد نکرده اند تشریف بیاورند قسم یاد کنند
آقای سردار چنگ (غائب بودند) آقایان شیخ الاسلام اسفهان و وکیل الملک حاجی میرزا تقی خان - آقای سید محمد تقی طباطبائی - نظام الدوله - میرزا محمدنجاد

وحید الملک را آقای رئیس برای مراسم تعلیف فردا فرد احضار فرموده و قسم نامه را در حضور قرآن مجید بمضمون ذیل قرائت و امضاء نمودند

ما اشخاصی که در ذیل امضاء کرده ایم خداوند را بشهادت مبطلیم و بقرآن قسم یاد می کنیم مادام که حقوق مجلس و مجلسیان مطابق این نظامنامه معفوظ و مجری است تکلیفی را که با رجوع شده است معماور امکان با کمال راستی و درستی وجد و جهد انجام بدهیم و نسبت باعلی حضرت شاهنشاه متبوع عادل مفهم خودمان صدیق و راستگو باشیم و با اساس سلطنت و حقوق ملت خیانت ننماییم و هیچ منظوری نداشته باشیم جز قوائد و مصالح دولت و ملت ایران

رئیس - قبل از اینکه داخل مذاکرات دستور شویم چند فقره اوابیح رسیده است که عرض می شود و بعداً فرستاده میشود به کمیسیونهای مربوطه

اولا لایحه تقاضای ۱۵ هزار تومان اعتبار برای انتخابات ولایات که بکمیسیون بودجه مراجعه می شود ثانیاً لایحه تقاضای ۱۰ هزار تومان اعتبار برای مخارج ضروری سرویس حمل و نقل مراجعه می شود بکمیسیون پست و کمیسیون بودجه

ثالثاً لایحه راجع به اضافات نرخ پستی سکه ارسال به کمیسیون پست میشود

رابعاً لایحه راجع به برقراری مستیری برای ورثه مرحوم عبداللوه آن هم ارسال به کمیسیون بودجه میشود

خامساً لایحه راجع بصدر پست بره است که ارسال بکمیسیون قوانین مبالغه می شود

وزیر عدلیه - قبل از اینکه مجلس شورای ملی داخل در مذاکره دستور شود اجازه می خواهم آقای آقامیرزا رضا خان را بسمت معاونت وزارت عدلیه معرفی نمایم

رئیس - لایحه پیشنهادی دولت راجع بقوانین متوفی عدلیه مطرح است (آقای وحید الملک (اجازه)

وحید الملک عرضی ندارم

رئیس - آقای نصرت الدوله (اجازه)
گفته شد قاضید

رئیس - آقای ارباب کیخسرو موافقت؟
ارباب کیخسرو - بنده از آقای وزیر عدلیه سؤالی دارم

رئیس - بفرمائید
ارباب کیخسرو - در حالی که تصور می کنم از طرف قانون گذاران فقط باید از آقای مشیرالدوله تشکر بشود که هروقت زمامداری را اختیار کرده اند در مواقع از پیشنهاد قوانین خودداری نداشته اند و خیلی امیدواری بقدر میدهیم که آقای وزیر عدلیه در این پیشنهادی که کرده اند اصول قانون اساسی را مخصوصاً از هشتاد و نهمم متمم قانون اساسی که برای آسایش و حفظ حقوق عمومی است رعایت نموده اند ولی در حال مجبور از آقای وزیر عدلیه سؤال کنم آیا در ضمن قوانینی که در نظر گرفته اند پیشنهاد کنند اصل شصت و ششم و هفتم قانون اساسی را هم در نظر گرفته اند یا خیر؟ و بعضی تذکر این دو اصل را می خوانم که مقصود بنده را خوب منتقت شوند

اصل شصت و ششم - مسئولیت وزراء سیاست را که داخل با آنها میشود قانون معین خواهد نمود

اصل هفتم - تعیین تقصیر و مجازات و اذعان روز را در موقعی که مورد اتهام مجلس شورای ملی یا مجلس سنا شوند در امور اداری خود دچار اتهامات شخصی مدعیان کردند منوط بقانون مخصوصی خواهد بود

بنده که از آقای وزیر عدلیه این سؤالی را می کنم تقاضا دارم که مخصوصاً در نظر داشته باشد (و شاید هم در نظر داشته باشند) چون سؤال بنده بیشتر متوجه اصل شصت و نهم است و تصور می کنم پیشنهاد کردن این قانون بیشتر راجع بوزارت عدلیه باشد اصل ۶۹ نویسد مجلس شورای ملی یا مجلس سنا تقصیر وزراء را در معضرت دیوانخانه نیز عنوان خواهند نمود و دیوانخانه مزبوره با حضور تمام اعضاء مجلس معاکات دائره خود معاکه خواهد کرد الی آخر و گمان میکنم تقاضای بنده که مراعات این اصول است بی جا نباشد برای اینکه در موقع وضع هر قانون حتی در موقعی که در بودجه مذاکره میشود تمام مذاکراتی که در اینجامی باشد راجع بود بقلاکت و بیچارگی مردم و اینکه حقوق مردم بطوریکه باید رعایت شود نمی شود بنده بیشتر این فلاکت و بدبختی ها را از این میدانم که قانون مسئولیتی هنوز برای وزراء وضع نشده است و اگر آن قانون وضع شود و وزراء تکلیف خودشان را بدانند تصور می کنم در یریشانی و بیچارگی مردم تخفیفی حاصل شود این بود که بنده خواستم نظر آقای وزیر عدلیه را در اینجا بدانم که آیا آن اصول را در نظر گرفته اند یا خیر؟

وزیر عدلیه - البته بطور کلی باید گفت سکه قانون اساسی ما اصول زندگانی اجتماعی را معین کرده و بر طبق آن اصول قوانین فرعیه باید تدوین شود و همینطور که آقای ارباب کیخسرو اشاره فرمودند آقای رئیس الوزراء و دولت حاضر که در صدد خواهند بود که نسبت بکلیه اصول که در مملکت مجری است قوانین فرعیه آنها را تهیه نموده و به مجلس تقدیم کنند این تذکری که آقای ارباب کیخسرو دادند در نظر بنده خواهد بود و بآقای رئیس الوزراء هم عرض خواهم کرد چون این قانون یک قانون عمومی است مملکتی و با توافق نظر ایشان این قانون تهیه شده و به مجلس شورای ملی تقدیم خواهد شد و بر فرض هم از طرف دولت مسامحه بشود آقایان نمایندگان خودشان هم حق دارند پیشنهاد قانون نمایند و ممکن است در حدود این اصول قانونی نوشته شود که مقصود خود را به نحو که مقتضی میدانند در آن عمل فرمایند و پس از اینکه بنظر هیئت دولت هم رسید از تصویب مجلس بگذرانند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله بلی موافقت
رئیس - آقای سلیمان میرزا اجازه
رئیس - بنده موافقت
رئیس - آقای فتح الدوله مخالف؟
رئیس - بفرمائید

فرمودند آقای رئیس الوزراء و دولت حاضر که در صدد خواهند بود که نسبت بکلیه اصول که در مملکت مجری است قوانین فرعیه آنها را تهیه نموده و به مجلس تقدیم کنند این تذکری که آقای ارباب کیخسرو دادند در نظر بنده خواهد بود و بآقای رئیس الوزراء هم عرض خواهم کرد چون این قانون یک قانون عمومی است مملکتی و با توافق نظر ایشان این قانون تهیه شده و به مجلس شورای ملی تقدیم خواهد شد و بر فرض هم از طرف دولت مسامحه بشود آقایان نمایندگان خودشان هم حق دارند پیشنهاد قانون نمایند و ممکن است در حدود این اصول قانونی نوشته شود که مقصود خود را به نحو که مقتضی میدانند در آن عمل فرمایند و پس از اینکه بنظر هیئت دولت هم رسید از تصویب مجلس بگذرانند

رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله بلی موافقت
رئیس - آقای سلیمان میرزا اجازه
رئیس - بنده موافقت
رئیس - آقای فتح الدوله مخالف؟
رئیس - بفرمائید

فتح الدوله - این پیشنهادی که آقای وزیر عدلیه به مجلس تقدیم کرده اند در مقصد سه دلیل برای این پیشنهاد ذکر فرموده اند دلیل اولشان این است که این قوانین که در کمیسیون عدلیه تصویب می شود بموقع اجرا گذارده شود تا نمایان آن در ضمن عمل معلوم گردد و بعد از آنکه کمابیش معلوم شد آنوقت آن قوانین را به مجلس آورده و می گذرانند دلیل دوم آنکه چون وقت مجلس کم است و قوانین زیاد و اگر بخواهند تمام قوانین را به مجلس بیاورند و بگذرانند ممکن است خیلی طول بکشد و یک دلیلشان هم گویا این باشد که در مجلس دوم و سوم این مسئله سابقه داشته و قوانین عدلیه را در کمیسیون می بردند و پس از تصویب کمیسیون بموقع اجرا می گذارند بقیه بنده این سبب را که در مقدمه ذکر کرده اند هیچیک از آنها موافق نیست زیرا اولاً فرموده اند معایب قانون در ضمن عمل معلوم میشود و بعد به مجلس می آورند و این بطور خوبی از مجلس بگذرد

بنده عرض میکنم مجلس همیشه هست و قوانینی که از مجلس می گذرد مثل قوانین شرع نخواهد بود که با مناسبت آن قوانین باقی باشد بفرض که مجلس يك قانونی وضع کرده و بموقع اجرا گذاشتند و بعد چهار پنج ماده اش ناقص است و ناقص آن را بنویسند و با اصلاح آن به مجلس بیاورند تا مجلس مجدداً آنرا اصلاح کند پس این دلیل نمی شود که مجلس وظیفه قانونگذاری خود را از دست بدهد و به کمیسیون واگذار کند و اما اینکه فرمودند وقت مجلس کم است و طول میکشد بنده عرض می کنم در هفته تقریباً نزدیک صد هفتاد ساعت وقت داریم و از ابتدای تشکیل مجلس تا بحال هر هفته هشت ساعت بیشتر کار نکرده ایم و مابقی را تقریباً بی کار بوده ایم بلکه می توانم بگویم که به